... کریمه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی سوال کرده خواهد شد در روز ...
دنیا و فرمود که مراد از نعیمها رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از حضرت ...
زمزم بهترین آبهاست در روی زمین و بدترین آن آبیست که در برهوت است و بلاد
کافران در آنجا وارد میشوند و در شب معذب میباشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دوا است
از برای هر دردی که از برای آن بخورند و حضرت صادق ع فرمود که بخورید آب باران بدرستیکه
تن را پاک میکند و بیماریها و دردها را از بدن پاک دفع میکند و از حضرت صادق ع نهی واقع است در
خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده که خوردن تگرگ برای دندان نافع است
معارف روایت کرده است که شخصی از یاران ما در مکه بیمار شد تا آنکه بحال مرگ رسید بخدمت
حضرت صادق ع عرض کردم حال او را فرمود که اگر من بجای شما بودم از آب ناودان کعبه باو
میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران
بارید قدحی گرفتم و از آب ناودان کعبه پر کردم بنزد بیمار آوردم از آن آب آشامید در ساعت
شفا یافت و از حضرت صادق ع منقولست گمان ندارم طفلی را که کامش از آب فرات بردارند
مگر آنکه دوستدار ما اهل بیت باشد و فرمود که دو ناودان در آن از آب بهشت میریزد و فرمود که اگر میان
من و آب فرات مسافت بسیار باشد برای شفا بنزد او میرفتم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک
فرات میبودم دوست میداشتم که صبح و شام نزد آن بروم و از حضرت امیر المومنین ع منقولست

اخبار و روایات





...و را از آب فرات بردارند هرآینه همه شیعه ما باشند و از حضرت

...منقولست که ملکی در هر شب می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات می

...ریزد و در مشرق و مغرب عالم نیست که برکتش زیاده از آب فرات باشد و در احادیث بسیار

...وارد شده است که حضرت رسول صلعم و اله نهی فرمود که شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها

...پیدا شود و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام

فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین و نیکو شد و هر آب که

قبول نکرد تلخ و شور ماند و حضرت امام محمد باقر ع کراهت داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب

تلخ و آب گوگرد که از آن بوی گوگرد شنیده میشود و میفرمودند که حضرت نوح ع در وقت طوفان همه آبها را

طلبید همه اجابت نمودند بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین و لعنت کرد هر دو را و از حضرت

امیرالمومنین ع فرمود که آب نیل مصر دلها را میمیراند و از حضرت صادق ع منقولست که آب سرد

حرارت را فرو مینشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده میگدازد و تب را زایل میکند

و فرمود که آب جوشانیده هر درد را نافع است و بهیچ چیز ضرر ندارد بشرط آنکه هفت مرتبه او را

بجوشانند و از ظرفی بظرفی دیگر بگردانند و تب را زایل میکند و قوت ساق را میدهد و از ابن طیفور

طبیب منقولست که بخدمت حضرت امام موسی ع رفت و آنحضرت را نهی کرد از خوردن آب حضرت

فرمود که خوردن آب بعد از طعام را در معده میگدازد و غضب را فرو می نشاند و عقل را زیاد میکند

و صفرا را کم میکند و شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که حضرت فرمانها را میفرمودند

و آب بعد از آن خوردند گفت اگر آب بعد از طعام بخورید بهتر است و گفت که فرما از برای

این میخورم که لذت آب را بیابم **فصل دوازدهم** در ادب آب خوردن از حضرت صادق ع

منقولست که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین ع و اهل بیت او را یاد کند و لعنت

کند کشندگان آنحضرت را حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او

بیندازد و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد

و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید خوب است

و صلوات الله علی الحسین و اهل بیته و اصحابه و لعنة الله علی قاتل الحسین و اعدائه

و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هرگاه شخصی یک شربت آب بخورد و لعنت

قاتلان حضرت امام حسین ع کند خدا او را بهمان آب خوردن به بهشت برد با آنکه آب بخورد

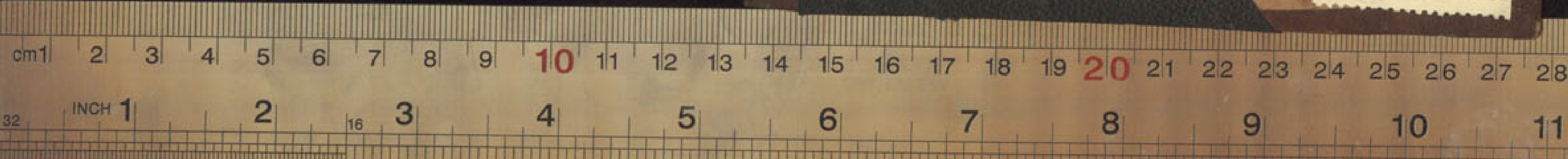
و هنوز خواهش داشته باشد از لب بردارد و حمد خدا بگوید بسبب این بهشت را بر او واجب

گردانند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلعم چون آب میخوردند این

دعا میخواندند الحمد لله الذی سقانا عذبا زلالا و لم یسقنا ملحا اجاجا و لم یواخذنا

بذنوبنا و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله

بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید پس باز الحمد لله بگوید تا سه مرتبه بعد از خوردن الحمد لله بگوید مادام



...ن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثوابش از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی
در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت بده و بگو علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات
آب خوردن شب ضرر نرساند و در روایت دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا بخواند
الحمد لله الذی سقانا فادوانی واعطانی فارضانی وعافانی وکفانی اللهم
اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله وتسعده
بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین حضرت صادق ع فرمود که آب بسیار مخور
که هر دردی را بسوی تو میکشد و تا تاب درد داری دوا مخور و حضرت امام رضا ع فرمود که بر
بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر ندارد و اما در غیر آن حال بسیار آب مخور و فرمود که اگر کسی
بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا معده اش شق نمیشود و
میان علما مشهور آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت است که به سه نفس خورده
شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوبست و به یک نفس خوردن
بهتر آنست که به سه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در شب نشسته بخورد چنانچه
از حضرت صادق ع منقولست که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب
ایستاده آب خوردن باعث زیادتی بلغم و زردآب و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود
که آب ایستاده خوردن باعث قوت بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که آب ایستاده

مخورید که باعث دردی میشود که دوا ندارد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق
ع مرویست که آب ایستاده مخورید و بر دور هیچ قبر مگردید و بول بر آب ایستاده مکنید پس اگر چنین
کند بلائی باو رسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه گفته که مراد از این احادیث آب خوردن شب
است و به دو سند حسن از حضرت صادق ع منقولست که آب را به سه نفس خوردن بهتر است از خوردن
بیک نفس و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بر ندارد
تا سیر شود چون است حضرت فرمود که مگر لذت هست در غیر این که میگویند که این شرب
هیم است یعنی شتر تشنه حضرت فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و
و در روایت دیگر منقولست که اگر آنکسی که آب بتو میدهد اگر بنده تو باشد به سه نفس بخور و اگر
آزاد باشد بیکنفس آب بخور و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم دوست میداشتند
آب خوردن در قدح شامی و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها
از شام می آوردند بهدیه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از کوزه سفالی
آب میخوردند و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم گذشتند بر جماعتی که دهان
بر آب گذاشته بودند و آب میخوردند حضرت فرمود که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهای شماست
و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که آداب آب خوردن آنست که در ابتدا
بگوئی بسم الله و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش دسته کوزه و از جائی که شکسته باشد

با رخه داشته باشد مخورید که این دو جا موضع شیطانست و حضرت رسول صلعم نهی فرمود از
دمیدن و دهان در آب و از حضرت صادق ع منقولست که دمیدن در آب وقتی که دیگری حاضر باشد
و خواهد که آب بخورد مکروهست که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی وارد
شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید و دهانرا پر مکنید
که باعث درد جگر میشود و منقولست که حضرت رسول صلعم گاهی در قدحهائی که از شام می آوردند
تناول میفرمودند و گاهی در قدحهای چوب و گاهی در پوست و گاهی در خزف و اگر ظرفی حاضر نبود
در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم

در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت
با زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان

فصل اول

در فضیلت تزویج
و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که از اخلاق پیغمبرانست
دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمان او چیزی زیاده شود مگر آنکه
محبت زنان او را زیاده میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که سه چیز است
که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و موهای زیادتی را از بدن ازاله کردن و زنان
را بسیار دوست داشتن و بسیار با ایشان مقاربت کردن و بسندهای بسیار از حضرت
رسول صلعم منقولست که فرمود که از دنیای شما اختیار کرده ام بوی خوش و زنان و روشنی
دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکینی بجهت اختیار عبادت کرده بود

و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب نامه بحضرت صادق ع
نوشت آنحضرت در جواب نوشتند که آنچه از زنان میدانی که حضرت رسول صلعم چه عدد از زنان
داشتند اما طعام لذیذ حضرت رسول صلعم گوشت و عسل تناول میفرمودند و فرمود هر که زنی بعقد
خود در می آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بپرهیزید در نصف دیگر و فرمود
که بدترین مردمان شما عزبانند و فرمود که مانع است مومن را که زنی بگیرد شاید خدا او را
فرزندی روزی کند که سنگین کند روی زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که خواهد
متابعت سنت بکند سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خوشم نمی آید
که دنیا را و آنچه در دنیا هست داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که
کدخدا میکند از دو بهتر است از عزبی که تمام شبها نماز کند و روزها روزه دارد و حضرت
رسول صلعم فرمود که هر که ترک کند کدخدائی را از ترس پریشانی پس بتحقیق که گمان
بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که ان یکونوا فقراء یغنیهم الله من فضله
یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند خدا ایشانرا از فضل خود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت رسول خدا
صلعم و گفت یا رسول الله عثمان هر روز روزه میباشد و شبها نماز میکند از دو بنزد من نمی آید
حضرت غضبناک بنزد عثمان آمدند و فرمودند ای عثمان خدای تعالی مرا برهبانیت نفرستاده

است ولیکن بدین مستقیم و سهل و آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میگذارم
و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل کند و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند نزد حضرت رسول خدا صلعم یکی گفت که
شوهرم گوشت نمیخورد و دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمیبوید دیگری گفت که شوهرم
با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمد از روی غضب ردای خود را بر زمین می
کشید تا بمنبر درآمد و حمد و ثنای الهی گفت و فرمود که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت
نمیخورند و بوی خوش نمیبویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش می
بویم و نزدیکی بزنان میکنم هر که سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقولست
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلعم شکایت کرد که شوهرم نزدیک من نمی آید حضرت فرمود
که خود را خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم
و از من دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که ثواب چه قدر در آمدن نزد تو دارد
دوری نمیکرد فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک او را احاطه میکنند و ثواب آن دارد که
شمشیر کشیده و در راه دین جهاد کند پس چون با تو جماع میکند گناهان از او میریزد چنانکه
برگ از درختان بریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدر می آید و حضرت صادق ع فرمود
که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است بهفتاد رکعت نماز که عزب میکند فصل دویم

در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که زن بمنزله قلاده ایست که در گردن خود می افکنی پس ببین که چگونه قلاده
از برای خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچیک قیمت ندارد و زن صالحه طلا و نقره
قیمت و قدر آن نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بخاک هم نمی ارزد
و خاک بهتر از انست و حضرت رسول صلعم فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید و از کفو
مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود نیز اختیار کنید که شایسته آن باشند که فرزندان
بهم رسانند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که زنی بخواهد برای حسن و جمال
یا برای مال از هر دو محروم میگردد و اگر از برای دین داری و صلاح او بخواهد حق تعالی
مال و جمال او را ارزانی و روزی کند و حضرت رسول صلعم و آله فرمود که زن باکره بخواهید
که فرزند بسیار آورد و زن مقبول که فرزند نیاورد مخواهید که من مباهات میکنم باشما
بر امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان خورد در زیر عرش الهی
از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشانرا نگاهداری میکنند
و حضرت ساره که ایشانرا تربیت می نمایند در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در
حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهان ایشان خوشبوتر و رحم ایشان
خشک تر و پستانهای ایشان پرشیرتر است و فرزند آورنده تر است مگر نمیدانی که

من مباهات میکنم به بسیاری شما در روز قیامت حتی فرزندی که نا تمام از شکم مادر افتاده باشد و می آید
خشمناک بر در بهشت و می ایستد پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم
تا پدر و مادر پیش از من نروند پس حقتعالی امر میفرماید که پدر و مادرش را بیاورید و داخل بهشت
کنید پس خطاب بطفل میفرماید که ایشانرا داخل بهشت کردم برای زیادتی رحمت من نسبت بتو
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بخواه زن گندم گون فراخ چشم و بزرگ سرین و میانه
بالا پس اگر بخواهیش بیاد مهرش را از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم چون
بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود که گردنش را بو کنید که خوشبو باشد و قوزک پایش پر گوشت
باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که از سعادت آدمیست که زن نیکو داشته باشد و حضرت
صادق ع فرمود که چون خواهید که زنی خواستگاری کنید از مویش بپرسید چنانکه از رویش می
پرسید که لطف حسن مویست و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که بهترین زنان شما زنیست که فرزند
بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز و نزد شوهرش
ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد
و هر چه شوهر گوید بشنود و هر چه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند هر چه از و
خواهد مضایقه نکند اما بشوهر در دنیا و میرزد که او بتکلیف در جماع ندارد و بعد از آن فرمود
که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند

خود
نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب باشد زینت کند
و از دیگران نماید و شوهر چون بیاید مستوری اظهار کند و سخنش را نشنود و اطاعتش نکند
و چون شوهرش با او خلوت کند مانند شتر مست مضایقه کند از آنچه شوهر با او اراده دارد
و عذرش قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
رسول صلعم و آله آمد گفت زنی دارم هر گاه بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون
می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید چه غم داری اگر برای روزی غم
میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر از برای آخرت غم میخوری خدا
زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان خداست و نصف
ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت آنست که خوشرو و کم مهرش
سبکتر باشد و حضرت صادق ع فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زائیدنش
آسان و شومی زن آنست که مهرش زیاد باشد و زائیدنش کم باشد و ایضا فرمود
که شومی زن آنست که مهرش زیاد باشد و زائیدنش دشوار و حضرت رسول صلعم فرمود
که بهترین زنان شما قریش اند مهربانترین زنانند بشوهران و با عقلند با دیگران و
مصداق قریشی در این زمان سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که خدا
وند عالمیان میفرماید که چون خواهم جمع کنم برای مسلمانی نیکیهای دنیا و آخرت را با و میدهم

دل شکسته و خاشع و زبان ذکر کننده و بدین صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه
باو نظر کند شاد شود و چون شوهرش غایب شود شوهر خود را نگاهداری کند
و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که در بنی اسرائیل مردی بود عاقل و مال بیشمار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه در شکل
و شمایل باو شبیه بود و دو فرزند داشت از زن دیگر که عفیفه نبود چون وقت فوت او شد
گفت همه مال من یکی از شماست چون هر یک دعوی کردند که مال از منست بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهور بودند بروید پس پیش یکی از آنها که رفتند مرد پیری بود گفت بروید
بنزد فلان برادر من که از من بزرگتر است بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان گفت بروید
بنزد برادر بزرگتر از من بنزد او رفتند او را جوان یافتند پس سوال کردند که چه سبب برادر
کوچک ترا از همه پیرتر است و تو که از همه بزرگتری از همه جوانتری گفت اما آن برادر کوچک من زنی
دارد بسیار بد و بر بدیهای او صبر میکند که مبادا ببلای دیگر مبتلا شود که صبر نتوان کرد بآن
سبب از همه پیرتر است و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاه خوشحال دارد او را و گاه دلگیرش میکند
باین سبب میانه حال مانده است و من زنی دارم همیشه مرا خوشحال دارد و هرگز آزرده ام نمیکند
باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر
خود را بیرون آورید و بسوزانید و بعد از آن بیائید تا حکم در میان شما بکنم چون رفتند پسر کوچک

شمشیر

شمشیر برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند چون بر سر قبر رفتند آمدند و برادر کلنگ
بر قبر زدند که نبش کنند برادر کوچک شمشیر برکشید و گفت نمیگذارم که قبر پدر مرا نبش کنند
و من از حصه خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم برگشتند چون بنزدیک قاضی رسیدند قاضی
مالها را به پسر کوچک داد و با آنها گفت اگر شما پسر و فرزند او می بودید همچنان که برادر
کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از در آوردن استخوان پدر و سوختن شما را هم
میشد

فصل ششم

در آداب نکاح و اراده آن در حدیث حسن منقولست
از حضرت صادق ع که هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد
الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ
اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَاعظمهن
اَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لِی وَلَداً طَیِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صَالِحاً فِی حَیَاتِی
وَبَعْدَ مَوْتِی و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که
شخصی زنی خواسته است که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که
در میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا کردند و در حدیث معتبر منقولست که
مکروه است که تزویج در شب واقع شود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن در ماه شوال
خوبست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که عقد یا زفاف کند که قمر در عقرب باشد

عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست که هرکه در تحت الشعاع عقد یا زفاف
بکند بو نهند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روز جمعه روز خواستگاری نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن
و مهمانی کردن سنت است پیش از عقد و نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلعم
و آله منقولست که از سنت پیغمبر است طعام دادن در وقت تزویج و آنحضرت چون میمونه را
تزویج نمود ولیمه و حیس بمردم خورانید و آن حیس کالی بود از خرما و روغن و کشک ساخته اند
و آنحضرت فرمود که ولیمه روز اول لازم است و در روز دویم نیکست و در روز سیم ریا و سمعه است
و منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون دختر مامون را عقد کرد این خطبه خواند
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَقَرَّ بِنِعْمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخْلَاصًا لِوَحْدَانِیَّتِهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی
سَیِّدِ بَرِیَّتِهِ وَالْاَصْفِیَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ کَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَی
الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَاَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَالصَّالِحِیْنَ
مِنْ عِبَادِکُمْ وَاِمَائِکُمْ اِنْ یَکُوْنُوْا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیْمٌ
و سایر خطبهای طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آن ندارد و در باب آداب
صیغه نکاح رساله جدا تالیف کرده ام **فصل چهارم** در بیان زفاف و جماع معتبر بدانکه
زفاف کردن در وقتی که قمر در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در

فرج زن در وقتی که حائض باشد یا خون نفاس باشد حرام است و از ما بین ناف تا
زانوی او از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن
جماع نیز حرام است و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورت باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید
و با او مقاربت کند و زن استحاضه دار اگر غسل و سایر اعمال که او را می باید کردن بجا آورد
او را با او جماع می توان کرد و در وطی در دبر زن خلافست و بعضی حرام میدانند و اکثر علما مکروه
میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود که جماع کند آزاد باشد که منی خود را بیرون فرج
بریزد و بعضی از علما حرام میدانند بیرون ریختن و در کنیز باک نیست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که نباید مرد را دخول کردن با زن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که هرکه جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس با خود قرار داده فرزند را از
شکم پیش از آنکه تمام شود افتادن را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جماع مکن
در اول ماه و در آخر ماه و میان ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و
نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی که کسی را
که صرع میگیرد اکثر آنست که یا در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میگیرد و از حضرت
رسول صلعم و آله فرمود که هرکه جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد
مبتلا شود بجوزه یا پیسی پس ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود

کند

کرده شمن علما و اهل بیت نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش در حیض یا حامله شده
باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که چون کسی خواهد
با زن خود جماع کند بروش مرغان بنزد او نرود بلکه اول دست بازی بکند و خوش طبعی کند
و بعد از آن مجامعت کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقت
جماع سخن نگوید که بیم آنست که فرزند لال باشد و در آن فرج زن را نظر مکنید در آن وقت که بیم آنست که فرزند
کور بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که باکی نیست نگاه کردن در وقت جماع و
در چندین حدیث معتبر منقولست که مرد و زن در حالتی که خضاب بحنا و غیر آن بسته باشند جماع نکنند
و از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور
شود چونست فرمود که باکی نیست و باز پرسیدند که اگر کسی فرج زن را ببوسد چونست فرمود که باکی نیست
و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن را عریان کند و با او نظر کند چونست فرمود
که مگر لذتی هست بهتر از این بهتر چه باشد و پرسیدند که اگر کسی دست و انگشت بفرج زن بازی کند
چونست فرمود که باکی نیست اما چیزی از اجزای بدن خود چیزی در آنجا نکند و پرسیدند که آیا جایز
بود که کسی در میان آب جماع کند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن خود
و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفل باشد که آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم رسد زناکار میشود

و از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که فرمود بخداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی با زن
خود جماع کند و در آن خانه شخصی بیدار باشد یا ایشان را ببیند یا نفس ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان بهم رسد
رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین ع اراده مقاربت مینمودند خدمتکاران
را دور میکردند و درها را می بستند و پردها را می انداختند و از حضرت صادق ع منقولست که کسی با کنیزی
جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی
نیست که با کنیز دیگر وطی کند و در خانه دیگر باشد که نبیند و نشنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست
که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از
حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد فرمود که کراهیت دارد که مرد رو
بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه رو
بقبله و نه پشت بقبله جماع نکند و در کشتی نیز جماع نکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که دوست نمیدارم
که کسی در جائیکه آب نیابد برای غسل کردن جماع بکند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و جمعی از علما
قائل بحرمت شده اند و از حضرت رسول صلعم و آله نهی فرموده از آنکه کسی محتلم شود پیش از آنکه غسل کند جماع
کند فرموده که اگر بکند فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق ع فرمود
که مکروه است جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میشود و همچنین زردی آفتاب در وقت فرو رفتن
حضرت امیر المؤمنین ع فرمود مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقولست

که حضرت رسول صلعم وصیت نمود بحضرت علی علیه السلام که یا علی چون عروس داخل شود کفش او را بکن تا بنشیند و پای
هایش را بشوی و آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش و چون چنین کنی هفتاد نوع پریشانی از تو دور
کند و هفتاد هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع برکت و رحمت برای تو بفرستند
که بر سر عروس فرود آید تا آنکه برکت بهر گوشه از آن خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی
و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب
ترش پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب
خوردن اینها سرد و عقیم میشود و زن فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است
از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر
ماه که دیوانگی و خبط دماغ را می باید با آن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزند بهم
رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو اگر فرزند بهم رسد لال باشد و نگاه مکن اندرون فرج زن
خود و چشم بپوشانند در آن حالت که نظر کردن بر آن باعث کوری فرزند میشود یا علی بشهوت
خواهش زن دیگری بزن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب
با زن خود در فراش خوابیده باشد و قرآن بخواند میترسم که آتشی نازل شود و بسوزاند ایشان را
یا علی جماع مکن با زن خود مگر اینکه دستمالی از برای خود داشته باشی و او از برای خود داشته باشد
هر دو خود را بیک دستمال پاک مکنید که دشمنی در میان ایشان بهم رسد و آخرش جدایی میشود یا علی

با زن خود جماع مکن که از فعل حرامت اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند یا علی
در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی از او بوجود آید شر بسیار از او بظهور رسد یا علی در شب عید قربان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت بهم رسد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده ظلم باشد یا علی در برابر
آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بهم رسد همیشه به بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی در میان
اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد راغب باشد بخون ریختن یا چون زنت حامله شود با او
جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد یا علی در شب نیمه شعبان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در روز آخر
ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار یا یار ظالمان باشد و هلاک بسیار از مردم در دست
آن شود یا علی بر پشت بام حمام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکار باشد و صاحب بدعت باشد
یا علی چون بسفری بروی در آن شب که بیرون روی جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مال شرا بناحق
صرف کند و صرف کنندگان برادر شیاطین اند و اگر بسفری روی که سه روز راه باشد جماع مکن
که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی در شب پنجشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد قاری قرآن
و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه بکن که اگر فرزندی بهم رسد بعد از سعادت
اسلام او را روزی شهادت شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوان مرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک

حاکی

باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه کن که اگر فرزندی بهم رسد از احکام شریعت یا عالمی از علما باشد
و اگر روز پنجشنبه در وقتی که آفتاب در میان آسمان نزدیکی بزن خود کنی فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک
نشود تا پیر شود و خدا روزی کند او را سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهم رسد
از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند از ابدالان
باشد یا علی اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار
نماید یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل ع بیاموختم و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که در روز عقد حضرت فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی را که آنچه دارد فرو ریزد
برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران
آن نثار را ربودند تا روز قیامت مفاخرت میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت
فاطمه است و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول صلعم و آله را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند
و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام شتر را میکشید و حضرت امیر را فرمود که از عقب
روان شد و در اثنای راه صدای ملائکه بگوش حضرت رسول صلعم رسید دید که جبرئیل با هزار ملک و میکائیل
با هزار ملک فرود آمدند و گفتند حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده است پس جبرئیل ع
الله اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و این سنت شد که در زفاف الله اکبر بگویند
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که طعامها بعضی اوقات میآوریم و بسیار پاکیزه

و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی‌آید فرمود زیرا که بر طعام عروسی نسیم بهشت میوزد
چون طعامیست که برای حلال مهیا میکنند و در احادیث معتبر وارد شده است که سنت آنست که
عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده است اما نثار عروسیها
میتوان برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت دارد و علما گفته اند وقتی
جایز است که بقراین معلوم باشد که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هرگاه شما را طلبند بعروسی بروید و دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می‌آورد و در حدیث
دیگر منقولست که چون شما را بجنازه بخوانند زود بروید که آخرت را بیاد شما می‌آورد و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلعم و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راهی که تردد کنند
و فرمود که در میان راه هر که جماع کند خدا و ملائکه او را لعنت کنند حضرت رسول صلعم فرمود که بیاموزید
از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد بر طلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که هرگاه کسی خواهد که با زن خود نزدیکی کند باید که تعجیل نکند که زنان را کارها
حاجتست پیش از جماع هرگاه کسی زنی ببیند و خوشش آید پس برود و با اهل خود جماع کند که آنچه با او
با این هم هست و شیطان را بدل خود راه ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا
را بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل محمد فرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا باو عطا خواهد
آنچه او را [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که چون مرد با زن خود

جماع کند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سال تمام کند پس اگر بکند عیبی بسند
با آن زن ضامنست و در حدیث معتبر دیگر منقولست که مکروه است جماع کردن در میان طلوع آفتاب و صبح و
در وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی از طرف مغرب و در روزی که در آن روز آفتاب
بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در روزی که در آن روز باد سیاه و سرخ و زرد بیاید و در شب باد و روز
که در آن زلزله حادث شود و اند که اگر کسی جماع کند در این اوقات او را فرزندی بهم رسد نبیند
در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده اند و در فقه الرضا
مسطورست که چون بعد از غسل دادن میت چون غسل مس میت نکرده باشی و خواهی که جماع کنی وضو بساز
و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد
حرارت و مزاجش غالب شود با زن خود جماع کند ~~فرزندی که بهم رسد مخنث باشد~~ ساکن شود
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که در حالت خضاب با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد مخنث
باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که زن آزاد را بر زن آزاد دیگر جمع مکن اما کنیز را در برابر کنیز دیگر (?)
جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت صادق ع هرگاه
بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع میکردند وضو میساختند و در روایت دیگر منقولست که اگر
کسی انگشتری با او باشد که نام خدا بر او نقش باشد جماع نکند **فصل پنجم** در آداب نماز و دعا

در شب زفاف و در وقت مقاربت کردن با زنان در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
چون عروس را نزد تو بیاورند بگو پیش از آنکه وضو بسازد تو نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و
بگو او نیز دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آنها را
که با او آمده اند آمین بگویند و بگو اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها وارضنی بها واجمع
بیننا باحسن اجتماع وانس ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام بعد از آن فرمود
که بدانکه الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطانست که میخواهد که آنچه خدا حلال کرده
است مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که چون در شب زفاف
نزد عروس بروی موی پیشانی او را بگیر و روی بقبله آور و بگو اللهم بامانتک اخذتها و
بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل محمد
ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که دست بر بالای
پیشانیش بگذار و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها وفی امانتک اخذتها وبکلماتک
استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا ولا
تجعله شرک شیطان راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت
جماع نام خدا را ببرید شیطان دور میشود و اگر نام خدا را نبرید ذکر خود را [illegible] و داخل میکند
پس جماع از هر دو صادر میشود و نطفه یکیست پرسید که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده

است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان در او شریک نشده است و هر که ما را دشمن
میدارد شیطان با او شریک شده است و برین مضمون احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد
شده است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم بکلماتک
استحللتها و بامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک
تاکل مما راح ولا تسئل عما سرح و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که این دعا
بخواند بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانة الله اخذتها اللهم ان قضیت لی
فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا و اجعله مسلما سویا و لا تجعل فیه شرکا
للشیطان و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که شریک شدن شیطان را در نطفه آدم
بیان کردند و بسیار عظیم شمرده اند راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه
اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع
السموات و الارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان
فیه شرکا و لا نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصطفی من الشیطان و رجزه
جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله تا
ببرد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون کسی اراده جماع داشته باشد
بگوید بسم الله و بالله جنبنی الشیطان و جنب الشیطان ما رزقتنی پس اگر فرزندی بوجود

آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون اراده جماع کنی این دعا
بخوان اللهم ارزقنی ولدا و اجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان
و اجعل عاقبته الی خیر

در بیان حق زن و شوهر بایکدیگر و احکام

آن از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام منقولست که حق تعالی برای زنان
غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان چهار
زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده است و
اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زناکار است و غیرت و رشک نمیبرند زنان مؤمنه
و صاحب رشک نمیباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع مرویست که رشک بردن زنان از بسیاری
دوستیست بشوهران و از حضرت رسول صلعم و آله مرویست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست میدارم
هرگز از دل او بدر نمیرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که زنی بخدمت حضرت
رسول صلعم گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازمست که اطاعت شوهر بکند و نا
فرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر
وقتی که اراده نزدیکی او کند مضایقه نکند اگرچه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه بی رخصت
شوهر بیرون نرود و اگر بی رخصت بیرون رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه
رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و گفت یا رسول الله حق کدام کس بر زن عظیم تر است

فرمود که حق پدر گفت حق بر زن عظیم تر است فرمود که از صد یکی آنرا نگفت که قسم میخورم بآن
خدائی که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقولست که زنی بخدمت حضرت
رسول صلعم آمد گفت از حق شوهر بر زن بفرما فرمود که زیاده از آنست که توان گفت پس فرمود که
از جمله حقها آنست که روزه سنت بی اختیار او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و بر نیکو
ترین بوها خود را خوشبو کند و نیکوترین جامها خود را بپوشد و به بهترین زینتها خود را بیاراید و
هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند و در حدیث دیگر فرمود
که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بدهد گناهش بر آن زن است و ثوابش برای شوهر و
هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت هر چند بر او شوهر ظلم کرده باشد فرمود بلی و حضرت
صادق ع فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا آنکه
بوی خوش از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عمل ایشان بآسمان بالا نمیرود غلام گریخته
و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر آویخته باشد و در احادیث
معتبر وارد شده است که جهاد مردان آنست که مال و جان خود را در راه خدا صرف کنند که تا کشته
شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهر و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلعم فرمود
که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجود کند هر آینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند
و فرمود که زن نماز خود را طول بدهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از او میخواهد و فرمود

که زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را لعنت
کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که زن از مال خود هم چیزی بی
رخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج و زکوة یا نیکی به پدر و مادر یا صله و احسان بخویشان و در حدیث
صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر زنی که بشوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیدم ثواب همه عملهایش
بر طرف شود و در حدیث معتبر بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را
بپوشاند و اگر بدی بکند او را ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند [illegible]
و دیگر و زه روغن بر بدن مالیدن با و بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و رنگ
مانند حنا و وسمه و غیره هر ششماه یکبار با و بدهد و هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان
دو از برای تابستان و باید که خانه اش را خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و سرکه و زیت
و روزی یکمن کند قوت بدهد و میوه ها که همه کس میخورند با و بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر
برای او خوردنی بگیرد و از حضرت صادق ع منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان
و زنان و حضرت رسول صلعم فرمود که بهترین شما کسیست که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد
اسیران او یند محبوب ترین بندگان نزد خدا کسیست که احسان با اسیران خود بیشتر کند و حضرت
صادق ع فرمود که موجب هلاک صاحب زن مرد است که در شهری که زنش در آن شهر باشد و شب در خانه دیگری بماند
و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین ع در وصیت خود بحضرت امام حسن ع فرمود که زنهار مشورت مکن با زنان که رای

ایشان صیون است و علم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدارد و بیرون
مفرستید و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و با ایشان خدمتی بغیر از آنچه تعلق با ایشان
بخود شان دارد مفرما که این از برای حال ایشان و خشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است
زیرا که زن کلیت و خدمتکار نیست همین خود شرا گرامی دار و سخن شرا در حق دیگران قبول مکن
و خود را بسیار به بت آن مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که زنان را در غرفه
و بالاخانهها جا مدهید و چیز نوشتن بیاد ایشان مدهید و سوره یوسف را تعلیم ایشان مکنید و
چرخ رشتن بیاد ایشان بدهید و سوره نور را تعلیم ایشان کنید حضرت رسول صلعم و آله نهی فرمود
از آنکه زنان را در زین سوار کنند و فرمود که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا الخ طمع نیفتند از مکر
کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ما حذر باشید و از حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که رازی با ایشان مگوئید در باره خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المؤمنین
ع فرمود که مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعونست و حضرت رسول صلعم و آله چون اراده جنگ
داشتند با زنان مشورت میکردند و آنچه ایشان میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول صلعم فرمود
که هر که اطاعت زن خود کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد و گفتند یا رسول الله این اطاعت
کدام است فرمود که از او رخصت طلبیدن برای سیر و حمام ها و عروسیها و عیدها و تعزیهها
و او رخصت بدهد و جامههای نازک از او طلبد که در برکند و بپوشد و او بکند و در حدیث دیگر فرمود که زنان

مثل استخوان پهلو اند اگر او را بحال خود میگذاری منتفع میشوی و اگر میخواهی راست کنی میشکند پس
کن در ناخوشیهای ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکمرتبه با او جماع کند
اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجبست و اگر چند زن داشته باشد پیش هر کدام یکشب
بخوابد و واجبست که پیش آنهای دیگر هر یک یکشب بخوابد و جمعی را اعتقاد آنست که مطلقا واجب آنست که
پیش هر زنی از چهار شب یکشب بخوابد خواه یکزن داشته باشد و خواه زیاده و این احوط است
و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد یا خود دفع شهوت او را بکند
یا او را بشوهر بدهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر کسی نکند و آنها زنا کنند گناهش بر او ست
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است هفت روز
و هفت شب مخصوص او ست و اگر غیر باکره باشد سه شب مخصوص او ست **فصل ششم** در بیان
دعاهای طلب فرزندان و فضیلت آن از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که فرزند صالح گلیست از
گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزندان بسیار بهم رسانید که من به
شما ها در روز قیامت مباهات خواهم کرد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بیماری که بفرزند
میرسد کفاره پدر و مادر است و در حدیث صحیح منقولست که روزی جبرئیل ع نازل شد و حضرت رسول
صلعم و آله و حضرت امیر المؤمنین ع نالهای میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت فرمود که دو طفل ما
آزار داشته و گریه ایشان متعدی شده جبرئیل گفت یا محمد حق تعالی بجای فرزندان شما و شیعه شما

چند برانگیزد که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد و چون اطفال
ایشان گریه کنند گریه ایشان تا هفت سال استغفار باشد برای پدر و مادر پس چون تا بحد بلوغ برسند
پدر و مادر بر ثواب ایشان شریک باشند و در گناهان شریک نباشند و از حضرت رسول صلعم و آله منقول است
که زن از روزی که حامله میشود تا وضع حمل میشود تا فرزند را از شیر باز میدارد ثوابش مثل کسی باشد
که در سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این ما بین بمیرد ثواب شهیدان
دریابد و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلعم و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بقبری گذشتند که صاحبش را
عذاب میکردند و در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را عذاب نمیکردند از آنحال سؤال کرد از
پروردگار خود وحی رسید که در این سال فرزند شایسته او بحد بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را
جا داد بدین سبب او را آمرزیده فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا از بنده میماند
فرزندیست که بعد از او عبادت کند خدا را و در روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند بمیرد گویا هرگز
در میان مردم نبوده است و کسی که بمیرد از او فرزندی بماند گویا که نمرده است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلعم و آله منقولست که حق تعالی بر دختران مهربان تر است از پسران و هر مردی که شادی برساند
بزنی که با او خویشی داشته باشد محرم او باشد خدا او را در قیامت شاد کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که دختران حسنات اند و پسران نعمت اند خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند و آنحضرت به یکی
از اصحاب خود فرمود که شنیده ام دختری بهم رسانیده و میخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلیست بو میکنی

او را او روزیش بر خداست حضرت رسول صلعم پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم
از پروردگار خود سؤال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ وی بر او گریه کند و فرمود که هر که
آرزوی مرگ دختران کند و بمیرند ثواب نداشته باشد و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی نزد حضرت رسول صلعم و آله نشسته بود که خبر رسید که دختری برای او متولد شده است
رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان او را سایه میافکند و خدا روزیش میدهد
و گلیست او را میبوئی و روی باصحاب خود کرد و فرمود که هر که یک دختر دارد بار گران است و هر که دو
دختر دارد بخدا سوگند که بفریاد او رسید و هر که سه دختر دارد جهاد و سایر آزارها از او برداشته شد و هر که
چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را قرض بدهید ای بندگان
خدا او را رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه بدهد بهشت او را
واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو تا را یا یکی را هم نفقه بدهد بهشت او را واجب شود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را فرزندی بهم نرسد این دعا بخواند اللهم لا تذرنی فردا وانت
خیر الوارثین وحیدا وحشا فیقصر شکری عن تفکری بل هب لی عافیة صدق ذکورا
واناثا آنس بهم من وحشتی واسکن الیهم من الوحدة واشکرک عند تمام النعمة
یا وهاب یا عظیم یا معظم ثم اعطنی فی کل عافیة شکرا حتی تبلغنی منها رضوانک
فی صدق الحدیث واداء الامانة ووفاء العهد با العهد و در حدیث حسن دیگر فرمود

که برای طلب فرزند در سجده ای و این دو آیه را بخواند رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک
سمیع الدعاء رب لا تذرنی وانت خیر الوارثین در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد زن حامله
شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بگذارد در رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اللهم انی اسئلک بما
سئلک به زکریا یا رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین اللهم هب لی من لدنک ذریة
طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمک استحللتها وفی امانتک اخذتها فان قضیت فی
رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا زکیا ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و در روایت
دیگر منقولست که ابرش کلبی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که هر روز یا هر شب
صد مرتبه استغفار بکن بهتر آنست که بگوئی استغفر الله ربی واتوب الیه و در احادیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله پس یکنوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید پس
نه نوبت سبحان الله پس یکنوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید راوی میگوید که جمعی کثیر این
عمل مداومت کردند و فرزند بسیار بهم رسانیدند و بعضی از ایشان میگفتند که استغفر الله تنها
اکتفا مینموده اند و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که از برای فرزند در سحر صد مرتبه استغفار
بکن و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن شخصی دیگر شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت
فرمود چون اراده جماع کنی بگو اللهم ان رزقتنی ذکرا سمیته محمدا و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع شکایت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که در خانه

خود صدا با اذان گفتن بلند کن چنان کرد همه بیماریش بهیچ شد و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت
صادق ع منقولست که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که چون خواهی نزد زن خود روی
این سه آیه را بخوان که انشاء الله تعالی فرزندی روزی میکند ترا وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وزکریا اذ نادی ربه لا تذرنی فردا
وانت خیر الوارثین و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود نیت کند که اگر او را فرزندی شود علی
نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری کرامت فرماید و حضرت امام زین العابدین ع منقولست
که هر که این دعا بخواند بسیار هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا فرماید رب
لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین واجعل لی من لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی و
یستغفر لی بعد موتی واجعله خلقا سویا ولا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی
استغفرک واتوب الیک انک انت الغفور الرحیم و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخواند
و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه زنی را حمل باشد و چهار ماه بر او بگذرد رو بروی او را بقبله کن
و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللهم انی قد سمیته محمدا یعنی خدایا من او را محمد نام
کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر کند پس نام او را محمد نام کن مبارک باشد و اگر محمد نام
نکند خدا او را از او بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در چند حدیث معتبر دیگر منقولست وارد شده است

که هر که زن او آبستن باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند آن پسر شود و در حدیث دیگر آنست که او را
علی نام کن که عمرش دراز باشد و در کتاب طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت امام محمد باقر ع
شکایت کرد از تنگی فرزند فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و بعد از نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد
مرتبه استغفر الله بگوید و بعد از آن این آیه را بخواند استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء
علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا [illegible]
با زن خود جماع کن که خدای تعالی پسری که خلقتش درست تمام باشد بتو عطا فرماید و در کتاب نور الحکم روایت
کرده است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد و گفت یا ابن رسول الله هشت دختر بهم رسانیده ام و
روی پسر ندیده ام حضرت فرمود که وقتی که در میان پای زن می نشینی دست راست خود را بر طرف
راست ناف زن بگذار و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر هفت مرتبه بخوان و بعد از آن جماع کن
چون اثر حمل ظاهر شود پس شبها دست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه انا انزلناه
بخوان آنمرد گفت چنین کردم هفت پسر پی در پی خدا بمن روزی کرد و از حضرت امام حسن ع منقولست
که هر که فرزند خواهد استغفار بسیار کند **فصل هفتم** در احکام و ایام حمل و آداب روز ولادت
و نام نهادن طفل از حضرت صادق ع منقولست که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگش صاف‌تر
باشد و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم و آله فرمود که اول چیزی که زن زائیده بخورد
باید که رطب باشد چنانکه حق تعالی به مریم فرمود که بعد از زائیدن حضرت عیسی ع رطب بخور و گفته اند

که اگر رطب نباشد نه دانه خرما از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از هر خرمائی که باشد و وقت
بخورند بدرستی که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که
رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که زنان را بعد از زائیدن ولادت فرزند خرمای برنی بخورانید تا آنکه فرزند زیرک و فرمان
بردار شود و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که بزنان حامله کندر بخورانید
که بدرستی که چون طفل در شکم مادر غذای او کندر شود دلش و عقلش زیاد گردد و اگر پسر باشد
شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت علی بن الحسین ع را چون وقت ولادت دختر میشد میفرمود تا
زنان را از خانه بیرون کنید که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل نیفتد و منقولست که چون
بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمیپرسید که پسر است یا دختر بلکه اول میپرسید که خلقتش درست
است پس اگر میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش نیست میفرمود که الحمد لله الذی لم
یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس و حمد خداوندیرا که از من نیافرید فرزندیرا که قبیح و
معیوب باشد از حضرت صادق ع منقولست که چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از [illegible]
بگیرد و در آب حل کن و دو قطره در بینی راست و یک قطره در بینی چپ طفل بریزد و در گوش
راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو پیش از آنکه ببرند ناف را اگر چنین کنی هرگز [illegible]

باو نرسد وام الصبیان باو ضرر نرساند و جنیان ضرر نرسانند و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که کام طفل را بآب فرات بردارید و در روایت دیگر وارد شده است
که کام فرزندان خود را بخرما یا بآب فرات و تربت حضرت امام حسین ع بردارید اگر آب
فرات نباشد بآب باران بردارید و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کام فرزندان
خود را بخرما بردارید که حضرت پیغمبر صلعم چنین میکرد با حسن و حسین صلوات الله علیهم و آنحضرت فرمود
که هر که فرزندی از او متولد شود باید که اذان در گوش راستش و اقامه در گوش چپش بگوید
که نگاه دارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت حسین ع ظاهر میشود که مکروه است
طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنت است که در جامه سفید به پیچند
از حضرت صادق ع منقولست که کام اطفال را به تربت حضرت امام حسین ع بردارید که امان
میدهد او را از دردها و بلاها و از حضرت صادق ع منقولست که شخصی را تهنیت فرمود برای
پسری که خدا باو عطا کرده بود و گفت یرزقک الله شکر الواهب و بارک لک فی
الموهوب و بلغ به اشده و رزقک برّه یعنی خدا روزی کند ترا و شکر آن
خداوندی را که فرزند بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه بخشیده است او را
بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارات
سند بسیار از حضرت امام حسن ع منقولست که ابن ادریس علیه الرحمه در کتاب سرائر از حضرت

صادق ع روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود زائیدن بنویسند برای او در پوست
این آیات را و بر ریسمان ببندند و بر ران راست آن ببندند و چون وضع حمل شود باز کنند و آیات
اینست بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لک
ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام آمد و گفت که زن من از درد زائیدن مشرف بر موت شده است فرمود که این آیه را
برو بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا
منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا و هزی الیک
بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو والله اخرجکم من بطون امهاتکم
لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة لعلکم تشکرون کذلک اخرج
ایها الطلق اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات یابد بیاری خدا و بسند دیگر
روایت کرده است که برای دشوار زائیدن زنان این آیات را بر ظرف پاکیزه بمشک و زعفران
بنویسند و بآب چاه بشویند و بخورد آن زن بدهند و بر شکم و فرجش بپاشند اینست کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا عشیة
من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون لقد قصصهم عبرة لاولی الالباب

ما كان حديثا يفترى ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء وهدى
ورحمة لقوم يؤمنون و بسند معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقول کرده است که این آیات را بر
زن حامله بکاغذی بنویسند در وقتی که داخل شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او میشود و [illegible]
آن بچه اما که نزنند و بر کمر آن زن ببندند چون چنین کنند درد و آزار زائیدن باو نرسد و بعد از
زائیدن بزودی بگشاید که یک عضو او نگذارند و آیات اینست اولم یر الذین کفروا ان السموات و
الارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم والقمر قدرناه
منازل حتى عاد كالعرجون القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار
وكل في فلك يسبحون وآية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون وخلقنا لهم من مثله ما
يركبون وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون الا رحمة منا ومتاعا الى حين
ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون و در پشت کاغذ این آیات بنویسد کانهم
يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون
کانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که دوست
ترین نامها نامیست که دلالت کند بر بندگی خدا مثل عبد الله و بهترین نامها نامهای پیغمبرانست و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید که اگر نام نگذارید و سقط شود در روز

باس

دعا برای وضع حمل زنان

در نام فرزندان

باید خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول خدا صلعم و آله و سلم محسن فرزند حضرت فاطمه علیها السلام را در شکم
نام گذاشت و محسن آن فرزندیست که بعد از وفات حضرت رسول صلعم در شکم بود که عمر علیه اللعنه او را
شهید کرد و از حضرت امام موسی ع منقولست که در اول نیکی که پدر با فرزند میکند آنست که او را نام نیکو
گذارد و حضرت رسول ص و آله و سلم فرمود که هر که چهار فرزند برای او بوجود آید و هیچ یک را بنام من
مسمی نکند مرا جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که فقر و بینوائی داخل آن خانه
نمیشود که در آن خانه نام محمد و علی و حسن و حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده چه نام کنم او را فرمود
نام کن او را به بهترین نامها نزد من که آن حمزه است و از جابر منقولست که گفت با حضرت امام محمد باقر ع
در خانه شخصی رفتیم طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسید چه نام داری گفت محمد پرسید که چه
کنیت داری گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان در حظیره محکمی در آورده بدرستی
که هرگاه شیطان می شنود که کسی را آواز میکند محمد یا علی آب میشود چنانچه [illegible] در آب میشود تا آنکه بشنود
که کسی را آواز میکند بنام یکی از دشمنان ما شاد میشود و فخر میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت صادق ع آمد و گفت خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده او را گفت محمد
حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند تا آنکه نزدیک شد که پیشانی او
بزمین برسد پس فرمودند که جان خودم و فرزندانم و پدرم و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول

باد او و همچنین نام مبارک کرده او را دشنام مده و او را مزن و با او بد مسازن و هیچ خانه نیست
که در آن اسم محمد باشد الا آنکه هر روز آن خانه را مقدس و مطهر میگردانند و در چند حدیث وارد شده است
که حضرت رسول صلعم نهی فرموده از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالق و مالک و فرموده که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث
و مالک و خالد است و نهی فرموده چهار کنیت را ابو عیسی و ابو الحکم و ابو مالک و ابو القاسم در وقتی که نام محمد باشد
باید که نام و کنیت هر دو موافق باشد حضرت رسول صلعم نباشد و در حدیث وارد است که یاسین نام
نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که هر گروهی که جمع شوند برای مشورت
در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد باشد البته آنچه خیرست برای ایشان بر آن قرار میگیرد و فرمود
که فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا برای او در مجلسها بگشائید و روی بطرف او ترش نکنید و
فرمود که هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبر باشد البته حق تعالی هر روز صبح و شام و شش ملکی
میفرستد که دعا کنند برای ایشان و تقدیس ایشان که معروف الرضا مذکورست که نام را روز هفتم تعیین کنند بعد از آنکه
از جمله اعمال که در وقت ولادت سنت است اینست مولود را غسل دادن طفلست و بعضی واجب
میدانند و احوط آنست که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سر را اول
بشوید و بعد از آن جانب راستش را و بعد از آن جانب چپش را **فصل هشتم** در عقیقه کردن و سر
تراشیدن و آداب هر یک از آن و بعضی از علما واجب میدانند بدانکه عقیقه فرزند سنت مؤکد
است بر کسی که قادر باشد بر آن بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که در روز هفتم واقع شود

و اگر تأخیر کنند تا بلوغ طفل بر پدر است و بعد از بلوغ تا آخر عمرش بر خودش سنت است و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجبست بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث
بسیار منقولست که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکنند آن فرزند در معرض تلف و انواع بلاهاست
و از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهم
رسد بکنند و اگر بهم نرسد بر او چیزی نیست و اگر عقیقه برای او نکنند که قربانی برای او بکنند
از عقیقه مجزاست و در حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که طلب کردیم گوسفند از برای عقیقه
و بدست نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمت آنرا فرمود که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش
باید کرد یا نه فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه دارد و در حدیث معتبر از
عمر بن یزید منقولست که بخدمت حضرت عرض کرد که نمیدانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود
که عقیقه بکن او در پیری عقیقه کرد و در روایت حسن از آنحضرت منقولست که فرزند را در روز هفتم
نام میگذارند و عقیقه میکنند و سرش را میتراشند و موی سر را با نقره میسنجند و تصدق میکنند آن نقره
را و پای ران عقیقه را برای قابله میفرستند که در زائیدن مدد کرده است و باقی را بخورد مردم میدهند
و تصدق میکنند و در حدیث موثق دیگر فرمود که هر گاه دختری یا پسری برای تو متولد شود عقیقه
میکنی در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کن و عقیقه گوسفندی یا شتری باشد
و نام بگذارد و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهد و اگر بی قابله زائیده

باشد آنرا باد دهند که او بهر جا که خواهد ببرد و اقلا باید بخورد ده کس از مسلمانان بدهند و هر چند زیاده باشد
بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را بآن بدهند و در روایت
دیگر وارد شده که بقابله ثلث گوسفند را بدهند و مشهور میان علما آنست که عقیقه باید شتر یا گوسفند
یا بزی باشد و از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول صلعم در روز ولادت در گوش حسنین
صلوات الله علیهما اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها در روز هفتم ایشان را عقیقه کردند و بقابله پای گوسفند را
دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله
که یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلا شش ماهه یا در هفت ماه باشد و بهتر آنست و می باید که خصی
نکشیده باشند و بهتر آنست که مالیده نباشند و موزش در شاخش شکسته باشد و گوشش نبریده باشد و لنگ
نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد اما در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه از
ارباب قربانیست هر گونه گوسفند که باشد خوبست و مشهور میان علما آنست که عقیقه پسر نر باشد
و عقیقه دختر ماده باشد و گمان حقیر آنست که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره
و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوبست و سنت است که مادر و پدر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر
آنست که از طعامی که در آن بچه باشد نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنست که
عیال پدر و مادر هم نخورند که در آن خانه جدا باشند و سنت آنست که استخوانهای او را نشکنند بلکه از بندها
جدا کنند و از اشت که ببرند و خام تصدق کنند و اقلش آنست که بپزند بلکه افضل است که این

بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده
ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر میشوند فقیر باشند
و اغنیا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت است که اول سر بتراشند و آنگاه
عقیقه را بکشند و موی سر را بطلا و نقره کشیدن و تصدق کردن در یکجا و در یک وقت می باید که
دو سر را بتراشند و سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد
شده است که طفلی را نزد حضرت رسول صلعم آوردند که برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت
حضرت دعا برای او نکردند و فرمود که کاکلش بتراشند اما در روایتی وارد شده است که رسول
خدا صلعم و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در جانب سر ایشان گذاشتند و
در روایت دیگر در میان سر ظاهر است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن اول
کراهت داشته باشد و در روایتی وارد شده که سنت است که زعفران بر سر مالیدن
بعد از سر تراشیدن و در احادیث بسیاری وارد شده است از مالیدن خون عقیقه
بر سر طفل که آن عمل جاهلیت است و در روایت معتبر روایت از حضرت صادق ع که در
وقت کشتن عقیقه این دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم عقیقة عن فلان و نام او را بگوید
لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد علیه و آله
السلام و در روایت معتبره دیگر فرمود این دعا بخواند بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اکبر

دعای کشتن عقیقه

ایماناً بالله وثناء علی رسول الله صلی الله علیه وآله والعصمة لامره والشکر لرزقه
والمعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر پسر باشد بگو اللهم انک وهبت لنا ذکراً
وانت اعلم بما وهبت ومنک ما اعطیت وکلما صنعنا فتقبله منا علی سنتک وسنة
نبیک ورسولک صلی الله علیه وآله واخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء
لا شریک لک والحمد لله رب العالمین اللهم لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه و
شعرها بشعره وجلدها بجلده اللهم اجعلها وفاء فلان بن فلان وبجای فلان بن فلان
نام طفل و پدر او را بگوید و در حدیث موثق دیگر فرمود که این دعا بخواند یا قوم انی بریء مما تشرکون
انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً مسلماً وما انا من المشرکین
ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت
وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله وبالله والله اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد
وتقبل من فلان بن فلان ونام فرزند را ببرد و پس آنرا بکشد **فصل نهم** در ختنه کردن پسران
و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت است که ذکور ات
ختنه کردن پسران و اگر در هفتم هم نکنند سنت است تا بعد از بالغ شدن طفل و بر خودش واجب است
وبعضی گفته اند نزدیک بر بلوغ بر ولی طفل واجبست و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحبات
که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمه گوش راست و بالای گوش چپ از برای پسران

سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که
پیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت بدن طفل زاد و زودتر میروید و زمین کراهت دارد از
بول کسی که ختنه نکرده باشد و در حدیث صحیح فرمود که گوش پسر را سوراخ کنید در روز هفتم و ختنه
کردن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که زمین نجس میشود از بول کسی که
ختنه نکرده باشد تا چهل روز و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پیش اندازند
باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش میتوان کرد اگر چه هشتاد
سال عمر داشته باشد و در چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت و بر زنان
سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز بهتر از این میباشد و در
روایتی از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ختنه نکنید زنان را مگر بعد از هفت سال و از احادیث
معتبر منقولست که چون زنان بخدمت حضرت رسول صلعم هجرت [illegible] زنی آمد که او را ام حبیب
گفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاری که داشتی هنوز داری گفت بلی
یا رسول الله مگر آنکه نهی میفرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزم
که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر اندکی بگیر که رو را نورانی تر و رنگ را صاف تر میکند و
شوهر او را عزیزتر میدارد و پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطه گی میکرد حضرت فرمود که چون

زنهار شانه کشی برای جلا دادن یا رجهای جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست ابروی ایشان را
می برد و موهای دیگر بر موی ایشان پیوند مکن و از حضرت صادق ع منقولست که در وقت ختنه کردن
این دعا بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع میکند اللهم هذه سنتک وسنت
نبیک صلوات الله علیه و آله و اتباع منا لک ولنبیک بمشیتک وبارادتک وبقضائک
لامر اردته وقضاء حتمته وامر انفذته واذقته حر الحدید فی ختانه وحجامته بامر
انت اعرف به منی اللهم فطهره من الذنوب وزد فی عمره وادفع الآفات عن بدنه
والاوجاع عن جسمه وزده من الغنی والدفع عنه الفقر فانک تعلم ولا نعلم
واز حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا ع سوال کرد که تهنیت و مبارکباد فرزند را چه
روز باید کرد فرمود که چون حضرت امام حسن ع متولد شد جبرئیل برای تهنیت او بر حضرت رسول
صلعم نازل شد در روز هفتم و امر کرد او را که نام بگذارد و سر او را تراشد و عقیقه برای
او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین ع هم در روز هفتم آمد و
به اینها امر کرد ایشان را دو گیسو بود در جانب سر و زیر نرمه گوش راست سوراخ و در گوش چپ
در بالا و از حضرت صاحب الامر ع منقولست که اگر کسی پسری ختنه کند و باز غلاف بروید و سر ختنه
را پنهان کند می باید بار دیگر ختنه بکند او را زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسی که ختنه اش
در غلاف باشد تا چهل صباح و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که ختنه نکرده باشد پس نماز ...

دعای ختنه کردن

نکنند و گواهی او مقبول نیست و اگر بمیرد بر او نماز نکنند زیرا که بزرگ ترین سنتهای پیغمبر را ترک
کرده است مگر آنکه از ترس مردم ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی که
ختنه کردند هاجر بود مادر حضرت اسمعیل ع که ساره مادر اسحق ع از روی غضب او را ختنه کرد
و باعث زیادتی او شد از آنروز این سنت جاری شد هم زنان را ختنه کنند **فصل دهم** در آداب
شیر دادن و تربیت کردن فرزند و رعایت ایشان بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سالست
و مشهور میان علما آنست که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته
باشد و مفطوما باشد و از بیست و یکماه کمتر ندهد مگر آنکه ضرورتی در داشته باشد که دایه بهم نرسد یا قادر
با جرت نباشد و مادر شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد و جمیع علما گفته‌اند واجب نیست که مادر
بفرزند در شیر اول که از پستان آید بخوراند و گفته‌اند که اگر او شیر ندهد باقی نمیماند یا قوت
نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نافع ترین و مبارک ترین شیرها برای فرزند شیر مادر است
و در حدیث دیگر وارد است که حضرت صادق ع مادر اسحق را دید [illegible] خود را شیر میدهد فرمود
که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده یکی بعوض طعام است و دیگری آب و فرمود
که هر چه کمتر از بیست و یکماه شیر میدهند بفرزند ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرموده که دایه که شیر میدهد بفرزند
شما دایه یهود و نصرانی میتوان گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می
باید کردن ایشان را از خوردن شراب و گوشت خوک و سایر چیزها که حرام است در دین مسلمانان

وایشان حلال میدانند و در احادیث بسیار منع کرده اند از شیری که از زنا بهم میرسد و در بعضی
اخبار وارد شده است که اگر کنیزی زنا کند و فرزندی بهم رسد اگر صاحب کنیز حلال کند فرزند خود را
با آنمردی که زنا کرده است آن شیر را بفرزند میتوان داد و در اخبار دیگر نهی وارد شده است
از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده است و حضرت رسول صلعم و آله نهی فرموده از شیر زن
احمق یا زنی که معیوب باشد زیرا که شیر تاثیر میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت و (چشم خشم) (در طفل)
از حضرت صادق ع منقولست که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از آن هفت سال
دیگر سعی کن در تربیت او و اگر نیک شود دیگر سعی کن و اگر نه امید خیری از او نیست و در حدیث دیگر
فرمود که هفت سال بگذار او را تا بازی کند و هفت سال دیگر او را خط و سواد بیاموزند و هفت سال
دیگر حلال و حرام (خدا را) باو بیاموزد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که طفل را هفت سال نگاه دارند
و تربیت بدنش باید کرد و هفت سال آداب او میباید آموخت و هفت سال دیگر قدش تمام میشود
فرمود تا بیست و سه سال [stain] قدش بلند میشود و در روایت دیگر وارد شده است که تا بیست و سه سال قدش بلند
میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاده میشود و دیگر بعد از آن او را تجربه‌ها حاصل میشود و در روایت
دیگر آنست که پسران و دختران که ده ساله شوند می باید که با یکدیگر در یک فراش و در یک لحاف نخوابانند
و در روایت دیگر آنکه چون ایشان شش ساله شوند ایشان را جدا بخوابانند و حضرت صادق ع فرمود
که فرزندان خود را از احادیث ما و ایشان بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند

و در احادیث معتبر وارد شده است که [illegible] فرزندان خود را در محبت علی بن ابوطالب ع
هرگاه قبول نکنند نظر کنید در امر مادرشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول محبت اهل بیت
نمیکند و حضرت صادق ع فرمود که هر که محبت ما اهل بیت را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا
کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول صلعم و آله منقولست که حق فرزند بر پدر آنست
که او را بنام نیکو خواند و نیکو تادیب نماید و کسب نیکو او را بیاموزد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و گفت غمگینم فرمود که سبب غم تو چیست گفت خدا دختری بمن
داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش بر خداست و زندگانی میکند
بغیر عمر تو و روزی ترا میخورد پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود که آه آه و
دست بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که حضرت رسول صلعم فرمود که حق فرزند بر پدر آنست که اگر
نیک از برای او بگیرد و نامش نیکو تعیین کند و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه بکند و شناگری
بیاموزد و اگر دختر باشد مادر نیکو برای او قرار دهد و نامش [stain] نیکو کند و سوره نور باو
دهد و سوره یوسف باو نیاموزد و در بالاخانه‌ها او را جای ندهد و زود او را بخانه شوهر فرستد
پس فرمود که چون دختر خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که بفرزند بیاموزید شنا کردن و تیر انداختن
و حضرت امام موسی ع فرمود که شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار

خواهد بود و از حضرت رسول صلعم و آله مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزندان میشود و عاق فرزندان

میشود چنانچه فرزند عاق پدر و مادر میشود و فرمود که خدا رحم کند پدری را که یاری کند فرزندان خود را

و رحم کنید بر ایشان و اگر وعده کنید با ایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که

شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل آنکه

غضب از برای ظلم بازنان و فرزندان و طفلان میکنند و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلعم منقولست

که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را

در قیامت شاد کند و هر که قرآن بیاموزد فرزند خود را در قیامت پدر و مادر او را بطلبند و

حله بپوشانند که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که

شخصی بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام حضرت فرمود که این

مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی را داشته باشد باید که با او طفلانه

بازی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست میدارد فرزند

خود را و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلعم و آله دید شخصی را دو پسر داشت یک پسر را بوسید و

یکی را نبوسید حضرت فرمود که چرا ایشان را مساوی هم مهربانی نکردی زیرا که بهتر آنست که در میان فرزندان

مساوی قرار دهد کسی مگر آنکه یکی عالم و صالح تر باشد باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون پسر سه ساله شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید لا اله

الا الله و چون چهار سالش تمام شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید صلی الله علی محمد و آله پس چون پنج

سالش تمام شد او را میدارند که خدا را سجده کند و چون شش سالش تمام شود او را نماز یادش

میدهند و بنمازش میدارند و چون هفت سالش تمام شد وضو یادش میدهند و امر بنمازش

میکنند و چون نه سالش تمام شد وضو را خوب یادش میدهند و بترک نماز و وضو میزنندش

پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقولست که حضرت

امیر المومنین علیه السلام نهی فرمود که حرز آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان ببندند و در

حدیث معتبر دیگر فرمود که چربی و کثافت از روی طفلان در شب پیش از خواب بشوئید که شیطان

می آید و می بوید و ایشان در خواب میترسند و ملائکه نویسندگان اعمال متاذی میشوند و

از حضرت رسول صلعم و آله مرویست که هر که ببازار رود و تحفه خرد و برای اطفال خود بخانه

آورد چنانست که تصدق برای جمعی فقرا بر داشته و بایشان رسانیده است و باید که اول

بدختران بدهد پیش از پسران بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنانست که بنده از فرزندان

اسمعیل آزاد کرده و کسیکه دیده پسری را روشن داد و او را شاد کرده چنانست که از ترس خدا

گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت صادق ع

منقولست که باطفال خود بخورانید قاووت که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان

ایشان را محکم میکند و در حدیث دیگر آمده که انار بخورانید با ایشان که زودتر ایشان را بجد

جوانی و قوت میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که اگر طفل
بسیار گریه کند یا زنی که در خواب ترسد یا کسی از دزدی یا بیداری بترسد و مستولی شود این آیه
را بخواند فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین
احصی لما لبثوا امدا و در حدیث معتبر وارد شده که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را
نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع در مجلسی بودند دختری را
بمجلس آوردند و مردم او را میبوسیدند و در دامن می نشاندند چون نوبت بحضرت رسید پرسیدند که
چند سال دارد گفتند پنج سال حضرت او را دور کردند و نبوسیدند و بدامنش ننشانیدند و در حدیث دیگر
وارد شده است که دختری که شش سالش تمام شود مادر او را به پهلوی خود بخواباند که بخزانه
زنانست و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش ساله شد پسران او را نبوسند و پسران
که از خوف حمل بگذرد زنان او را نبوسند و در احادیث معتبر منقولست که ملعونست کسی که عیال
خود را ضایع گذارد و خرج ایشان را ندهد یعنی با قدرت و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال
آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا نعمتی باو کرامت فرمود با اسیران خود توسعه کند اگر نکند
بزودی آن نعمت از ان زایل میشود و حضرت صادق ع فرمود که خرج دو دختر یا دو خواهر
و دو خاله یا دو عمه را بکشد حجاب او باشند از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که در بهشت درجه هست که بآن درجه نمیرسد مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان بخویشان کند

خود کند و صاحب عیالی که بر خرج ایشان و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق ع منقولست
که خرج کسی اند که نفقه ایشان واجبست فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزندانهم
هست هر چند پایین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری هست هر چند بالا روند **فصل**
دوازدهم در بیان حق پدر و مادر بر فرزندان و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه رعایت
حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دینست و ایشان را از خود راضی داشتن اشرف طاعات
است و عاق ایشان بودن و ایشانرا آزرده داشتن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی
در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شو در این باب
اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت رسول صلعم آمد که وصیتی کن مرا حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم بخدا شریک مساز برای او
هر چند ترا باتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگوئی و دلت بایمان ثابت باشد و ترا
وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی بکنی خواه زنده باشند و خواه مرده
باشند هر چند ترا امر کنند که از زن و فرزند و مال خود بگذری اطاعت کن که این از جملهٔ ایمانست
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر و مادر بر فرزند چیست فرمود
که آنکه نام او را نگوید و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند
و کاری نکند که مردم پدر را دشنام دهند و حضرت صادق ع فرمود که چه مانع است احدی

حق پدر و مادر بر فرزند

از شما را که احسان کنید به پدر و مادر خود خواه زنده باشند و خواه مرده و با آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکنند
و روزه برای ایشان بدارد و آنچه میکند ثوابش با آنها عاید میشود و هم بخود نفس بسبب آن که نیکی با ایشان کرده است
خدا ثواب بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلعم آمد و گفت یا
رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید همچنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت
و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت آن بزرگوار آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد
حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی در بهشت خواهی
یافت و اگر بمیری مزدت با خداست و اگر زنده برگردی از گناهان بدر آئی مانند روزی که از مادر
متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان
جدا شوم فرمود که پس با مادر و پدر خود باش بحق آن خدائی که جانم در دست قدرت اوست که انس گرفتن ایشان
یک شبانه روز با تو [illegible] باشند بهتر است از یکسال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام جعفر
علیه السلام فرمود که کسی جزای حق پدر را ادا نمیتواند کرد مگر بدو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد او را
بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد ادا کند و در حدیث دیگر هست که گاه هست که کسی نیکوکار است
با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مردن ایشان قرض ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش برای ایشان
نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی عاق ایشانست در زندگی ایشان پس
چون بمیرند قرض ایشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار مینویسد

و در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بر روی ایشان بگوئی و
فرمود که چون روز قیامت شود پرده از پرده های بهشت را بکشایند پس هر صاحب نفس بوی آنرا
از پانصد ساله راه بشنود مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی از روی
خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی که بر وی ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را
قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوقست اگر کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در
حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که پدرم دید شخصی پسرش با او راه میرود و
پسر تکیه بر دست پدر کرده است پدرم دیگر با آن پسر سخن نگفت تا زنده بود و حضرت صادق ع فرمود
که با پدران خود نیکی کنید که تا فرزندان شما با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت ورزید
تا زنان شما عفت کنند و فرمود که هر که خواهد که خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند باید که با خویشان
خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی بر او آسان
کند و هرگز در زندگی او پریشان نشود و پریشانی باو نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که چهار خصلت است که هر که از مؤمنان در آن خصلتها جمع شود حق تعالی
در اعلی مراتب بهشت در بهترین غرفها و بلند ترین عزت و شرف او را جای دهد و کسی که یتیم را
پناه دهد و متوجه احوال او گردد و از برای او بجای پدر باشد و کسی که ضعیف و شکسته را رحم کند
و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان مدارا

در بیان خصلت

کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسی که بنده خود را یاری کند در نفقات
و تندی با او نکند و اعانت کند او را بر خدماتی که با و میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد
با و نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که سه دعاست که البته مستجاب است دعای
پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم
بر ظالم و دعای مظلوم بر کسی که انتقام از آن ظالم بکشد و دعای مومنی که برای برادر
مومنی دعا کند که او را برای رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مومن
بر کسی که برادر مومنش محتاج باشد با و قدرت داشته باشد که او را رعایت کند و نکند و از
حضرت رسول صلعم و آله منقولست که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی
پدر و مادر خود نظر کند بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا
رسول الله هرچند روزی صد مرتبه نظر نگاه کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم است و در حدیث
دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است
و نظر کردن بسوی پدر و مادر [illegible] مهربانی و ترحم عبادتست و نظر کردن بر روی
برادر مومن که از برای خدا او را دوست داری عبادتست و فرمود که سه گناه است که
عقوبتش زود در دنیا باین کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران
نعمت خدا و حق کردن و در حدیث دیگر از امام محمد باقر ع منقولست که در میان بنی اسرائیل

دعای مستجاب

عابدی بود که او را جریح می نامیدند و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش نزد
او آمد و او مشغول نماز بود جوابش نداد پس بار سیوم آمد و او را طلب کرد باز با او سخن
نگفت و مشغول نماز بود مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد در روز
دیگر زن زناکاری در بنی اسرائیل بود و بر در صومعه او نشست و فرزندی زائید و گفت
این فرزند از جریح است با من زنا کرد و این فرزند از و بهم رسید و در میان بنی اسرائیل
مشهور شد که آن کسی که مردم را بر زنا ملامت میکرد با من خود زنا کرد و پادشاه وقت
فرمود که او را بدار کشند مادرش آمد و بر روی خود میزد و جریح گفت که خاموش باش
که این بلا از نفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از سبب آن واقعه
پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چه دانیم که راست میگویی گفت که آن
طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی باعجاز الهی طفل بسخن
آمد و گفت فرزند فلان کس که شبان گوسفندان فلان است پس از کشتن نجات داد
و توبه کرد که تا زنده باشد خدمت مادر بکند و از او جدا نشود و احادیث در حق پدر و مادر
زیاده از آنست که استیفا توان نمود **باب پنجم** در بیان آداب مسواک کردن و
شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن **فصل اول**
در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که مسواک

خواص مسواک کردن

کردن از سنت پیغمبرانست و حضرت رسول صلعم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک مینمود
تا انکه ترسیدم که دندانهایم فرسوده شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل ع اینقدر مرا
امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق ع فرمود
که در مسواک دوازده خصلت است از سنت پیغمبران پاک کننده دهانست و جلا دهنده
چشم است و موجب خشنودی پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاد
میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را زیاد میگرداند و پوست انداختن و پوسیدن
دندانها را میبرد و بن دندانها را محکم میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و ملائکه از آن
خشنود میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را بر طرف میکند و نور چشم را زیاد
میکند و حضرت رسول صلعم فرمود که چرا من دندانهای شما را زرد میبینم مگر مسواک نمیکنید
و در حدیث دیگر بحضرت امیر المومنین ع وصیت کرد که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی
و بسند معتبر از امام موسی ع و امام رضا ع منقولست که سنتهای حنیفه حضرت ابراهیم ع
ده است پنج در سر و پنج در بدن اما انهائی که در سر است مسواک کردن و شارب گرفتن
و موی سر را دو حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهان کردن
و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است
ختنه کردن و پشت زهار را تراشیدن و موی زیر بغل کندن و ناخن گرفتن و استنجا کردن

و در روایت دیگر منقولست که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن و موی
سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله
کردن و ختنه کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت رسول صلعم منقولست که اگر نه این بود که بر
امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنید و
از حضرت صادق ع منقولست که چون بنماز شب برخیزید مسواک بکنید که ملکی می آید و دهان بدهان
شما میگذارد و هرچه از قرآن و دعا و ذکری که میخوانید باسمان میبرد پس باید که دهان شما
خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی ع سوال کرد که ایا میتواند بود کسی که
بنماز شب برخیزد و بانگشت مسواک کند و او تواند که مسواک هم رساند حضرت فرمود که
اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع در دو سال

جهت زیاد شدن حافظه

پیش از فوت مسواک کردن را ترک کرد بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت
رسول صلعم منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاده میکند و دردهای بدن را میبرد کندر خوردن
و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست
بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که خانه کعبه شکایت کرد بخدا از نفسهای بدبوی کافران حق تعالی
باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض اینها جماعتی بسوی تو خواهم فرستاد که دندانهای خود را

خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلعم مبعوث شد جبرئیل ع مسواک و
خلال برای آنحضرت آورد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی از حضرت صادق ع سؤال
کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضو باید کرد و
اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند
بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که اگر کسی با وضو مسواک کند
و بایستد بنماز ملکی آید و دهان بر دهان او گذارد و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد
و اگر مسواک نکند بکنار می ایستد و قرائتش را می شنود و از حضرت رسول صلعم منقولست
که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که مسواک کند باید که بعد از آن مضمضه کند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم مسواک را بعرض دندانها می مالیدند و حضرت امام موسی ع
فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث گند دهان است و منقولست از حضرت
امام محمد باقر ع که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک
مکن در سه روز اگر چه یک مالیدن باشد **فصل دویم** در فضیلت سر تراشیدن و آداب
آن از حضرت امام موسی ع منقولست که چهار چیز است که هر که لذت آن را یافت ترک نمیکند
موی را از پنج گرفتن و جامه را کوتاه کردن و دخول کنیزان و حضرت صادق ع فرمود که موی

سر را از پنج بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت کنده شود و دیده ات جلا
یابد و بدنت راحت یابد و حضرت صادق ع فرمود که من هر جمعه سر می تراشم و در حدیث صحیح از
حضرت امام موسی ع منقولست که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نور آنرا کم
کم میکند و موی سر را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه الرضا مذکور است که چون خواهی
سر تراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی تا دو استخوان که از
پهلوی گوشش بلند شده و در حین شروع ابتدا باید بخواند بسم الله و بالله و علی
ملة رسول الله صلی الله علیه و آله سنة حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا ساطعا یوم القیامة چون فارغ شوی بگو اللهم
زینی بالتقوی و جنبنی الردی شعرا و بشرا معاصی و جمیع ما تکره هوا
منی فانی لا املک لنفسی نفعا و لا ضرا و در روایت دیگر منقولست که در وقت
شروع باید بخواند بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ شوی بگو اللهم زینی
بالتقوی و جنبنی الردی **فصل سیم** در آداب موی سر نگاهداشتن مردان
و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن حرام است و
مردان را یکی از دو چیز است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است یا آنکه موی سر را

بگذارند و تربیت کنند یا آنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میان

ته مو ظاهر شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب و یهود و

امام کاری نمی باید بکند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلعم موی سر را بقدر چهار انگشت

میگذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

که هر که موی سر را بلند بگذارد نیکو رعایت و تربیتش بکند و یا از ته ببرد و بلند نگذارد و در

حدیث وارد شده است که از حضرت صادق عم پرسیدند که آیا حضرت رسول صلعم موی

سر را دو حصه میکردند و می شکافتند فرمود که آنحضرت موی سر را بلند نمیگذاشتند

که احتیاج باین شود بلکه اینقدر بلند میگذاشتند که به نرمه گوش میرسید و هیچ یک از

پیغمبران موی سر نگاه نمیداشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را نگاه دارد

و میان سر را نشکافد حق تعالی در قیامت باره از آتش بشکافد و در حدیثی وارد شده

است که حضرت رسول صلعم نهی فرمودند از آنکه زنی که بحد بلوغ رسیده باشد و بر روش مردان

جمیع موی سر را از پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر گره بزند و بیاویزد و در

حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی را در پس سر

گره زدن و نقش خضاب کردن فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه

موی سر را و ریش را گره میزدند و نقش خضاب میکردند و مشتمل است که مراد از نقش خضاب

آن باشد که متعارف است میان زنان عرب که بر سر زن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن

در آن میریزند که رنگش می ماند و احتمال دارد که نقشهای حنا را هم شامل باشد و در حدیث دیگر

منقول است که از حضرت صادق عم پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی را میبرد یا می کند برای

زینت یا آنکه گیسوی خود را با گیسو بافی میبافد فرمود که باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافد و موی

زن دیگر را با موی خود توام نسازند و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ابریشم یا موی حیوانات یا موی

همان زن خودش بافد باکی نیست و بدانکه اگر با موی حیوانی که پیوند کرده باشد که گوشت او حرام

باشد در حال نماز باید که او نباشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از ابریشم یا موی

باشد که پیش از این مذکور شد برو نماز میتوان کرد **فصل چهارم** در فضیلت شارب گرفتن

یعنی موی لب بالا را از ته گرفتن سنت است مؤکد و هر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول

صلی الله علیه و آله منقول است که شارب خود را دراز نکنید که شیطان در آن جا میکند و پنهان میشود

و از حضرت صادق عم منقول است که شارب گرفتن رفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت

رسول صلعم و آله است و آنحضرت فرمود که سنت است گرفتن موی شارب تا آنکه برسد

بهم لب بالا و حضرت صادق عم شارب را اینقدر میگرفتن که بته مو میرسید و از آنحضرت

منقول است که ناخن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان است از خوره و در حدیث دیگر

وارد شده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که [illegible] تعلیم من کن که باعث زیادتی

روزی من شود فرمود که شارب و ناخن بگیرد و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی
سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بعدد هر ریزه که از مو و ناخن بریزد حق تعالی ثواب
یک بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن باو بدهد و بیمار نشود مگر بیماری مرگ و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت
یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را
بلند بگذارید و به یهودان و گبران خود را شبیه مکنید فرمود که از ما نیست کسی که
شارب خود را نگیرد **فصل پنجم** در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است که ریش را
میانه گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه از قبضه گذشتن مکروه است و احتمال حرمت دارد
و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرامست اما دو طرف لب پائین را تراشیدن
جایز است و احوط آنست که اصلاح شود که شبیه بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت
صادق ع منقولست که آنچه از ریش که یک قبضه زیاده باشد در آتش است و در حدیث
دیگر منقولست که دست بر ریش بگیرد و آنچه زیاده از قبضه باشد ببرد و از محمد مسلم منقولست
که گفت دیدم مصلی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر ع میکرد و حضرت باو فرمود که ریش را
مدور کن و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم شبهی گذشتند که ریش درازی

داشت فرمودند که چه می شد که این مرد ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید
ریش را میانه کرد و بخدمت آنحضرت آمد فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر ع پهلوی رو را تنگ میکردند و انبوه نمیگذاشتند و زیر ذقن را می چیدند و در
حدیث دیگر منقولست که آنحضرت ریش را تنگ میکردند و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت
امام موسی ع پرسید که از روی ریش میتوان گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی پهلوهای رو
و از پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در زمان پیش گروهی
بودند که ریش را می تراشیدند و شارب را می تابیدند حق تعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که چون حق تعالی توبه حضرت آدم را قبول نمود سر بسجده گذاشت و چون
سر برداشت رو باسمان کرد گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان بعد از ان ریش
بسیار سیاهی بر رویش روئید و پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی رسید
که این زینتی است از تو و مردان فرزندان تو است تا روز قیامت **فصل ششم** در سفیدی موی
موی سفید و حکم کردن آن از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که پیش از زمان حضرت ابراهیم
موی سفید در سر و ریش بهم نمیرسید پس هرگاه کسی بمجلس می آمد پدر و فرزندانش در ان مجلس
حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرق نمیکردند و می پرسیدند که کدام یک پدر است
پس چون زمان حضرت ابراهیم شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفید قرار ده که از

فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و ریش آنحضرت سفید شد و از حضرت صادق ع منقولست که
اول کسی که موی سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابراهیم ع بود نظر کرد موی سفید در ریش خود
بدید گفت پروردگارا این چه چیزاست خطاب رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا
وقار مرا زیاد گردان و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون حضرت ابراهیم موی
سفید در محاسن خود بدید گفت حمد و سپاس مر خداوندیرا سزاست که مرا باین سن رسانیده
که در یک چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که موی سفید را مکنید
که آن نور مسلمانانست هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد برای او در قیامت
و از حضرت صادق ع منقولست که سه کس اند که خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن
نمیگوید و نظر رحمت نمیکند و اعمال ایشانرا نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیاست کسی که
موی سفید خود را بکند و کسی که با دست خود بازی کند که او را نمی باید با جاهای بدن خود
و کسی که دیگران با او لواطه کنند و بعید نیست که این حدیث محمول بآن باشد که برای غرض [illegible] کنند
موی سفید خود را بکنند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست موی
سفید را بریدن و کندن اما بریدنش را دوست تر دارم از کندن و در حدیث دیگر
هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت امیرالمؤمنین ع تجویز بریدن موی سفید میفرمود اما کندنش را مکروه میدانست

و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که موی سفید در پس سر میمنت است
و در عارضها علامت سخاوت و جوانمردیست و در جای زلف علامت شجاعت و در پشت
سر شوم است و ظاهرا مراد از ابتدای سفید شدن است

فصل هفتم در کندن موی سفید
و بازی کردن با ریش و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که باید هر کس که شارب
موی بینی خود را بگیرد و به احوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال او است
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام
موسی ع منقولست که چهار چیز است که از وسواس شیطان است گل خوردن و کلوخرا بدست
ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را جائیدن و از حضرت صادق ع منقولست
که بسیار دست بر ریش مگذار که رو را معیوب و بدنما میکند

فصل هشتم در فضیلت ناخن
گرفتن از حضرت رسول صلعم منقولست که ناخن گرفتن درد فقر بزرگ را منع میکند و روزی را فراخ
میگرداند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که بهر این امر فرمودند بناخن گرفتن که چون بلند شود
شیطان در آنجا جا میکند و مورث فراموشیست و حضرت صادق ع فرمود که سنت مؤکدست
ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم مردانرا امر میفرمود که ناخن را از
بیخ بگیرند و زنانرا امر میفرمود که اندکی بلندتر بگذارند که زینت ایشانست و در روایت دیگر وارد
شده است که چند گاه وحی بر حضرت رسول صلعم نازل نشده از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه وحی

ازمن باز نه ایستید و حال آنکه ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان خود را ازاله نمیکنید **فصل**

نهم در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی

فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ناخن

گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی

بسای که از آن ریزها بریزد و در چند حدیث دیگر فرمود که در هر جمعه هر که شارب و ناخن بگیرد تا جمعه دیگر

صحت بوده باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر وارد شده است که ناخن و شارب گرفتن و سر را

بخطمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر منقولست

که بآنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا

طلوع آفتاب نافع است برای زیادتی روزی از سفرها کردن بشهرها حضرت فرمود که میخواهی

[illegible] تعلیم کنم چیزی که از آن نافع تر باشد باید که ناخن و شارب بگیرید در هر جمعه اگرچه

بسائیدن باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که از درد چشم شکایت داشت فرمود

که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این آزار خلاصی یابی و هرگز درد چشم نه بینی گفت بلی فرمود که

در هر پنجشنبه ناخن بگیر آن شخص چنان کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که هر که بدین مداومت نماید هرگز درد چشم نه بیند و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن

گرفتن ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکنید و از آن پا بگیرید و بانگشت کوچک دست راست ختم کنید

و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیرد ابتدا کند بانگشت

کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان میدهد از درد چشم و در

روایت دیگر وارد شده است که در روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست

و تا انگشت مهین بگیرد و پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد امان یابد

از درد چشم و در روایتی که اگر در روز چهارشنبه گیرد ابتدا بانگشت دست چپ کردن بهتر باشد

و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا در هر دستی بکنند بانگشت کوچک آن دست ابتدا کند و اگر در روز

جمعه یا سایر روزها گیرد ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکند خوبست چنانکه علی ابن بابویه گفته

است و در حدیث دیگر منقولست که هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را

بگذارد و در روز جمعه بگیرد خدا پریشانی را از او زایل گرداند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست

که هر که ناخن را در روز جمعه بگیرد حق تعالی دردها را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در

آنها داخل کند و کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم

عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ناخنها را در روز جمعه گرفتن هر دردی را

برطرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند و در حدیث معتبر منقولست که بحضرت

امام موسی علیه السلام عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه می باید گرفت فرمود

که اگر خواهی در روز جمعه بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر در روزهای دیگر دراز شده باشد و احتیاج

داشته باشد صبر باید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است که هر گاه بلند
شود بگیرد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد ریشه کردن ناخنهای
او بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که ناخن در روز پنجشنبه بگیرد فرزندانش
درد چشم نبینند و اگر کسی خواهد که ثواب پنجشنبه و روز جمعه را هر دو دریابد در روز پنجشنبه بگیرد و
یکی را برای جمعه بگذارد و بالجمله در پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهان بران مالد که ریزه چند بریزد و در
وقت ناخن گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد و حدیث در باب ناخن
گرفتن گذشت و آنچه مشهور است در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهاده را بگیرد و
بعد از آن انگشت کوچک و بعد از آن انگشت میانه و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ
اول انگشت بزرگ و بعد از آن انگشت کوچک را بگیرد و پس انگشت میان پس ... پس انگشت شهاده
و در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل
کردن بآن اولی است **فصل دهم** در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که دفن
باید کرد از حضرت صادق ع منقولست که در تفسیر آیه کریمه الم نجعل الارض کفاتا احیاء
و امواتا یعنی آیا نگردانیده ایم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالی که زنده اند و در حالی که
مرده اند حضرت فرمود که مراد از زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که رسول خدا صلعم فرمود ما را که چهار چیز در خاک پنهان کنید مو و دندان و ناخن و خون

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هفت چیز است که از آدمی جدا میشود و آنها را دفن باید
کرد مو و ناخن و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد **فصل یازدهم**
در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر ع منقولست که جامه پاکیزه
پوشیدن دشمن را مکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی و پریشانی را بر طرف میکند
و سر را شانه کردن هم تب را میبرد و دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که سر را شانه کردن بسیار تب را دور میکند و روزی می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از
حضرت صادق ع منقولست که شانه کردن فقر را زایل میکند و دردها را می برد و در حدیث دیگر فرمود که ریش را
زیاد میکند و دردها را میبرد و مو را نیکو میکند و حاجت را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را
قطع میکند و در روایت دیگر موجب بسیاری فرزند میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن
عارض را خوش میکند و دندانها را محکم میکند و شانه کردن زلف وسواس سینه را می برد و شانه
کردن پایین ریش طاعون را از اینکس دور میگرداند و شانه کردن [illegible] را قطع میکند
فصل دوازدهم در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها در حدیث معتبر منقولست که در میان
جانماز حضرت صادق ع شانه بود هر گاه که از نماز فارغ می شدند شانه میکردند و در حدیث
حسن از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست در تفسیر آیه کریمه خذوا زینتکم عند کل
مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که مراد از زینت شانه

کردن است پس از هر نمازی و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب سنتی و در حدیث دیگر فرمود
که هرگاه سر و ریشرا شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که اندوه و بیماریرا میبرد و از حضرت
صادق عم منقولست که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان
تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که در حمام شانه مکن که موی را تنک میکند
و در حدیث دیگر فرمود که کسی اراده شانه کردن داشته باشد شانه را بدست راست بگیرد در
حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اللهم حسن
شعری و بشری و طیبها و اصرف عنی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللهم
لا تردنی علی عقبی و اصرف عنی کید الشیطان و لا تمکنه من قیادی و یردنی
علی عقبی پس ابروها را شانه کند و بگوید اللهم زینی بزینة الهدی پس ریشرا از
طرف بالا شانه کند و شانه را بر سر نهد و بگوید اللهم سرح عنی الغموم والهموم
و وحشة الصدر و وسوسة الشیطان پس از پایین ریش بطرف بالا شانه
کند و سوره انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهی ریشرا
شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره والعادیات بخوان پس بگو اللهم
سرح [illegible] و از حضرت امام رضا عم منقولست که هر که شانه را [illegible] بر سر و ریش
و سینه بکشد دردی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی عم منقولست که ایستاده ریش شانه مکن

باعث

باعث ضعف دل میشود و نشسته شانه کن که دل را قوی میکند و در حدیث دیگر وارد شده است
که حضرت رسول صلعم ریش شانه میکردند و میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که در وقت
شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد و البسنی جمالا
فی خلقک و زینی فی عبادک و حسن شعری و بشری و لا تبتلنی بالنفاق و ار
زقنی المهابة بین بریتک و ارحمنی من عبادک یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق عم
منقولست که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیر المؤمنین عم منقولست
که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلعم ریشرا از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و می
فرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید منقولست که از حضرت
صادق عم پرسیدند از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از
حسن بن عاصم منقولست که بخدمت حضرت امام موسی عم رفتم دیدم که حضرت شانه از استخوان
فیل در دست دارند و بآن شانه میکنند گفتم فدای تو شوم جماعتی در عراق هستند که شانه
کردن از استخوان فیل را حلال نمیدانند فرمود که چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از استخوان
داشت پس فرمود که شانه بکنید باستخوان فیل که تب را میبرد و در احادیث بسیار وارد
شده است که ائمه عم باستخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق عم منقولست

کردن نوره و نوره کشیدن و شانه کردن مکروهست

باب ششم در آداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن مالیدن

فصل اول در سبب پیدا شدن بویهای خوش در زمین

حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون آدم و حوا از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم ع بر کوه صفا قرار گرفت و حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت گیسوی خود را از بوی خوش آنجا شانه کرده و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از شانه که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در خشم است پس گیسوهای خود را گشود و آن بوی خوش که از گیسوهای او فرو ریخت باد آنرا بمشرق و مغرب برد و اکثر بزمین هند رسید باین سبب اکثر بویهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم از آن درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامها و زیورهای بهشت از او فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگها را بهند رسانید و درختان و گیاهای هند را خوشبو گردانید و باین سبب گیاههای خوشبو در هند می باشد و اول جانوری که از آن برگ بهشت و گیاه خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و جانش جاری شد تا آنکه جمع شد در پشت نافش و از آن مشک بهم رسید

فصل دویم در فضیلت و آداب بوی خوش

در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبرانست و از حضرت صادق ع منقولست که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را

در هر روز و اگر قادر نباشد یکروز در میان و اگر قادر نباشد در هر جمعه البته ترک نکند این را و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبرانست و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را مینویسند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نمازی که بوی خوش داشته باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد و فرمود که چهار چیز است که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر هر بالغی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بزند و حضرت رسول صلعم را عادت بود چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آنحضرت نبود روپاک از زنان می طلبیدند که بوی خوش داشته باشد و تر میکردند و بر روی مبارک خود می مالیدند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع بر موضعی که سجده میکرد بعد از آن می شناختند آن موضع را از بوی خوش آنحضرت و حضرت رسول صلعم میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یکروز در میان خود را خوشبو کن و روز جمعه البته ترک مکن و میفرمود که روز جمعه خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مظعون بآنحضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند را از لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را میبویند و در روز جمعه البته ترک مکن و فرمود که هر چه صرف میشود در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد

و از حضرت امام موسی ع منقولست که ناخن بگیرید در روز شنبه و بحمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنید
در روز پنجشنبه و بهترین بویها خود را خوشبو کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا ع منقولست که چهار چیز است
که دل را میگشاید و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که باید زن مسلمان پیوسته خود را برای شوهر خود خوشبو کند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که در حضرت رسول صلعم سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه
نبود دویم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه تا دو سه روز کسی که در آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت
از آن راه عبور نموده اند از بوی خوشی که در آن راه مانده بود سیم آنکه بهر سنگی و درختی که میگذشت
آنحضرت را سجده میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر نفسی که بوی خوش کند و از خانه بیرون
آید پیوسته لعنت الهی بر او باشد **فصل سیم** در کراهت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق
پرسیدند که آیا کسی میتواند که بوی خوشی که از برای او بیاورند رد و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست
که رد کند و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المؤمنین ع روغن خوشبو آوردند حضرت گرفتند و بر بدن
خود مالیدند و در آن روز دیگر روغن مالیده بودند و بعد از او فرمودند که ما هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که از برای آنحضرت
می آوردند و از ابن جهیم منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع برای من ظرفی آوردند
که در آن مشک بود فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم و بر خود مالیدم و پاره دیگر ماند فرمود که

این را هم بردار و بجای بجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع میفرمودند که رد نمیکند کرامت را
مگر خر گفتم کرامت که امر است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه کردن و مانند آن [illegible]
کنند **فصل چهاردم** در فضیلت مشک و عنبر و زعفران از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که بوی
خوش مشک و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع مشکدانی
از قلع داشتند و در وقتی که اراده رخت پوشیدن میکردند او را می طلبیدند و از مشک بر خود می مالیدند
و در حدیث دیگر وارد شده است که شیشه از مشک داشتند و بجای نماز خود هرگاه بنماز برمیخواستند بر خود
می مالیدند و در حدیث دیگر فرمودند که حضرت رسول صلعم آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از
فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم مشکدانی داشتند که هرگاه
وضو میساختند بدست مبارک خود او را میگرفتند و چون بیرون می آمدند مردم میدانستند که آنحضرت می آید
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع حقه بیرون آوردند از آبنوس و در آنجا نها بود
که در هر خانه بوی خوشی بود یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام
موسی ع سؤال کرد که آیا مشک را در روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم باکی نیست
و در روایت دیگر منقولست که باکی نیست که مشک داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
رسول صلعم خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و احادیث مدح خلوق وارد شده است و آن بوی خوش
بود که از این چند چیز بعمل می آوردند بغیر از خوش زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که مداومت

بر آن نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح در بدن نگذارند و درست که این نیز آن
باشد که رنگش در بدن بسیار ماند **فصل پنجم** در فضیلت غالیه بسند موثق منقولست که اسحق بن
عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار سود میکنم و غالیه با خود میمالم که مرا فقیر ندانند حضرت
فرمود که غالیه را کم و بسیارش مساویست کسی که اندکی غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافیست او را اسحق گفت
که من بفرموده حضرت عمل کردم و شش دانگ ده درم میخریدیم و تمام سال بدان خوشبو میشدم و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خزی و عبای خزی پوشیده بودند
و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند که یا حضرت در این شب با این هیات بر کجا بیرون
آمده فرمودند که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای
عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که روغنی برای آنحضرت عمل آورده بودند که در آن مشک و عنبر داخل کرده بودند فرمودند که کاغذی آوردند و
آیة الکرسی و سوره حمد و معوذتین و آیه چند از آیات حفظ نوشته اند و در میان شیشه که روغن بود
گذاشتند و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که روغن را با مشک برای آنحضرت عمل آوردند و بهفده هزار درهم بر آمد فضل بن سهیل وزیر مامون
بحضرت نوشت که مردم شما را عیب میکنند حضرت در جواب نوشت که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا بود
و جامه دیبا طلا باف میپوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و با اینها از حکمتش چیزی کم نشد پس حضرت

فرمود

فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم **فصل ششم** در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که روغن بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری
آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد و بدحالی و تنگی رو را بر طرف میکند و رو را نورانی
میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روغن توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود
که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در شب روغن را مالیدن در عرق
بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر مومنی که
روغن بمالد حق تعالی بعدد هر موئی نوری بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که روغن را بر کف دست خود بریزید و بگوئید اللهم انی اسئلک
الزین والزینة والمحبة واعوذ بك من الشین والشنآن والمقت پس بر کف ابروی
سر بگذارد و از آنجا ابتدا کند بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است که چون
روغن را بر کف بریزی بگو اللهم انی اسئلك الزین والزینة واعوذ بك من الشین
والشنآن فی الدنیا والآخرة و در چند حدیث نهی وارد شده است از مداومت بروغن
مالیدن در هر روز و در روایت دیگر وارد است که در ماهی یکبار بمالید و در هفته یکمرتبه یا دو مرتبه
اما زنان را هر روز مالیدن بد نیست **فصل هفتم** در فواید روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر فرمود که

فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت
شیعیان ماست بر سایر خلق و در روایت دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود
که نیکو روغنیست روغن بنفشه بسیار بمالید که درد سر را از سر و چشم ببرد و در حدیث دیگر فرمود که از ما اهل بیت
شما چیزی نمی آید که بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقوه منقولست
که شخصی از استر افتاده بود دماغش آفت رسیده بود حضرت فرمود که روغن بنفشه در
دماغ او بچکانید چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقوه روغن بنفشه در
زمستان گرم است و در تابستان خنک است برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان
ما خشک است و اگر مردم فضیلت آن بدانند هر آینه هر اوقیه از آن قیمتش یک اشرفی شود و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که اگر مردم بدانند فواید این روغن را هر آینه از آن بسیار بخورند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی
تب را بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقولست که درد سر را زایل میکند و دماغ را
باصلاح می آورد

فواید بنفشه

فصل هشتم

در فواید روغن بان و روغن زنبق بلکه بان فستق
هندیست که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو روغنیست روغن بان و
در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ترکها که بر دست و پایش بهم رسیده
بود حضرت فرمود که پنبه بگیر و روغن بان را بر او بریزد و بر ناف خود بگذارد یا روغن ...

خود بریزد آن شخص بگفته آنحضرت چنین کرد آن آزار برطرف شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نرساند و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بر خود بمالید روغن بان را که امانست از هر دردی و پیغمبران
او را استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ چیز از برای بلا
بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که روغن زنبق منافع
بسیار دارد و در آن شفائی از هفتاد درد است و از حضرت صادق ع مرویست که روغن زنبق
شفای هفتاد درد است و ظاهر آنست که مراد زنبق سفید باشد که آن را رازقی میگویند و در بسیار
از احادیث رازقی وارد شده است

فواید روغن زنبق

فصل نهم

در فواید سایر روغنها منقولست که
حضرت رسول صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی روغن زیت را بخور و بر بدن بمال که
هر که این روغن را بخورد و بمالد شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد
شده است که روغن گل خیری روغن لطیفیست و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امام موسی ع روغن گل خیری بر خود میمالیدند و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در وقتی که صداع ایشان را عارض میشد روغن کنجد در بینی میچکانیدند
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند

فصل دهم

در فضل بخور و آداب آن از حضرت امام رضا ع منقولست که سزاوار است مرد را که

که هرگاه قادر باشد جامهای خود را بدود خوشبو بدارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مردم بسیار بوی
بخور میشنیدند و علما روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام رقم دیدیم که چون
حضرت بیرون آمد از رخت کن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو کردند پس فرمود که ملازمان را
نیز خوشبو کنید و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی علیه السلام میخواستند
که بخور کنند اول یکدانه از خرماهای صیحانی که نوعیست از خرماهای مدینه میگرفتند و خرما و پوست
آنرا از دانه جدا میکردند و با آن در آتش می انداختند چون اندکی دود میکرد بعد از آن بوی خوش را
می انداختند و جامه را بر بخور میداشتند که این باعث خوشبوئی میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که عود و خالص بوی خوش بر بدن چهل روز میماند و عودی که با بوهای خوش دیگر پرورده باشند بوی خوشش
تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام با عود خالص هندی بخور میکردند و
بعد از آن گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعود
قماری بخور میکردند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که بر شما باد بعود هندی که در آن
هفت نوع از شفا هست و در روایت دیگر منقولست که تحفه که برای مرد روزه دار آورده اند
که ریشش را از عنبر بمالند و جامه اش را بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آنست که گیسوش را شانه
کنند و جامه اش را بخور بدارند و سید بن طاوس روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در وقت بخور کردن اینها میخواندند الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات اللهم طیب عرقنا

عرقنا و زک روایحنا و احسن منقلبنا و اجعل التقوی زادنا و الجنة معادنا و لا تفرق
بیننا و بین عافیتک ایانا و کرامتک لنا انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر منقولست
که در وقت بخور و بوی خوش کردن اینها بخوان اللهم امتعنی بما رزقتنی و لا تسلبنی ما
خولتنی و اجعل ذلک رحمة و لا تجعله وبالا علی اللهم طیب ذکری بین خلقک کما
طیبت نشری بشری و شواری و لشواری بفضل نعمتک عندی

فصل یازدهم

در فواید گلاب

در بیان فضل گلاب و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گلاب بر رو
ریختن آب رو را زیاد میکند و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو مالد
بدحالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو و دستها مالد الحمد لله بگوید و صلوات بر محمد و آل
بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز اول ماه رمضان یک کف گلاب بر رو ریزد در
آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز یک کف گلاب بر سر خود ریزد در آن سال از
مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله هر دو کف مرا از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند چون بنزدیک مشام خود بردم
فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون مرا باسمان بردند از عرق من چند قطره بر زمین ریخت و گل سرخ از آن روئید پس آن
گل بدریا افتاد و ماهی خواست که بر وارد و عوض کرمیت در میان آب سر بهی دارد و دم باریک

درازی دارد خواست که بردارد و در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی را فرستاد که
در میان محاکمه کرد نصف را بماهی و نصف را بالعموص داد و باین سبب پنج برگ سبز که در زیر
گل میباشد دو تا بشکل دم ماهیست که [illegible] پر پیدا کرده و دو تا بشکل دم عموص باریکست و از
هیچ طرف پر [illegible] یکطرف پر پیدا کرده و طرف دیگر ندارد که نصفش مثل دم ماهیست و نصفش مثل
دم عموص است و در روایت [illegible] منقولست که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن آنحضرت
محزون شد باین سبب برگ [illegible] از آن روئید پس چون برگشتند زمین شاد شد [illegible] گل سرخ در آن روئید
که کسی که خواهد بوی آنحضرت را استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه وارد
شده است که گل سفید از عرق آنحضرت روئید در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق
براق و در روایت دیگر وارد شده است که بوئیدن نرگس و روغن نرگس مالیدن فضایل بسیار
دارد چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند از آن روز نرگس در میان مردم بهم رسید
از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو گلیست مرزنگوش در
زیر عرش میروید و آبش باعث شفای چشم است و در روایت [illegible] منقولست که [illegible] بوئیدن مرزنگوش
که قوت شامه را می افزاید و از حضرت صادق ع منقولست که گل بیست و یکنوع است و سید همه گلها
مورد است **فصل دوازدهم** در آداب گل بوئیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق ع و
در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هرگاه گلی بر شما بدهند ببوئید و بر دو دیده

خود بگذارید و بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد و هنوز بر زمین نگذاشته باشید که گناهان شما آمرزیده
شود و از حضرت امام علی النقی ع منقولست که هرکه گلی ببوید و بر دیدها گذاشته صلوات بر محمد
و آل و ائمه ع بفرستد حق تعالی برای او حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه و شام و عراق
کشیده است بنویسد و از گناهان او بقدر ریگ آن بیابان محو نماید **باب هشتم**
در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دوا رو کشیدن و آداب بعضی از غسلها **فصل**
اول در فضیلت حمام منقولست که عمر گفت بد خانه ایست حمام عورت را ظاهر میکند و پرده را
میدرد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد آدمی می آورد و چرک را
از بدن میبرد و از حضرت امام موسی ع منقولست که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاد میکند
و هر روز رفتن پیه گردها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقولست که گفت بیمار شدم
تا آنکه گوشتم تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم فرمود که میخواهی گوشت بدنت برگردد
گفتم بلی فرمود که یکروز در میان بحمام رو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار هر روز مرو که باعث
مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که هرکه میخواهد که فربه شود یکروز در حمام برود و یکروز
نرود و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام رود و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که بهترین دوای شما حقنه و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام
است و در روایت دیگر وارد شده است که دوای الم [illegible] حمام است و در چند روایت وارد شده است

که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد باید زن خود را بحمام نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه
اول آنکه در بلادیست که آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زن بحمام رفتن را دویم آنکه
مراد آنست که زن خود را رخصت دهد که برای آب در سر کردن بحمام رود فصل دویم
در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها که باید خواند و در احادیث معتبره بسیار وارد شده
است که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که با لنگ داخل شود حق تعالی گناهان او را در پرده ستر بپوشاند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که داخل شود و دیده خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را
از چشم جهنم ایمن گرداند و حضرت رسول صلعم واله نهی فرمود در غسل کردن در زیر آسمان بی
لنگ و از داخل نهرها بی لنگ و از حضرت صادق ع منقولست که داخل حمام مشو مگر بعد از آنکه اندک
چیزی در معده تو باشد که حرارت معده را از تو فرو نشاند و این چیز باعث قوت بدن است
و داخل حمام مشو در وقتی که معده پر از طعام باشد و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه آنحضرت اراده
حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام
رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه اندک چیزی خوردن بهتر است که صفرا را فرو نشاند و حرارت
اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند
و بعد از آن چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی گوشت بدنت زیاد شود

بعد از چیزی خوردن بحمام برو و اگر خواهی که گوشت بدنت کم باشد ناشتا بحمام برو و بسند معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که در وقتی که در رخت کن حمام جامه ها را از خود میکنی بگو اللهم
انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان پس چون داخل خانه اول حمام شوی بگو
اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه و چون داخل حمام دویم شوی
بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و دیگر از آب گرم بر سر بریز
و بعد از آن بر پا بریز و اگر توانی جرعه از آن بخور که مجرای بول را پاک میکند و در خانه دویم ساعتی
درنگ کن پس چون داخل خانه سیم شوی بگو نعوذ بالله من النار و نسئله الجنة مکرر این را
بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانه گرم زینهار که آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را
فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند چون از حمام بیرون آئی آب سرد
بپا بریز که دردها را از بدن میکشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی
التقوی و جنبنی الردی پس چون اینها را که گفتم کردی از همه بلاها و دردها ایمن شوی و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مؤمن بگوید
بتو طاب حمامک و حمیمک تو در جواب بگو انعم الله بالک و در روایت دیگر وارد
شده است که حضرت امام حسن ع از حمام بیرون آمدند شخصی بآنحضرت گفت طاب استحمامک
حضرت او را منع کرد پس گفت طاب حمامک باز او را منع کرد پس گفت طاب حمیمک باز او را

منع کردند گفت پس چه بگوییم فرمود که بگو طاب ما طهر منك وطهر ما طاب منك یعنی خدا پاك و طیب
پاکیزه و نیکو گرداند به نیکی نسبت مغفرت گناهان و توفیق طاعات آنچه پاک شده است در حمام از اعضای
بدن تو پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه نیکوست و پاکیزه است از تو که آن
دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای شریف باشد و در روایت دیگر منقولست که کسی که از حمام بیرون
آید به او بگویند انقی الله غسلك او در جواب بگوید طهرکم الله و حضرت صادق ع فرمود که هرگاه از
حمام بیرون آیید عمامه بر سر ببندید و فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پا را بشویید که درد
شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع هرگاه از حمام
بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر می پیچیدند و میفرمودند که امان است از درد سر و در روایت
دیگر وارد شده که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غلبه کند آب سرد بر خود بریزد
تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی ع وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام مروید

فصل سیم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز یافته منقولست از حضرت صادق ع که حضرت امیر المؤمنین
ع میفرمودند که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده ها را میگدازد و سفال و آجر مسایید پا را که موجب
خوره است و حضرت صادق ع فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند بعورت او و فرمود
که پدر و مادر را جایز نیست که نظر کنند بعورت فرزندان خود و فرزندان را جایز نیست که نگاه کنند
بعورت پدر و مادر و فرمود که حضرت رسول صلعم لعنت فرمود کسی را که نگاه بعورت دیگری کند

در حمام بی لنگ مروید که دیگران بعورت او نگاه کنند و در حدیث دیگر فرمود که به پهلو بخوابید
در حمام که پیه گرده را آب میکند و بدن را لاغر میکند و در حمام شانه مکن که موی را تنک میکند و سر را
بگل مشوی که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر روی ممال که
آبرو را میبرد و از ابن بابویه علیه الرحمه مرویست که گل مصر و سفال شام مراد است و در حدیث صحیح
منقولست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود
که باکی نیست و در روایت دیگر حسن از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام که آیا
امیر المؤمنین ع نهی میفرمود حضرت فرمود که وقتی نهی میفرمود که عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست
و از حضرت صادق ع منقولست که در حمام باکی نیست که قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوش آوازی
و در حدیث دیگر منقولست که روزی آنحضرت میخواستند که بحمام بروند حمامی گفت اگر میخواهی حمام
برای شما خلوت کنم حضرت فرمود در کار نیست مؤمن کارش از آن سبکتر می باشد که حمام را
برای او فرق کنند و حضرت امام رضا ع فرمود که هر که در حمام سفالی بر بدن خود بمالد کسی
باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که زنهار در حمام
به پهلو مخوابید که پیه گرده ها را آب میکند و بر پشت مخوابید که درد دندان بهم میرسد و شانه مکن که
کند و ریزه موی را میبرد و مسواک مکن که دندانها را میریزد و سر را بگل مشوی که رو را بد نما میکند و لنگ
بر رو و سر ممال که آبروی مرد و گفت پا را با سفال ممال که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای

کوچک در حمامهای سنیان جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهود و نصرانی و گبر و دشمن
ما اهلبیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجس‌تر خلق نکرده است و کسی که عداوت
ما اهلبیت دارد از سگ نجس‌تر است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بول کردن
در حمام باعث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مرد با کنیزان خود
بحمام برود اما باید که لنگ بسته باشند و مانند خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند
و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا
که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه در حمام سلام کرده اند بمردم **فصل چهارم** در فضیلت
شستن سر و بدن و دفع بویهای بد از خود کردن از حضرت رسول صلعم و آله منقول است
که کافیست آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که شستن سر چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و پاکیزگی
از برای نماز میشود و فرمود که خود را پاکیزه کنید بآب از بویهای بد که مردم متاذی میشوند
و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستی که خدا دشمن میدارد بنده کثیف را اگر کسی که
که بپهلوی هر که نشینند از او متاذی شود و فرمود که آب را ببوی خوش خود گردانید و از حضرت
امام رضا ع منقولست که حق تعالی غضب نکرد در بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان را داخل مصر کردند
و راضی نشدند ایشان را از مصر بیرون کردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سر را بگل

مو مشوی و از کوزه که در معبر سر زنند آب مخور زیرا که خارش و دنبل آورد و غیرت را میبرد و
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که دوست نمیدارم که سر خود را بگل مصر بشویم از ترس آنکه مرا
ذلیل گرداند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقولست که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع
از آنکه گرمی در سرم هست و بسیار میریزد و جامه ام را چرک میکند فرمود که مورد را بکوب
و آبش را بگیر با سرکه که از شراب بعمل آمده باشد و بسیار شدید باشد و بهم بزن اینقدر که کف
کند پس همه سر و ریش را بآن بقوت تمام بمال و بشوی پس بروغن شیر تازه سر و ریش را
چرب کن که آن علت زایل میشود **فصل پنجم** در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در
حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن
فقر و درویشی را برطرف میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با سدر و خطمی در
هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی دل را
میگشاید و سودا و اندوه را برطرف میکند و در حدیث موثق دیگر از حضرت امام موسی ع
منقولست که شستن سر با سدر و خطمی روزی را زیاد میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که چون حق تعالی حضرت رسول صلعم را امر فرمود که اسلام را اظهار کند و اظهار کرد آنحضرت کمی مسلمانان
و بسیاری کافران را دید غمگین شد حق تعالی جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدرة
المنتهی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شست اندوه آنحضرت برطرف شد و در حدیث

باسدر

دفع غم و اندوه

و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر و بری
میگرداند از پریشانی و سر را پاک میگرداند از کری و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله سر خود را با سدر می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر
که هر ملک مقرب و پیغمبر مرسل او را به پاکی یاد کرده است و هر که سر را با آن بشوید حق تعالی
وسوسه شیطان را هفتاد روز از او دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان از او
دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت میشود و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که شستن سر با خطمی چرک سر و جانوران را برطرف میکند **فصل ششم** در
فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که دارو کشیدن
پاک کننده بدن است و در حدیث صحیح منقولست که عبد الرحمن بن ابی عبد الله گفت با حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتیم فرمود که دارو بکش گفتم که چند روز است که دارو کشیده ام
فرمود که دیگر بکش که او پاک کننده بدنست و برین مضمون چند حدیث وارد شده است
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را حضرت تکلیف دارو کشیدن کرد و او گفت که سه روز است
که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک کننده بدنست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که موی
بدن را از خود بیندازید که [illegible] کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که موی بدن
چون بلند میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف

و تنبلی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند و گرده ها را زیاد میکند
و از حضرت امام رضا ع منقولست که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن
و نوره کشیدن و موی سر تراشیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که موی شارب و موی پشت زهار و زیر بغل را بلند مگذارید که شیطان در آنجا جا میگیرد و پنهان
میشود **فصل هفتم** در ازاله زیر بغل و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا جا میگیرد و پنهان میشود و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع زیرهای بغل را دارو میمالیدند و میفرمودند که کندن
موی زیر بغل دوشها را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن زیر بغل
بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است
که بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین موضع را دارو
میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که موی زیر بغل کندن
بغل را بو [illegible] برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا است **فصل هشتم** در رعایت
زمانی که نوره را تاخیر توان کرد در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد موی پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد
و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد ترک کند ازاله موی زهار را زیاده

از میت فرو [illegible] و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم سر جمعه داروی میکشیدند و
پشت زهار و میان پا را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست در نوره کشیدن
که هر پانزده روز یکمرتبه بکشد یا بیست روز یکمرتبه و در بیست و دیگر بیست و یک روز بگذرد و نوره
نکشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد و کسی که چهل روز بر او بگذرد و نوره نکشد او مسلمان
نیست و او را کرامتی نیست در نزد خدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی های زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و پس اگر
چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و پس نه بیندازد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
فرموده دوست میدارم از برای مؤمن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق ع منقولست که
که باید پشت زهار را در هفته بیشتر نگذارد و کسی که نوره زیاده از یکماه ترک کند نمازش مقبول
نیست **فصل نهم** در دعاهائی که نزد نوره کشیدن باید خواند از حضرت صادق ع منقولست
که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره بردارد و بر سر بینی خود بگذارد و
بگوید صلی الله علی سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة و او را نوره زند و از حضرت
علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که هر که در وقت نوره مالیدن در بدن این دعا بخواند خدا او را از
چرکها و کثافتهای دنیوی و اخروی و گناهان پاک گرداند و بعوض آن موی موئی با کرامت که
که در آن موی گناه نکند و بعد هر موئی از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی گوید تا روز قیامت

در وقت نوره کشیدن بخواند

بهشتی که یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثوابش برابر باشد با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا اینست اللهم
طیب ما طهر منی و طهر ما طاب منی و ابدلنی شعرا طاهرا لا یعصیک اللهم انی
تطهرت ابتغاء سنة المرسلین و ابتغاء رضوانک و مغفرتک فحرم شعری و بشری
علی النار و طهر خلقی و زک عملی و اجعلنی ممن یلقاک علی الحنیفیة السمحة ملة ابراهیم
خلیلک و دین محمد صلی الله علیه و آله حبیبک و رسولک عاملا بشرایعک تابعا
لسنة نبیک صلی الله علیه و آله آخذا به متأدبا بادبک و تادیب رسولک
صلی الله علیه و آله و تادیب اولیائک الذین غذوتهم بادبک و زرعت الحکمة
فی صدورهم و جعلتهم معادن لعلمک و صلواتک علیهم **فصل دهم** در اوقات
نوره کشیدن و سایر آداب آن از حضرت صادق ع منقولست که یکمرتبه در تابستان نوره بکشید بهتر است در
فضیلت و نفع که یازده مرتبه در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین ع مروی است که احتراز
کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه که روز نحس است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده
از حضرت رسول ص و آله منقولست که نیکو خبر است که موی پیش را نوره در روز جمعه و روز
چهارشنبه مالیدن و وضو و غسل در آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حال جنابت چیزی
خوردن و نیز در حال حیض جماع کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا ع
منقولست که هر که در روز جمعه نوره بمالد پس شود ملامت نکنند مگر خود را و در روایتی که این [illegible]

محمول بر تقیه باشد یا آنکه یکی از اهل سنت است زیرا که حدیثی که گذشت که حضرت پیغمبر صلعم در روز
جمعه واجبی کشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که بخدمت حضرت صادق عم عرض کردند که
مردم میگویند که نوره کشیدن روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که گمان کرده اند
که مردم میگویند چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقول است
که علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام رضا عم بنویسد که آیا در حالت جنابت واجبی
توان کشید فراموش کرد و آن حضرت باب اعجاز با و نوشت که باکی نیست نوره باعث زیادتی و پاکیزگی
جنابت است و از حضرت صادق عم نیز پرسیدند فرمود که باکی نیست و در حدیث حسن منقول است که پرسیدند
نیز از آنحضرت که کسی که واجبی کشیده ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر
منقول است که کسی وقت واجبی مالیدن بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال
با حضرت امام محمد باقر عم بحمام رفت حضرت لنگی بست از ناف تا زانو و خدمتکار حمام مالیدند
که آنچه بالای و پائین لنگ بود واجبی مالیدند و بعد از آن او را بیرون کردند از ناف تا زانو را
خود کشیدند و با بشیر گفتند که هرگاه که واجبی کشی چنین کن و در بعضی از احادیث بجز این وارد
وارد شده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و [illegible] منقول است که از حضرت صادق عم
پرسیدند که آیا آرد [illegible] روغن زیت مخلوط کنند و بعد از نوره بر بدن بمالند برای آنکه بوی را
ببرد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام موسی عم پرسیدند که آرد را

بعد از

بعد از نوره می توان بر بدن مالید فرمود که باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است
حضرت فرمود که چیزی که اصلاح بدن کند اسراف نیست من بسیار است که مغز بادام آرد میکنم و با روغن
زیت مخلوط میکنند و بر بدن میمالم اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر برساند

فصل یازدهم در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین بن موسی روایت کرده است که
پدرم حضرت امام موسی عم که هرگاه اراده حمام میفرمودند حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل
نمیتوانست شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند
روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر با نحضرت رسید و اثر حنا در دست حضرت دید
گفت این چیست که در دست است فرمود که رنگ حناست که پدرانم از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت کرده اند که هرکه بحمام رود و واجبی کشد و بعد از آن حنا از سر تا پا بمالد او را
امان میدهد از دیوانگی و خوره و پیسی تا آنکه نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که
حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق عم حنا بر دست نهاده و ناخنهای خود را گذاشته پس فرمودند که ای
حکم چه میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید اما این کار را پیش از ما
جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شسته میشوند ناخنها مرده کمان
پس باز رنگ سرامیکردانیم بجا و در حدیث دیگر منقول است که امام محمد تقی عم از حمام بیرون
می آمدند از سر تا پای مبارکش مانند گل سرخ شده بود از حنا حضرت صادق عم فرمود که

دفع دیوانگی و خوره و پیسی

خطمی مالیدن بوی بد را میبرد و آبرو را زیاد میکند و دهانرا خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که سر را
با خطمی بشوید فقر و پریشانی از او برطرف میشود **فصل دوازدهم** در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه
غسلهای واجب بنابر مشهور علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و
غسل میت و مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا بخواند اللهم طهر قلبی و زک عملی و تقبل
سعیی واجعل ما عندک خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین و
اگر این دعا بخواند بهتر است اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتک
والثناء علیک اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر و بعضی این
دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر امام حسن عسکری ع مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل
جنابت این دعا بخواند گناهان او بریزد چنانکه برگ از درختان میریزد و بهر قطره از قطرات
وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و صلوات بر محمد و آل
بفرستد و ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود سبحانک اللهم وبحمدک
اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک واشهد ان محمدا
عبدک ورسولک واشهد ان علیا ولیک وخلیفتک بعد نبیک علی خلقک
وان اولیائه خلفائک و اوصیائک و اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است و از
جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکنند و

در وقت غسل جنابت این دعا خواند

و در احادیث معتبره وارد شده که غسل جمعه واجبست بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند
زنانرا اگر ترک کنند در سفر برای تنگی آب و از حضرت صادق ع منقولست که غسل جمعه پاکیزه کننده و
کفاره گناهانست از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل جمعه کند
بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
این غسل و دعا پاک میگرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اللهم طهرنی
وطهر قلبی وانق غسلی واجر علی لسانی محبة منک و باز بگوید اللهم طهر قلبی من
کل آفة تمحق بها دینی وتبطل بها عملی و در فقه الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ
شوی بگو اللهم طهرنی وطهر قلبی وانق غسلی واجر علی لسانی ذکرک وذکر نبیک محمد
صلی الله علیه وآله واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین از وقت صبح صادق است
تا پیشین و مشهور آنست که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد
که در روز جمعه آب یافت نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح شنبه تا
شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتواند کرد و
ظاهرا از علما قایل بر این نشده اند و سنت است غسل در شبهای طاق ماه رمضان و در شب اول
و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مؤمنان و کافران در بدر جمع شدند و در شب اعظم فتحهای اسلام واقع

در وقت غسل جمعه بخواند

شده است و شب نوزدهم که آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنابر بعضی از احادیث
و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیاء انبیا در آن شب شهادت یافته اند و حضرت عیسی ع در آن
شب باسمان رفته است و حضرت موسی ع از دنیا رفته است و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده
باشد و شب بیست و سیم قدر است در احتمال اقوی و قول اکثر و در آن شب دو غسل میکنند یکی مقارن غروب
آفتاب و یکی در آخر شب و در بعضی روایات وارد شده است که شبهای دهه آخر هر شب غسل بکنند
و سنت است غسل در شب عید فطر و روز عید قربان و ظاهر آنست که در این دو روز غسل را تا شب می
توان کرد ولیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع شود و در شب هشتم ذی الحجه و روز عرفه
خرد زوال و شب نیمه رجب و منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ماه رجب را دریابد
و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده است
و روز مبعث و آن بیست هفتم ماه رجب است و اکثر علما گفته اند که اگرچه حدیثی بنظر رسیده و شب نیمه شعبان
و روز غدیر خم که هژدهم ذی حجه است و روز مباهله که بیست چهارم ذی حجه است و بعضی گفته اند روز بیست
پنجم و روز دحو الارض بنابر مشهور و آن روز بیست پنجم ذی القعده است و درین غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده
است حدیثی در نوروز بنابر مذهب بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آنست
که آن روزیست که آفتاب به برج حمل داخل میشود و همچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی
واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکنند و غسل زیارت حضرت رسول و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

از توبه یکی دو روز غسل استخاره مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجات
وارد شده است و غسل توبه از گناهان و سنت است غسل برای نماز خسوف و کسوف هرگاه عمدا ترک
کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکنند و بعضی گفته اند بواسطه
قضا غسل میکنند اگر عمدا ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکنند اگر تمام
گرفته باشد و این قول قویست و سنت است برای داخل شدن کعبه معظمه و از برای داخل شدن خانه
کعبه معظمه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم کعبه و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای
داخل شدن شهر مدینه مشرفه و از برای داخل شدن حضرت رسول صلعم و شب نیمه شهر ربیع
الاول است و آنچه بنظر رسیده و از برای کشتن حدی و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز
ولادت حضرت رسول صلعم و آله بر قول بعضی و آن هفدهم شهر ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده
غسل از برای زیارتست و در آن روز غسل سنت است برای طلب باران و از برای کشتن جلباسه و غسل
بعد از کشتن است و هرگاه شخصی برود برای دیدن کسی که او را حلق کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن
و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند که سعی اگر بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق کشته باشند
و خواه بباطل و خواه بطریق شرعی او را کشته باشند و یا غیر آن و بعضی از علما گفته اند که سنت است
اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص باشد بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند
که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است هر دو را

غسل کردن سنت است و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث آنست که همین غسل مس
میت است و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند و پیش از
غسل میت یا بعد از آن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آوری در زیر
سقفی بجا آور و چون خواهی شروع کنی بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنت
نبیک و تصدیقا بنبیک محمد صلی الله علیه و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله
کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و بعد از آنکه تفاصیل اغسال و احکام
آنها در این رساله گنجایش ندارد ان شاء الله تعالی در کتاب طهارات نوشته میشود و الله الموفق **باب هشتم**
در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات خواب آنکه خواب
کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت
گرمی هوا و بعد از ظهر تا عصر قیلوله است و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که با ابی حمزه ثمالی فرمود که
خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من برای تو دوست نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را در این وقت
قسمت مینماید و هر که در این وقت در خواب است از روزی محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که زمین بسوی خدا ناله و فریاد میکند از سه چیز از خون حرامی که بر آن ریخته میشود یا از غسلی که از
زنا کننده بر روی آن و یا خواب کردن بر آن پیش طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که خواب بامداد شوم است روزی را منع میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب هر شومی است که

یا آب غسلی

می نماید

حق تعالی روزی را از مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت میکند پس زنهار که این خواب را بکنید و فرمود
که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل نازل میشد و هر که در این وقت در خواب بود بهره او
نازل نمیشد و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در جای خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را
مستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته باشد و
گناهانش آمرزیده شود و در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری تعقیب بخواند
و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام
بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام
که بشخصی فرمود که چون صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی روی باکی نیست و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خواب اول روز خرقی است و خواب قیلوله نعمت است و خواب
بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المومنین
منقولست که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از خفتن پریشانی و فقیری آورد و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد که من حافظه قوی
داشتم و اکنون فراموشی بر من غلبه شده فرمود که آیا قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت
بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است
که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و فرمود که نیکو زینت خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب

فصل دویم در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق ع منقولست که هر که وضو بسازد و
به رخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب
برود و بیادش آید که وضو ندارد بر لحاف خود تیمم کند اگر با وضو یا تیمم بخوابد بیاد خدا خوابیده چنان
است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که نخوابد مسلمانی در حالتی که جنب باشد
و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو تیمم کند بخاک زیرا که روح مؤمن را در وقت
خواب به آسمان میبرند حق تعالی او را قبول مینماید و برکت برا او میفرستد پس اگر اجلش رسیده باشد
او را در گنجینهای رحمت خود میسپارد و اگر اجلش نرسیده باشد با امینان خود از ملائکه بر
بدن او بر میگردانند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت رسول صلعم با صحابه فرمود
که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت که من و فرمود که کدام یک از شما تمام شب را
احیا میدارد سلمان گفت که من و فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من
عمر پس بخندید گفت که این مردیست فارسی و میخواهد که بر ما که قریشیم فخر کند دروغ میگوید در
اکثر روز روزه نیست و اکثر شب در خوابست و در اکثر روزش خاموش می بینم حضرت فرمود که ساکت شو سلمان
و شبیه بلقمان حکیم است او را سؤال کن تا جواب بگوید عمر پرسید که جواب بازگو سلمان گفت اما روزه
سه روز از هر ماه روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که حسنه بکند ده برابر ثواب با و
میدهم این برابر روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را هم روزه میدارم و با ماه رمضان میپیوندم

اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت شنیدم که فرمود که هر که با وضو بخوابد چنانست
که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما قرآن در هر روز سه مرتبه سوره قل هو الله احد
میخوانم و از آنجناب شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که یا علی مثل تو در میان امت من
مثل قل هو الله احد است که سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را
خوانده است و هر که دو بار بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر که سه بار
بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس هر که ترا دوست دارد بزبان ثلث ایمان او
کامل شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام
ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خدائی که مرا براستی فرستاده است سوگند
که اگر ترا اهل زمین چنان دوست میداشتند که اهل آسمان دوست میدارند خدا از
عالمیان هیچ کس را بآتش جهنم عذاب نمیکرد پس عمر علیه اللعنة ساکت شد گویا که سنگی بدهانش
گذاشتند فصل سیم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن مشهور میان
علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث آنست که مکروه نیست
مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و در آنجا نیز تجویز واقع شده
است و در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که رسول خدا صلعم هر کس را

کرد کسی را که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد در خواب بیم
آن است که دیوانه شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که در خانه تنها بخوابد بگوید اللهم آنس
وحشتی و اعنی علی وحدتی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از خوابیدن
بر بامی که دیوار نداشته باشد و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی بر بامی تنها
نخوابد یا در بامی که دیواری نداشته باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساوی اند پرسیدند
که اگر یک طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود که نه بلکه چهار طرف دیواری باید داشته باشد
و در بعضی روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار [illegible] بام دو ذرع است و در بعضی
احادیث یک ذرع و یک شبر هم وارد شده است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خوابیدن
بر سر قبر و از حضرت رسول صلعم نهی وارد شده از آنکه کسی که دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد و اگر
چنین کند شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و ملامت نکند مگر خود را و فرمود که اطفال خود را بعد از
خواب که میخوابانید دست و دهانش را بشوئید که شیطان آنرا میبوید و در خواب میترساند
و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بجامه خواب داخل شود دامن جامه
خود را بر رخت خواب بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و باو ضرر نرساند و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است که باید پیش از خواب بیت الخلا رود و بعد از آن

و بعد از آن

و بعد از آن بخوابد **فصل چهارم** در سایر آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست
تکیه بخوابد و دست راست را بر زیر سر گذارد و بر پشت خوابیدن و برو خوابیدن مکروه است چنانچه
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده های ایشان
بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود میباشند و مؤمن بر دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان
و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او
و هر دو دیوانه و مبتلا که باشد برو افتاده میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی برو نخوابد
و هر که را ببیند برو خوابیده است او را بیدار کنید و نگذارید بر آن حال و فرمود که هرگاه کسی اراده
خواب کند باید که دست راست را در جانب راست سر بگذارد بدرستی که نمیداند که از این خواب
بیدار خواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد
شده است **فصل پنجم** در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود و در چند حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر علیهما السلام منقولست که هرگاه کسی دست راست را بر زیر سر بگذارد [illegible]
بخوابد و بگوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری
الیک و الجات ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک و لا ملجا
ولا منجا الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت بعد از آن

تسبیح حضرت فاطمه علیها را بخواند و در حدیث صحیح فرموده که ترک نکنید در وقت خواب این دعا را اعیذ
نفسی و ذریتی واهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان وهامة
ومن کل عین لامة که باین تعویذ میفرمودند حضرت رسول صلعم امام حسن و امام حسین علیهم السلام را
و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون بیزاری
از شرکست و قل هو الله احد نسبت پروردگارست و در حدیث صحیح دیگر فرموده که هر که بعد از جا گرفتن
در رخت خواب سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر الحمد لله الذی
ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر از گناهان
بیرون آید مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره
یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک را موکل گرداند که او را از شر شیطان و هر بلائی حفظ نمایند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که سوره اذا وقعت الواقعه را هر شب پیش از خواب بخواند
روی او مانند ماه شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که سورهائی که در اول آن سبح
و یسبح است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر ع برسد و اگر بمیرد در
همسایگی حضرت رسول صلعم او را جای دهند و در حدیث دیگر فرموده که هر که هر شب این دعا بخواند
تا صبح او را عقرب نیش نزند و او را نگزد اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و

لا فاجر من شر ما ذرا و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب
این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود ان الله یمسک السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و از
حضرت صادق ع منقولست که چون کسی برخت خواب رود بگوید اللهم انی احتبست
نفسی عندک فاحتبسها فی محل رضوانک ومغفرتک وان رددتها
فارددها مؤمنة عارفة بحق اولیائک حتی تتوفاها علی ذلک و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول صلعم در این وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از ان میگفتند بسم الله آمنت
بالله وکفرت بالجبت والطاغوت اللهم احفظنی فی منامی ویقظتی و بعد از آنکه
آیة الکرسی تا هم فیها خالدون بخواند و در حدیث دیگر فرموده که برخت خواب رفتی تسبیح فاطمه
زهرا صلوات الله علیها بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و
ده آیه اول سوره والصافات و ده آیه از آخر سوره صافات بخوان و در حدیث صحیح منقولست
که آنحضرت فرمود بیاموزید بفرزندان خود این دعا را در وقت خواب بخوانند اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه وآله عبده و رسوله

اعوذ بعظمة الله واعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بسلطان
الله ان الله على كل شيء قدير واعوذ بعفو الله واعوذ بغفران الله واعوذ بحمد الله من شر
السامة والهامة ومن كل دابة صغيرة او كبيرة بليل او نهار ومن شر فسقة الجن والانس
ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر الصواعق والبرد اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
وآله الطاهرين ودر حدیث صحیح دیگر فرموده هر که صد نوبت سوره قل هو الله احد را در وقت خواب بخواند
گناه پنجاه ساله اش آمرزیده شود ودر حدیث دیگر فرموده که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی
ودیگر بار آیه شهد الله وآیه سخره وآیه آخر سوره حم سجده را بخواند حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که نگاهبانی او کنند
از او ودور گردانند وسی ملک را امر فرماید که تحمید وتسبیح وتهلیل وتکبیر خدا گویند واستغفار کنند تا بیدار
شدن او وثواب همه از او باشد وبسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که کسی اراده خواب
داشته باشد پهلو را بر زمین گذارد تا بعد از آن گوید اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وخواتیم عملی
وما رزقنی ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله وجبروت الله وسلطان الله ورحمة الله و
رأفة الله وغفران الله وقوة الله وقدرة الله وجلال الله وبصنع الله وارکان الله وبجمع الله
وبرسول الله صلی الله علیه وآله وبقدرة الله علی ما یشاء من شر السامة والهامة ومن شر الجن
والانس ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل

دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم وهو على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم به سندی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله تعویذ است که برای حسنین علیهم السلام
میخواندند وفرموده که چون کسی اراده خواب کند باید که دست راست را بر زیر رو بگذارد وبگوید بسم الله
وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم ودین محمد صلی الله علیه وآله وولایة من افترض الله طاعته
ماشاء الله کان وما لم یشأ لم یکن هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ باشد از دزد واز
غارت خانه وفرود آمدن خانه وملایکه از برای او استغفار کنند وفرموده که هر که قل هو الله احد
در وقت خواب بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک را بر او موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند واز
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه در بهشت از
برای او بنا کند وهر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش آمرزیده شود وبریزد از او گناه چنانکه برگ از
درخت میریزد واز حضرت رسول صلعم منقولست که هر که سوره الهکم التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب
قبر ایمن گردد وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یازده مرتبه قل هو الله احد پیش از خواب
بخواند گناهانش آمرزیده شود وهمسایگانش از بلا محفوظ مانند واگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از
آینده وگذشته اش آمرزیده شود ودر حدیث معتبر دیگر فرموده که هر که در وقت خواب بگوید اللهم انی اشهد انک
انت افترضت علی طاعة علی بن ابی طالب والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن

محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم
صلوات الله علیهم اجمعین اگر در آن شب بمیرد داخل بهشت میشود و در حدیث معتبر دیگر فرموده که هرکه در وقت
خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ
کنند تا صبح و در حدیث معتبر از امیر المؤمنین ع منقولست که هرکه در وقت خواب این دعا بخواند ایمن گردد از
درد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین منقولست که هرکه در وقت خواب این دعا
بخواند پریشان نشود و هیچ گزنده با وضرر نرساند اللهم انت الاول فلا شیئ قبلک وانت الظاهر فلا شیئ
فوقک وانت الباطن فلا شیئ دونک وانت الآخر فلا شیئ بعدک اللهم رب السموات السبع و رب
الارضین السبع و رب التورات والانجیل والزبور والفرقان الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم و از حضرت رسول صلعم منقولست که هرکه در وقت رفتن برخت
خواب سوره تبارک الذی بیده الملک بخواند پس چهار مرتبه بگوید اللهم رب الحل والحرام والبلد الحرام
بلغ روح محمد عنی تحیة و سلاما حق تعالی دو ملک بر او موکل گرداند که نزد حضرت رسول صلعم روند و
بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید که بر او باد سلام و رحمت الهی

فصل ششم

در رفع ترسیدن در خواب و دیدن خواب پریشان و محتلم شدن از حضرت صادق ع منقولست که هرکه در خواب بترسد پس از خواب ده مرتبه
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت پس تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلام بخواند و در طلب الائمه زیاده کرده که آیة الکرسی و قل هو الله احد بخواند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که چون در خواب بترسد یا از دزدی یا بی خوابی بر او مستولی شود این دعا بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار گریه کند این آیه
بر او بخوانند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرکه در خواب بترسد در وقت خواب
سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقولست از برای
ترسیدن شب ده بار این دعا بخواند اعوذ بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شر عباده
و من همزات الشیاطین و ان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه
و جعلنا نومکم سباتا و در حدیث معتبر منقولست که شهاب بن عبد ربه بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که
زنی در خواب می آید و مرا میترساند حضرت فرمود که با خود بردار تسبیحی در رخت خواب و سی و چهار مرتبه
الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده مرتبه بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و له اختلاف اللیل والنهار و هو علی کل شیئ قدیر
و ظاهرا در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیرات میان آنکه سبحان الله را پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن

بجهت رفع احتلام

و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هرکه ترسد که محتلم شود چون بر تخت خواب رود این دعا بخواند اللهم
انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة
والمنام و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق منقولست که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن
پهلو که خوابیده است بپهلوی دیگر بگردد و بگوید انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس
بضارهم شیئا الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله

بجهت خواب پریشان

المرسلین و عباده الصالحون من شر ما رایت و من شر الشیطان الرجیم و در روایت دیگر از آن
حضرت منقولست که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید اعوذ بما عاذت به ملائکة الله
المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباد الله الصالحون و الائمة الراشدون المهدیون
من شر ما رایت و من رؤیای ان تضرنی و من الشیطان الرجیم پس سه مرتبه آب دهن [illegible] و در
روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که دختری دارم که در شب بسیار میترسد فرمود که فصدش
بکن و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد که دخترم در خواب بسیار میترسد و گاهی [illegible] میشود
و اعضایش سست و بی حس میشود و میگویند از تصرف جن است فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با
عسل بپز و سه روز باو بخوران چنین کرد شفا یافت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق
شکایت کرد که زنان در خواب [illegible] حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم

فرمود

بجهت بیداری

فرمود که بمستحقش نمیدهی بعد از آن زکوة را بجهت آنحضرت میفرستاد و آن حال برطرف شد **فصل هشتم**
در دعاهای برای رفع بیداری و بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست
که هرکه در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن
کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا هر وقت که از شب

بجهت بیدار شدن در آخر شب

خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هرکه خواهد از
شب بیدار شود چون بر تخت خواب رود بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک و لا تجعلنی من الغافلین و اقوم
ساعة کذا و کذا یعنی در فلان ساعت برخیزم حق تعالی ملکی را موکل سازد که او را بیدار کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی منقولست که هرکه در شب بیدار شود این دعا بخواند اللهم لا تنسنی
ذکرک و لا تؤمنی مکرک و لا تجعلنی من الغافلین و انبهنی لاحب الساعات الیک ادعوک
فیها فتستجیب لی و اسئلک فتعطینی و استغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
یا ارحم الراحمین که چون این دعا را بخواند حق تعالی دو ملک را بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار
نشود امر کند که آن دو ملک از برای او استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و هر حاجتی که
بطلبد خدا باو عطا فرماید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هرکه اراده کند ساعتی از
ساعات برای عبادت برخیزد خداوند [illegible] که در آن شب اراده او صادق است البته دو ملک

بنویسند که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که بخوابی عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
كل يوم هو في شان و در حدیث دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام حکایت فرمود از بیخوابی برسول
خدا صلعم فرمود که این دعا بخوان یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجسوم العاریة ویا
مسکن العروق الضاربة ویا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة وائذن
لعینی نوما عاجلا **فصل هشتم** در بیان نماز و دعا برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن
از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند بعد از نماز
خفتن غسل کند نیکو تا بعد از آن دو چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند
و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بفرستد و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر روی آن جامه با حلال و حرامی جماع نکرده
باشد و دست راست را بر جانب راست روی بگذارد و صد نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون چنین کند آن حضرت را
در خواب ببیند و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی خواهد که حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب ببیند این
دعا بخواند اللهم انی اسئلک یا من له لطف خفی وایادیه باسطة لا تنقضی اسئلک بلطفک
الخفی الذی ما لطفت به لعبد الا کفا ان ترینی مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد که یکی از مردگان را در خواب ببیند با وضو بر جانب راست
بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها را بگوید پس این دعا بخواند اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان
یعرف منه منک بدات الاشیاء والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما
ادبر منها لم یکن له ملجا ولا منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله
الرحمن الرحیم وبحق حبیبک محمد صلی الله علیه وآله سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین
وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذی جعلتهما سیدی شباب
اهل الجنة علیهم السلام اجمعین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترینی میتی فی الحال التی هو
فیها منقولست که چون حضرت رسول صلعم بر جت خواب میرفتند میفرمودند باسمک اللهم احیا واموت
و چون بیدار میشدند میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور و از حضرت صادق ع
منقولست که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین واله المرسلین ورب المستضعفین
والحمد لله الذی یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر چون این را بگوید حق تعالی میفرماید
راست میگوید بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقولست که چون آنحضرت در آخر شب بر میخواستند بعد
بلند میگفتند اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر
ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة

والروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انی ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی انک انت التواب
الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع منقولست که هر که از پهلو به پهلوی دیگر گردد بگوید الحمد لله والله اکبر و از حضرت امام
علی النقی ع منقولست که چون در میان شب بیدار شوی و از پهلو به پهلوی دیگر بغلطی بگو لا اله الا الله الحی القیوم
وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب العالمین واله المرسلین وسبحان الله رب السموات
السبع وما فیهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و در روایت دیگر
وارد شده است که چون از خواب برخیزد بگوید الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده و دعای
نظر کردن در عقیق و در آداب انگشتر بدست کردن گذشت و سایر دعاها و این باب چون از مقدمات نماز شب است
ان شاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت خواب و این رساله گنجایش بیش از این
نداشت

فصل نهم

در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر منقولست که از
حضرت صادق ع پرسیدند که چه سبب دارد که مومن گاهی خوابی میبیند و چنان میشود که دیده و گاهی خوابی میبیند
و اثری از آن نمی بیند فرمود که چون مومن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه مومن در ملکوت
آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش میشود و آنچه در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است راوی
پرسید که آیا روحش همه بآسمان میرود و هیچ در بدن نمیماند فرمود اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از باب آفتاب
که در آسمانست و روشنی و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلش در بدنست و پرتوی از آن بآسمان

حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین ع منقولست که هر مومنی که بخواب میرود روح او را بر
عروج بسوی پروردگار او میبرند پس آنچه در آنجا میبیند حق است و آنچه در وقت برگردیدن در هوا میبیند خواب
پریشان است راوی پرسید که از حضرت امام محمد باقر ع نقل کرده اند که شیطانی هست که او را هزع میگویند
در هر شب از مشرق تا مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان می
بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نفر از نزد ابی بکر آمدند و مسئله چند سوال کردند و او عاجز
شد حضرت امیر المومنین علیه السلام ایشان را جواب گفت از جمله آنها این بود که پرسیدند که خواب راست و
دروغ چه سبب دارد فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و از برای او سلطانی مقرر ساخته است و سلطان
او نفس است چون آدمی بخواب میرود روح او بیرون میرود و سلطانش در بدن می ماند پس روح میگذرد
بگروهی چند از ملائکه و گروهی چند از جن پس هرچه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب دروغ است
از جن است و در روایت دیگر منقولست که خوابهای مومن صحیح میشود زیرا که نفس او پاکیزه است و نفس و تفتیشش
درست میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست که وحی بعد از پیغمبر صلعم منقطع شد اما
خوابهای راست مانده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهای راست یکجزو از هفتاد جزو پیغمبریست و
در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که رای مومن و خواب او در آخر الزمان بر هفتاد جزو از اجزای
پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که چون صبح میشد حضرت پیغمبر صلعم با اصحاب خود میگفت

اما خواب بشارت دهنده کسی دیده است و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شخصی از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله سؤال کرد از تفسیر آیه کریمه الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة
یعنی آنکسانی که ایمان دارند و پرهیزکارند ایشانراست بشارت در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت
زندگانی دنیا خوابهای نیکوست که مؤمن در دنیا می بیند و بآن بشارت داده میشود و در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مؤمن دوم ترسانیدن شیطان سیم
خوابهای پریشان و در حدیث معتبر منقولست که خوابها دروغ که اثرش ظاهر نمیشود و آن خوابهایست که
در اوایل شب دیده میشود وقت استیلای شیاطین و متمردانست و آنها خیالی چند است که بنزد او صورت
میدهند شیاطین که اصلی ندارد اما خوابهای راست آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که
آن وقت نزول ملائکه است و وقت سحر و آن خواب است صحیح باشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده
یا بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر یاد خدا بجا نیاورده باشد پس آن خواب اگر باین حالت خوابیده باشد
خوابش تعجیل نمی آید و از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول خدا صلعم فرمود که هر که مرا در خواب دید
چنانست که مرا در بیداری دیده است زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از او
صیای من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص من بدرستیکه خواب جزوی است از هفتاد جزو پیغمبری و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمیشود و هر که راستگوتر است

خوابش درست تر است و تحقیق این مقام آنست که چون حق تعالی روح مؤمن را از عالم قدس گرفته است و او را از عالم
ارواح اولیا و انبیا علیهم السلام داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد
شده است که لشکرهای ارواح مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنا میشود با هم
در آن عالم جدا و نفرت داشتند در این مقام نیز یکدیگر را نمی شناسند و از یکدیگر نفرت میکنند و چون بکسب معاصی
آن ارواح مقدسه را در زندان بدن کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند و بانواع تعلق جسمانی و شهوات نفسانی
و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند باین سبب او را از عالم قدس بعدی و غفلتی رو داده و شخصی در این باب اختلاف بسیار است
جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملاء اعلی رو آورده و این تعلقات جسمانی ایشان را از انعام دور نگردانیده است
بلکه با بدن با مردم محشور است و ارواح ایشان با قدسیان ملاء اعلی مشغول بمکالمه و محاوره اند و چون سبح
قدسیان ایشان مشغول سازد و نیاز فاقات ربانی علی الدوام در ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیا
که بالکلیه انعام را فراموش کرده اند و غیر از این نشأت فانیه و لذات دنیه چیزی بخاطر نمیگذرانند و جمعی
از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر غیر از این نشأه را باور نمیکنند و پیغمبران را باو معاد و تکلیف نمایند ایشان
را در دیده و گوش و دل ایشان را مهر زده اند و درهای خیر و سعادت بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند که با وجود
تشبث باین علایق دنیه رتبه تحصیل مراتب علیه بر نداشته اند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند
گاهی گوش دل به شیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت میشنوند زمانی با اعدا و در راه نمایان [illegible] زنده

و زمانی با شیاطین انس مشغول اند بفسق و فجور و گاه بلوث گناه خود می آلایند و گاه با آب تضرع و توبه خود را
تطهیر مینمایند این جماعت چون روح ایشانرا باعتبار اشتغال و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی عظیم از
جناب قاضی الحاجات و انبیا و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس از اشتغال بدنی فی الجمله فراغی
از خیالات فاسده که از راه روز بهای [?] بر او وارد میشد مسدود و [?] فی الجمله او با آشنایان قدیم
یاد می آید و یاد دوستان روحانیان و قدر و سیمای هم زبانی میکند اما در اول شب چون پاره از خیالات
بیداری در ضمیرش حاضر است هنوز رنگهای تعلقات خود پرواز نمیکند و در طیش با آن عالم ناقص است [illegible]
علت شیاطین بر او مسلط میشوند و نقش خیالات شیطانی بیشتر میشود پرواز او بعالم بالا کمتر میشود تا
آنکه چون وقت سحر میشود از مابین آسمان و زمین و هوا و خواهشهای [?] و [?] رنگین [?] بر عرش الهی
بصحبت مقربان فایض گردیده استیلای شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی و ملائکه آسمانی برای تنبیه غافلان و بیدار
کردن خواب غفلت ربودگان و دور کردن عساکر شیاطین و خیالات فرود میشوند لهذا در آنوقت خوابهای
رحمانی می بینند و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فایض میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبه
و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار میکنند و این سبب نماز شب را در آنوقت ساخته و کریمه ان ناشئة
اللیل هی اشد وطاء و اقوم قیلا در شان شب فرستاده اند که حاصل مضمون آنست که عبادتی که در شب کرده میشود
موافقت دل با زبان بیشتر است و گفتار در آن درست تر است و نهی سعادتمندی که قدر آنوقت را بدانند و

دانند از آن نعمتهای بی اندازه را بشناسند و ملائکه را نیز از برد نیع [?] وساوس شیطانی یاور خود کرده اند و روح
مقدس خود را از آلودگیهای تعلقات دنیه پاک کرده اند و بساحت قرب پروردگار خود رسانده اند و در آنوقت
مبارک که هنگام راز و نیاز تقرب است بلحظه فیها پای نیاز خود را هم آواز ایشان کرده اند و قدری قدر خود را
میدانند و اندکی از اصل خود را بیاد آورده و آن جوهر قدسی را با بالهای کم [?] شده و آن طایر عرش آشیان را در قفس علایق
نکرده اند فقنا الله تعالی و سایر المؤمنین لسلوک مسالک المقربین و المقیم [?] عن النوم الغافلین و بدانکه چون این دنیا
رنگارنگ تعلقات جسمانی و تشبیهها الوان نعمتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده و دل او جلوه گر [?] با
وجود عروج بمراتب علیه باز بصیرتش با این خیالات آمیخته لهذا در خواب چیزها بصورت دیگر دیده میشود و هر
چیز را باعتبار مناسبت شکلها و صورتهاست که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصرهای
مونس بمحسوسان سرای غرور بآن مثلها زده اند چون ایشان از معقولات متنزل ساخته اند ایشان بمجردات [?]
است لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماری است
که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان فریفته میشود و در میانش زهر کشنده است و چنانچه علم باعث
حیات [?] تشبیه کرده اند با آب حیات سبب نهایت [?] چنانچه زمین با آب سرسبزی و دلها بعلم است و چنانچه
علم را بار دیگر بنور آفتاب و به چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را برطرف میکند و علم
ظلمتهای شکوک و شبهات و حیرتهای خیالات و ضلالات را زایل میکند و کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا این

امثال مشغول‌اند و سرش همانست که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیز بصورت
نموده میشود و باین سبب خواب محتاج بتعبیر میباشد و کار تعبیر کننده آنست که از آن صورتها بدین صورت
منتقل میشود چنانچه کسی در خوابی می‌بیند که در میان فضلا افتاده است یا دستش بفضلا آلوده است معبر این
میداند که این صورت دنیاست که در پیش مردم آگاه از فضله گندیده‌تر است میداند که مال بدست او می‌آید
یا می‌بیند که ماری متوجه او شده مالی رو باو میکند یا می‌بیند که در میان آهن است علمی او را روزی میدهد و این
علمیست عظیم و مخصوص اولیا و انبیا و اوصیاست و معجزه حضرت یوسف علیه السلام تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام
محتاج بربطی است که این رساله گنجایش آنرا ندارد انشاء الله تعالی در کتب دیگر که در خاطر است اگر خدا خواهد
بر وجه کامل مذکور خواهد شد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فرمود بسیار است که خوابی میبینم
و تعبیر خواب برای خود میکنیم و خواب بهمان نحو که تعبیر میکنیم واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی
در زمان حضرت رسول صلعم شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه‌اش شکست بخدمت حضرت عرض کرد
حضرت فرمود که شوهرت بسلامت می‌آید پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او باز چنین خوابی دید
حضرت تعبیر کرد باز شوهرش بسلامت آمد مرتبه دیگر بسفر رفت و او چنین خوابی دید بمرد شومی برخورد و این
خواب را باو نقل کرد او گفت شوهرت در این سفر میمیرد چنانکه این خبر بآن حضرت رسید فرمود که چرا
تعبیر خوب برای او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که خواب مؤمن

در میان آسمان و زمین در بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر
کند پس بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکن از برای کسی که عاقل باشد و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که خواب را نقل نباید کرد مگر از برای مؤمنی که خالی باشد از حسد و عداوت
و طغیان و در حدیث حسن منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت خوابی دیدم که آفتابی
بر سرم تابیده بود و بدنم نداشت حضرت فرمود که نور ساطعی و دین شاملی بتو خواهد رسید اگر
همه ترا فرو میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت که دیگران بپادشاهی تاویل میکنند حضرت
فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است
از دین حق که در آن امید بهشت علیم میرسانی و در روایت دیگر منقولست که محمد بن مسلم بخدمت
آنحضرت علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که داخل خانه خود شدم دیدم که زنم آمد و کدوهای بسیار گشت و بر سر
من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو که پوشیده باشی در
بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست کدو کفن بمنزله جامه است محمد بن مسلم گفت که در صبح جمعه شد رختهای
نو که در عید میپوشیدم در بر کردم و برون خانه نشستم دختری که گذشت او را طلبیدم و بخانه
بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و بر سر ما آمد آن دختر گریخت و من در خانه ماندم و رختهای
نوم را پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیده ام و بسیار ترسیده‌ام

دائما می داشتم که مرده است اگر دیدم دست در گردن من کرد و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش
هر صبح و شام و از مرگ گریزان مباش اما معانقه مردگان با زندگان علامت طول عمر است که گر
دائما دو چه نام داشت گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین ترا نصیب خواهد شد زیرا که معانقه با هم
نام آنحضرت کرده توفیق زیارت آنحضرت میبابی و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر که در خواب ببیند
کرده حرام است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی دیگر با آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در
دست داشتم فرمود که آهن در سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسری میداد و چون
آهن نداشت خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کرد بعد از آن پرسید که آن نیزه چند بند داشت
گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را
بشخصی نقل کردم او گفت که من یکی از آن دخترانم و یازده خواهرانم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود
چون تعبیر کردم که بدین چشم از خواهد آمد و در حدیث دیگر منقولست که یاسر خادم آنحضرت عرض کرد که در
خواب دیدم که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشها شکست حضرت فرمود که اگر خواب
راست میباید که شخصی از اهل بیت من خروج کند هفده روز پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم
در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز مرد و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمود

فرمود که در خواب دیدم که قدحی پر از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که از ناخنهایم بیرون می آمد پس
که بچه تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب
دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضعی معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیری
در دست داشت و حرکت میداد و من مشاهده کردم ترسیدم حضرت فرمود که دلالت میکند بر اینکه تو میخواهی
بفریبی شخصی را از روزی برادری از خدا بترس و مرگ را بیاد آور و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی می
دهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستی که شخصی از همسایگان من جزو زمین
و گفت مرا زنده دارم بتو میخواهم بفروشم و من چون دیدم مشتری غیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم که
بقیمت بسیار ارزانی بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز کردن و قرآن خواندن و در طلب علم و برای عروسی
که عروس را بخانه شوهرش برند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که بخواب نمیروند کسی که قصد
کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد و کسی که در میان مردم دروغ
و بهتان بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیار از او خواهند و مال نداشته باشد و کسی که محبوبی را خواهد و ترسد
که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمه و الرضوان میفرمودند که ممکن است که این تنبیهی باشد و مراد که خواب غفلت بسیار

میکند زیرا که می باید که همه کس در پی نفس اماره خود باشد که دشمن اندرونیست و پیوسته در پی کشتن اینکس است
و سرمایه ایمان و طاعت اینکس دارد و ایمنی ندارد و نفس و شیطان و هوا و شهوات همه اتفاق کرده اند
بر غارت آنها و دروغ و بهتان آنچه اکابر بسیار گفته است همه کس طاعات و بندگی را بسیار میخواهند و [illegible]
باید تحصیل کرده اند و چون خدا محبوب دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسی این همه

کسی

اسباب بیداری او باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق ع منقولست که عجب دارم از کسی که دعوی محبت الهی
میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که از شبیخون عذاب حق اندیشه کند باید که
کم خواب کند و منقولست که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مادر حضرت سلیمان ع با او گفت که زنهار زیاده خواب مکن که بسیاری
خواب شب آدمی را فقیر میگرداند و از حضرت صادق ع منقولست که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن
بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیز خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند
به شش چیز بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که شیطان را سرمه ایست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی است که در حلق مردم میکند و
سعوطی است که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پر خوابیست و لعوقش دروغست و سعوطش تکبر است و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست فرمود که مستی از چهار چیز است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی

و از حضرت

و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت موسی مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از بندگان خود را
دشمن بیشتر میداری خطاب رسید که آنکسی که شب تا صباح مانند کسی که مردار افتاده است و روز را به بطالت
بشب میرساند و از حضرت امام موسی ع منقولست که دیده خود را بخواب عادت مده که عضوی در بدن از او شکر
کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق ع فرمود که خدا دشمن میدارد بسیار خواب کردن و بسیار فارغ بودن و فرمود
که بسیار خواب دنیا و آخرت را میبرد و بدانکه بسیار بیداری کشیدن هم مذموم است و در غیر شبهائی که مخصوص احیا
وارد شده در تمام شب هم بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که دیده ها را از تو حقی است
به بسیار بیداری حق او را ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهت
دارد چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کسی در آفتاب نشیند وقتی که پشت را بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن درد
های پنهان را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب منشینید که مورث بیماریهاست و رو را متغیر میکند
و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرون را از آن ظاهر می آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در آفتاب
چهار خصلت است رنگ را تغیر میکند و آنکه بدن را بو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود **فصل**

متغیر

یازدهم در آداب بیت الخلا رفتن چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر دستار یا عمامه چیزی دیگر
بر سر کرده است و بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بسم الله و بالله اللهم انی اعوذ بک
من الخبیث المخبث الرجس النجس الشیطان الرجیم و دیگر بگوید بسم الله و بالله و لا اله الا الله

حسبته

رب اخرج عنّی الاذی سرحا بغیر حساب واجعلنی لک من الشاکرین فیما تصرفه عنّی من الاذی والغم

عنّی هلّا لک الحمد اعصمنی من شرّ ما فی هذه البقعة واخرجنی منها سالما وحل بینی وبین الطاعة

الشیطان الرجیم و چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثی بنظر رسیده است و چون عورتش

باز شود بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر بندد و نظر بعورت نیفکند و چون در بیت الخلا نشیند بگوید اللهم اذهب عنّی

القذی والاذی واجعلنی من المتطهرین و بعضی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کنند و پای راست را

کشاده گذارد و مستندش بنظر نرسیده و چون غایط یا بول بدشواری بیرون آید بعضی گفته اند که مطلقا این

دعا بخواند اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منّی خبیثا فی عافیة و در حدیث است

که بر هر بنده فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازند در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته

میگوید ای فرزند آدم این عاقبت خورش تست که سعی بسیار در خوب و پاکیزه کی آنها میکردی پس فکری

کن که از کجا بهم میرسانیدی و عاقبت بکجا رسید پس اولی آنست که در آنحال بنده این دعا بخواند اللهم ارزقنی

الحلال وجنبنی الحرام و چون نظر بآب استنجا افتد بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا

و چون خواهد که استنجا کند بگوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار ووفقنی لما یقربنی منک

یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد دست بر شکم مالد و بگوید الحمد لله الذی هنأنی طعامی وشرابی

وعافانی من البلوی و چون خواهد که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنا بر مشهور و دست بر شکم مالد

وبگوید

وبگوید الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج عنّی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر

القادرون قدرها و در بعضی سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع قطرات

بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را از نزدیک مقعد

که ابتدای عورتست بکشند تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهاده را در زیر ذکر گذارد و انگشت مهین را در بالای

آن و بعورت بکشند تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را سه مرتبه بیفشانند و این مستندی ندارد و

سنت است استنجا بآب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن بیت الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا باستخوان

و سرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلعم آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعام

می طلبیدند حضرت از برای ایشان استخوان و سرگین را قرار داد بدین سبب استنجا باستخوان و سرگین را ترک

کردن خوبست و همچنین استنجا بسایر مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترم

مثل تربت حضرت امام حسین و نوشته که در آن نام خدا یا آیه از قرآن یا نام پیغمبران یا ائمه علیهم السلام

یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است اگرچه بر وجه استخفاف میکند کافر میشود و استنجا بدست راست اگرچه مطلق

مکروه است و بدست چپ هم مکروه است در صورتی که در آن دست انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد والحال کرده اند

علما اسماء انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام که هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشند مکروه است که با خود به بیت الخلا برند

چنین انگشتر را هر چند در انگشت نباشد و همچنین با خود قرآن و تعوید و دعا با خود بردن و نقره سکه دار

مگر آنکه در کرب باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که باعث گند دهان میشود و مکروه است حرف گفتن در آن حال
مگر بذکر خدا و دعاهای مقرر و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه باذان میگوید یعنی آنگفتن چنانچه منقولست که
حضرت موسی ع در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که در آن حال ترا بزرگتر میدانم که ترا یاد
کنم فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و واجب است رد سلام با آنکه حرمت
رسول صلی الله علیه و آله بشنوند صلوات بفرستند بر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کنند حمد بگویند و صلوات
بفرستند و جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد تا بیرون آید فوت شود باشارت
دست و نتواند اعلام تواند کرد سخن بگوید و منقولست که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش بر آورده نشود
و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط کردن و استنجا با آبی کردن که بویش متغیر شده
باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافت نشود **فصل دوازدهم** در بیان احوال و اوضاع و مکانهایی
که نهی از آنها وارد شده است و واجب است که عورت خود را از نامحرم بپوشانند از زن و مرد خود و از هر کسی
که وطی تواند کرد و از اطفالی که تمیز داشته باشد و سایر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن
سنت است که تمام بدن را بپوشانند یا آنکه پنهان شود در خانه یا کوی که در صحرا باشد دور شود که کسی
عورت او را نبیند و اکثر علما برآنند که حرامست رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط
خواه در صحرا باشد و خواه در بنا و احوط اجتناب است چنانچه حضرت امام رضا ع فرمود که هر که برابر قبله بول کند از

روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از آنجا برخیزد مگر آنکه حق تعالی
او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو بقبله نکند و سنت است که رو بمشرق یا مغرب کند و احوط
آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند بمعرفت قبله تا
خاطر جمع شود که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت اگر پشت بقبله کند بهتر است
و سنت است که از جهت بول و جای بلندی یا جایی که خاک بسیار داشته باشد برود که خاطر جمع باشد که بول
ترشح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که از همه کس بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن
بول و کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده نیز بول کردن مکروه است و در احادیث
معتبر تجویز بول کردن در آب روان وارد شده است و نیز وارد شده است که در آب ایستاده بول کردن باعث
تسلط اجنه و شیاطین میشود و موجب دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکنند
و ایستاده بول کردن بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بجز بول کردن مکروه است و مکروه است
بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته باشد و
همچنین در میان راهها و کنار آبها و در مسجدها و نزدیک دیوارهای مسجدها و در خانها و جایی که مردم
بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتی که میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در
آن وقت با آن درخت میباشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه

مکروه است و در جاده ها مردم غافله فرود آیند و جائی که مردم از آن متأذی میشوند از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی لعنت کرده است کسی را که غایط کند در سایه که قافله آنجا منزل میکنند و کسی که
مردم را منع کند از آب مباحی و بر جاده ها و چشمه های مردم که بنوبت بر آن وارد شوند یا آبی که ملک جماعتی
باشد و هر روز و هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را منع کند و کسی که راه شارع مردم را تنگ کند بدیوار کشیدن
یا راه تنگ کردن یا رشوه گرفتن

باب نهم

در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و منافع بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز

فصل اول

در ثواب بیماری و صبر کردن در آن و بیان شدت ابتلای
مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جانب آسمان بلند
کردند و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که بر زمین فرود آمدند
و بنده مؤمن صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند او را در جای نمازش نیافتند
باسمان رفتند گفتند پروردگارا فلان بنده ترا در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم و او در بند بیماری است
حق تعالی فرمود که بنویسید برای بنده من مثل آنچه در حالت صحت از افعال خیر در شبها و روزها میکرده است مادام
که در بند من است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مؤمن را ضعف پیری غالب شود
حق تعالی امر میفرماید که آنچه در جوانی و قوت میکرده است از کارهای خیر برای او بنویسید و همچنین ملکی را موکل میکرده اند که برای او
بنویسید آنچه در حالت صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر در حال بیماری بنویسید آنچه در صحت میکرده است از کارهای بد

و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بیداری یک شب در بیماری بهتر است از عبادت یکساله
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن نمی نویسند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بنده که بیماری بکشد طغیان هم میرساند و چیزی نیست در چنین بنده
و در حدیث دیگر فرمود که تب یک شب برابر است با عبادت یکسال و تب دو شب برابر است با عبادت دو سال و تب سه شب برابر است
با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تب یک شب کفاره گناهان گذشته و آینده است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که یک شب بیماری بکشد و با صبر بعیادت کنندگان
شکایت نکند بدل میکنم برای او گوشتی بهتر از گوشتش و خونی بهتر از خونش و اوپس اگر عافیت دهم از گناهانش پاک
میکنم و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود میبرم او را و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یک شب بیماری بکشد
و قبول کند آنرا آنچه شرط قبول کردنست یا آنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده است و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی
بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حد شکایت آنست که بگوید
در شب خواب نبردم یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید به بلائی مبتلا شده ام که هیچکس بآن مبتلا نشده و از آنحضرت
رسیده بهیچکس نرسیده است و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول مرگ است و زندان خدا است در زمین
و گرمیش از جهنم است و بهره مؤمن از جهنم همینست و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که نیکو دردیست تب
بهر عضوی میرساند بهره از بلا و خیری نیست در کسی که به بلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است که مومن چون

میکند گناهان او میریزد چنانکه برگ از درخت میریزد و اگر در وقت خواب بغلتد ناله اش ثواب سبحان الله دارد
و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو که میگردد مانند کسیست که در راه خدا شهید شده باشد و از حضرت
امام رضا ع منقولست که بیماری برای مؤمن پاک کننده اوست از گناهان و رحمتی است از برای او و
برای کافر لعنت و عذابست و فرمود که یک شب درد سر هر گناهی را بر طرف میکند مگر گناهان کبیره و از حضرت
صادق ع منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه برای او میفرستد یا تب یا درد سر یا درد
چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که بلای پیغمبران از همه کس شدید تر است پس بعد از ایشان
اوصیای ایشان و بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضل تر است بلایش عظیم تر است و مؤمن بقدر ایمان
و اعمال نیکش بلا باو میرساند پس هر که ایمانش صحیح تر است و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است و
هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست
که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا میگرداند و فرمود
که حق تعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین نمیفرستد مگر آنکه او را از ایشان میگرداند
بسوی غیر ایشان و بروایت معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حق تعالی هر بنده را دوست میدارد
او را در بلا غوطه میدهد و میریزد بر او بلا را بسختی پس اگر خدا را برای رفع آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید
که لبیک ای بنده من و اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای تو بهتر است

از برای تو بود و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که مؤمن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد
که اندوهگین میشود بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلتی هست
که هیچ کس بآن منزل نمیرسد مگر آنکه بلائی به بدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب
برای او هست هر آینه آرزو میکند که بدنش را بمقراض پاره کنند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خداوند
عالمیان یاد میکند بنده مؤمن را به تحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود میفرستد و او را پرهیز میفرماید
از دنیا چنانچه بیمار را طبیب پرهیز میفرماید از چیزهائی که باو ضرر میرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بخانه خود طلبید چون حضرت داخل خانه او شد دید که مرغی در بالای
دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد بر روی میخی که در میان دیوار بود و بند شد نیفتاد و نشکست حضرت تعجب نمود
آن شخص گفت که از این تعجب مینمائی بحق آن خدائی که ترا براستی فرستاده است که هرگز ضرری بمن نرسیده است حضرت برخاستند
و طعام آن شخص را تناول نفرمودند و گفتند که هر که نقصانی باو نرسد امید خیری در او نیست و در حدیث دیگر فرمودند
که خدا مؤمن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی میمیراند اما عقلش را بر طرف نمیکند نمی بینی که شیطان را بر مال و اهل
و فرزندان حضرت ایوب مسلط کرد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را یگانه میشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مؤمن در دل چیزی میبافت هر آینه عصابه بر سر کافر میبستم که هرگز درد
سر باو نرسد **فصل دویم** در آداب حجامت بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که دوا چهار چیز است

ودارو در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت گذشتند بجماعتی که حجامت میکردند

فرمود که چه میشد شما را که تاخیر میکردید تا بیستم روز یکشنبه که در آن ماه بیشتر از بدن میکشد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت

رسول صلعم در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند فرمود که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه درد را از

بدن میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی ع در روز جمعه حجامت میکردند

گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنید حضرت فرمود که هرگاه خون بر تو زیادتی کند شب و خواه روز آیة

الکرسی بخوان و حجامت کن و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم ماه یا

بیست و یکم ماه او را امان دهد از دردهای یک سال همه و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی

و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی النقی ع در روز چهارشنبه حجامت میکردند

گفت اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت میکند پیس

میشود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که مادرش در حیض باو حامله شده باشد

و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد حجامت کند باید که روز پنجشنبه حجامت کند بدرستی که در هر شب روز

جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر میگردد تا صبح روز پنجشنبه هر که حجامت کند در روز

پنجشنبه آخر ماه در اول روز دردها را از بدن میکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل

حجامت بیرون آید پیش از آنکه [illegible] را بر بزند بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من [illegible] الدم

میکنند

من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم حجامت در سر و در میان دو کتف و پشت گردن میکردند

و یکی را نافع مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده بلاها و در روایت

دیگر فرمود که منقذه آنستکه از زیر پی شیر کنی بجانب بالا و بهر جای سر که برسد در آنجا حجامت کنی و در

روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت میکردند تب بر طرف نشد لهذا

در روز جمعه حجامت کردند تب بر طرف شد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در آخر روز چهارشنبه

حجامت کند برای درد عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سفید نشود و در روایت دیگر

منقولست که حضرت صادق ع بعد از عصر حجامت میکردند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حجامت کردن

بدن را صحیح میگرداند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسیست و در روز

جمعه خوبیست ساعتی استکه در آن ساعت هر که حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که در روز سه شنبه روز

خون گرفتن نیست و در روایت دیگر از حضرت رسول صلعم نهی وارد شده است از حجامت کردن روز چهارشنبه

و از حضرت امام موسی ع منقولست که روز پنجشنبه حجامت مکنید بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که اگر در چیزی شفا است در شکافتن حجام و خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتیست حجامت دیده را جلا میدهد

و دردها را میبرد و حضرت صادق ع فرمود که جبرئیل از برای حضرت رسول صلعم مسواک و حجامت و خلال و روغن

در فقه الرضا مذکور است که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ

و دیگر

چهار

خلال

بالله الکریم فی حجامتی من عین والامم ومن کل سوء واعلالی ولمی اوفق واسقامی واوجاعی
واسئلک العافیة والمعافات وشفاء من داء و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت صادق علیه السلام
عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود
که هرگاه کسی زیادتی خون در خود یابد البته حجامت کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذر
ماه رومی که اول ماه بهارست اگر حجامت کنند باعث صحت بدن میشود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر آنکه پناه بحجامت میبردند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت
سر شفای دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باول محجمه که از خون او بیرون آید امان
یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلعم حجامت میکردند
باب سرد غسل میکردند که حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و سلم اول ترک حجامت
میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث صحیح دیگر مرویست که حضرت صادق
علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سرا پرچه فته با نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون
صافی متولد میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقولست که انار شیرین بعد از حجامت کردن
خون را ساکن میکند و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در روز شنبه
حجامت کردن باعث ضعف میشود و [illegible] دیگر شنو خوب بسیار بود که حضرت امام [illegible]

خون بیرون رفته در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ماه مبارک رمضان بعد از آنکه
حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت [illegible] در روز دوشنبه است و فرمود که زینهار که ناشتا حجامت
نکنند اما اگر چیزی بخورد بهتر باعث بیرون آمدن خون و قوت خون میشود و فرمود که چون بعد از
اکل باشد خون جمع میشود و فاسد خون را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون میرود و
خون فاسد میماند و زید شحام گوید که در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود
را بشو و بعد کن پس اناری طلبیدند و تناول فرمودند چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول
فرمودند و گفتند که خوردن انار در آنوقت صفرا را می نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر پرسیدند که
مردم بعد از حجامت چه چیز میخورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که اگر کسی خواهد که حجامت کند در روز شنبه بکند و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای هر درد است
و در روایتی وارد شده نباید حجامت کردن در روز چهارشنبه که هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود پس
حجامت را پیش از ظهر باید بکنند و در حدیث دیگر نهی فرموده از حجامت کردن وقت ظهر جمعه و از حضرت امام موسی
علیه السلام منقولست که روز هفتم ماه حزیران رومی که اول ماه تابستانست حجامت بکن و اگر نشود در
چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آورید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله

منقولست که حجامت در کوپشت سر موجب غلبهٔ فراموشیست و از حضرت صادق علیه منقولست که حجامت سر بزیاد
رسنده است و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو در بیشتر کردن بحجامت دست به
انجا انگشت رساند و نشان کردن و حجامت چپ یدکرده و در روایت دیگر منقولست که در روز شنبه ساعتی هست
که اگر در آن وقت حجامت اتفاق افتد خون بند نشود تا بمیرد و فرمود که هرکه در وقت روز جمعه حجامت کند بلا
باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان و هر روز که خواهی حجامت کن و
فرمود که حجامت سر نافع است از برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم
و درد سر و بسیار خواب فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه او را حجامت کنید در کوشت سر که
لعابش خوش میکند و حرارت را از بدنش میکشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام طبیبی را طلبیدند
و فرمودند که رگ کف دست را بگشا و منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد
جگر حضرت او را فصد یا فرمود و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمود که هر ماه سه روز حجامت
کن در پشت پا و در میان کعب و شخصی دیگر بحضرت امام موسی علیه شکایت کرد از جرب فرمود که فصد
پای راست بکن و بعد از فصد روغن بادام شیرین بر روی [illegible] بریز و کن و ماهی و سرکه مخور و شخصی
دیگر بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که رگ کحل بگشا

فصل ستیم

در بیان انواع آدابی که از ائمه علیه السلام روایت شده و در بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که

و در روایت دیگر دواست لیس درد و مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و دوای خون حجامت است و دوای مره
مسهل است و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از دوای پیغمبر است حجامت کردن و نوره
کشیدن و دوا در بینی چکانیدن و حقنه کردن و از حضرت امام محمد باقر منقولست که بهترین دوا [illegible]
و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و بحمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است
و آخر دوای ایشان داغ کردنست و در حدیث دیگر فرمود که اطبای عربان در هفت چیز است حجامت
و حقنه و دوا در بینی کردن و بحمام رفتن و قی کردن و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ است و از حضرت
صادق علیه منقولست که حقنه کردن از جمله دواهای عظیم است و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا [illegible]
و دوا را مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و قی و دوا در بینی چکانیدن
و آخر دوا داغ نمودن است و از حضرت امیر المؤمنین علیه منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که بهترین چیز
که بدن را بدو اکند حقنه است شکم را فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و
فرمود که روغن بنفشه را در بینی بچکانید و در او آثار [illegible]
خواننده [illegible]
و در دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی آب بخور و هرگاه بول آید بول بکن و تا ضرور نشود جماع مکن
و هرگاه ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح باشد همیشه و فرمود که [illegible]

فوائد حقنه کردن

دارد تاثیر کردن تا وقتی که مقدر شده که آنحضرت تا آنوقت تاب شد و چون آنوقت و مدت منقضی شد بلا او
رخصت اثر رسید بود و بآن دوا شفا میابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کار با خیر کند که رخصت
پیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در عسل شفای هر دردیست که هر که یک انگشت
عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی میکند
هرگاه با کندر بخورد و آب سرد حرارت صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاقی که در معده
است میکند از دو تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند ما للمیان بدن است و جامهای نرم
پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مالند که کنند زنده شود و بعید نیست تصدق بلاهای
آسمانی را دفع کند و قضاهای محکم را برطرف میکند و فرمود که چاره چیزی نمیبرد مانند تصدق و دعا و آب سرد و فرمود
که منتهای پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست که کم بخورد و فرمود که
صحت و مرض و رسیدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار شفا یابد
می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه که طعام بطلبد بدهید که شاید شفا یابد در آن باشد و
فرمود که شفای هر درد در قرآن هست پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا کنید از قرآن
که هر که از قرآن شفا نیابد هیچ چیز شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که دو دردندان
خود یابد و چراغ را بر فراخ خود غالب باید بآن نان جامع نماید که حرارت او را فرو می نشاند و از حضرت صادق

منقولست که عامه دردها و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاده شده پس باید که آدمی تعهد
احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شوند و او را هلاک کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
باسانید معتبره از آنحضرت منقولست که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق دفع میکند
بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق مرضهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقولست که
شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق
که هیچ چیز بهتر از تصدق نفع نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
باو فرمود که از زن خود بگیر درهم از مهر که باو داده بطلب که به تو بخشد و عسل بگیر و بآب باران بخور آن شخص
چنان کرد شفا یافت از سبب آن پرسیدند حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود چیزی به شما بخشند
بخاطر خوش بخورید که گوارا و عافیت نیکو دارد و عسل میفرماید که در آن شفاست از برای مردمان
و در باب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آب مبارک پس در اینجا گوارائی و حسن عاقبت و برکت
همه جمع شده و در حدیث دیگر منقولست که مرد پیری بحضرت علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم که اطبا بر آن
شراب گفتند امر فرمایند حضرت فرمود که دوای خود مکن از آنچه خدا حرام کرده است که همه چیز بآن زنده است
گفت با من موافقت نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا فرموده است که شفای مردمان گردانیده است گفت
بستم نمی آید که چرا شیر نمیخوری که استخوان پیشت بدان پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود که چرا نمی

نماز خفتن هم که شراب بخوری و اینکه هرگز نکنم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که راه رفتن بیمار عیب است
نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا
ایشانرا امساک و پرهیز امر میکنند فرمود که ما اهل بیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد
گفت که چرا از خرما امساک میکنید فرمود که برای آنکه حضرت رسول صلعم حضرت امیر المؤمنین عم را در بیماری از آن
امساک فرمود و در روایت دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز امساک و پرهیز میباید بیمار را فرمود که
تا ده روز و در روایت دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که پرهیز آن نیست که در اصل چیزی نخوری بلکه آنست که کم بخوری و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن عمران مناجات کرد که پروردگارا درد از کیست
خطاب رسید که من پس پرسید که دوا را که میدهد خطاب رسید که من پرسید که چه میکنند مردمان این حکیمان را خطاب
رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح دیگر منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام
سؤال کرد از داغ کردن بیماران و دعا و افسانه ها بر ایشان خواندن فرمود که باکی نیست و داغ کردن و
که معتبر است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و معالجه میکند
او میروم و براو سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست و دعا و سلام تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر
که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردنست که اکثر اوقات بسیار میکشد و از حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام منقولست که مسلمان باید که دوا نکند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
صحتش بر بیماریش غالب باشد با معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد
اعانت بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند معالجه طبیب یهودی یا نصرانی
عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا میخورد
گاه هست که او را میکشد و گاه هست که او شفا می یابد اما بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حق تعالی دوا
فرستاده است و شفا را میفرستد و هیچ دردی را خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است بخورد و نام خدا
را ببرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند از مردی یا زنی که چشمش آب سیاهی آورده و اطبا میگویند که بیا
تا میل بزنیم میباید که یکماه چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و با این حال نماز را چگونه باید کرد حضرت فرمود
که چون مضطر است باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد و گفت دوا نمیکنیم
تا آنکه همراه درد داده است شفا بدهد حق تعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا نمیدهم و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی عرض کرد بآنحضرت که من جراحتی را میبرم و داغ میکنم باتش فرمود که باکی نیست گفت دوا را
تلخ که سمیت دارد میبرم و میدهم مثل زرقون فرمود که باکی نیست گفت گاهی هست که میمیرد فرمود هر چند که بمیرد
باکی نیست گفت گاه هست که شراب کهنه و نبیذ میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفا نمیباشد و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بآنحضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رنگهای بدنش منقطع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود

کو بگیند و در حدیث دیگر عرض کردند که کسی داغ میسوزاند بر بدن و کاه هست که او را میکشد فرمود که بخورد شخصی در
در زمان حضرت داغ سوزاند و حضرت بر بالای سر کسی ایستاده بودند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی
بن جعفر علیه السلام منقولست که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در بدن دردی برانگیزد و هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که
محتاج نشوی بتصرف در بدن نکنی **فصل چهارم** در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که ما اهل
بیت نیلکیم مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تب از بوی جهنم است
فرو نشانید حرارت او را باب سرد **و در رضا** آنحضرت فرمود که برای دفع تب هیچ چیز بهتر و نافع تر از دعا
و آب سرد نیست و از افضل منقولست که بخدمت آنحضرت رفتم در ایام تابستان و آنحضرت را تب شدید دیدم
طبقی گذاشته است پر از سیب عرض کردم که مردم این را بد میدانند از برای تب فرمود که این تب را بر طرف
میکند و حرارت را فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقدار ده درهم قند با آب سرد بخورند ناشتا رفع تب میکند
برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که روزی رسول خدا صلعم بخانه حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام آمد و آنحضرت تب داشت فرمود که سنجد تناول فرماید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که خارج شدن
بدن و غلبه خواب و درد سر و شور پا و دنبلها علامات زیادتی خونست و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که انگشت کوچک تب را بخفته و آب سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب سرد بریزید و فرمود که باد ها اهل
چت کردن شفاست از تب و جمیع دردها و وسواس شیطانی و فرمود که بگریزید از باران که بدن شما را پاک میکند

دفع تب

دو درد ما را دفع میکند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسیدند که شما بیماران
خود را بچه دوا میکنید گفت باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد
بر آن بریزید و باو بخورانید که آن خداوند که شفا در تلخ قرار داده است در شیرین هم شفا نهاده و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب
میکند و در حدیث دیگر فرمود که دو ماه بیمار کشیدم خدا مرا الهام کرد که برنج بخورم تا صحت یافتم و انگشت را بر روی آتش
بو داده اند و در آسیا خورد کرده اند و پاره را سفوف کردم و پاره در میان آب کردم و خوردم و فرمود
که تب برای الله و پیغمبران و خویشان دیگران سیاه شده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ابراهیم علیه السلام شکایت
کرد از تب ربع حضرت فرمود که نبات یا قند را بسا و در میان آب بریز هر وقت احتیاج باب
خوردن شود ناشتا بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که در معالجه
تب ربع گشنیز عسل و سیاه دانه با هم ممزوج کن و به انگشت بخور که این هر دو مبارکست و خدا عسل را
فرموده که شفاست و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که در سیاه دانه شفای هر درد است مگر مرگ و از حضرت امام علی النقی
علیه السلام منقولست که چیزها برای تب ربع آنست که در روز نوبه پالوده با عسل و بسیار زیره بخوران
بسیار و در آن یکی دیگری و در آن روز غیر آن چیزی نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این
تعویذیست که از برای شیعیان ادریس یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا
اله الالهة و یا ملک الملوک و یا جبار السموات والارض اشفنی و عافنی من دائی هذا

فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک سه مرتبه [illegible]

شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را تب شدید

برای تب

عارض شد جبرئیل علیه السلام آمد و این عوذه را بر آنحضرت خواند در ساعت زایل شد بسم الله ارقیک

بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعنیک بالله والله شافیک بسم الله خذها

فلتهنئک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و در حدیث

معتبر منقولست که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود مگر آنکه درد ساکن میشود

در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یکماه است که تب میکنم و آنچه

اطبا بعمل آوردند برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان خود داخل

کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت چنین کردم گویا که از بند رها

شدم و در حدیث دیگر منقولست که یکی از فرزندان آنحضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ

مؤمنی نمیگوید مگر آنکه حق تعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر که را علتی عارض

شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند که من ضامنم که این علت برطرف

برای بیماری

شود و در حدیث معتبر دیگر منقولست از داود بن زربی که گفت بیمار شدم در مدینه به بیماری شدید

چون این خبر بحضرت صادق علیه السلام رسید بمن نوشته که یکصاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز

[illegible]

و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت

له فی الارض و جعلته خلیفتک فی خلقک ان تصلی علی محمد و علی اهل بیته و ان تعافینی

من علتی پس بر پشت بنشین و گندم را جمع کن و باز این دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کند و هر حصه را

بیک فقیر بده و باز این دعا بخوان داود گفت که من چنان کردم گویا که از بند رها شدم و بسیاری کس

برای بیماری

این عمل کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون بیماری روی بهم برد

بگو اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من شر کل عرق و من شر حر النار و در حدیث

دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی بخوان پس با انگشت شهادت بر پهلوی بیمار

بنویس اللهم ارحم جلدة الرقیقة من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت بالله والیوم الاخر

فلا تاکل اللحم و تشرب الدم ولا تنهکی الجسم ولا تصدعی الراس وانتقلی عن فلان بن فلان

و نام او و نام مادرش را بنویسد الا من یجعل الله الها آخر لا اله الا الله تعالی عما یشرکون

علوا کبیرا و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامه بگوید و سوره

حمد و معوذتین و سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله و عظمة الله و سلطان

الله و بجمال الله و بجمیع الله و برسول الله و بعترته صلی الله علیه و علیهم و بولاة امر الله من

شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اللهم اشفنی بشفائك وداونی بدوائك وعافنی
من بلائك ودر روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که تبم بسیار بطول انجامیده فرمود
که آیة الکرسی را بظرفی بنویس وبآب حل کن وبخور ودر بعضی از کتب معتبره منقولست بنویسد بسم الله
وبالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر
من شر ما خلق وذرء وبرء ومن شر الهامة والسامة والعامة واللامة ومن
شر طوارق اللیل والنهار ومن شر فساق العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ومن
شر الشیطان وشرکه ومن شر کل ذی شر ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم ربنا علیك توکلنا والیك انبنا والیك المصیر یا نار کونی بردا او
سلاما علی ابراهیم فارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین بردا وسلاما فلان بن
فلان نام بیمار ومادرش بنویسد ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا
اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا
واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی الله لا اله الا
هو فاتخذه وکیلا وتوکل علی الحی الذی لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده خبیرا
بصیرا لا اله الا الله والله اکبر وحده لا شریك له صدق وعده ونصر عبده واعز

بجهت تب

جنده وهزم الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا
ورسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم الغالبون ومن یعتصم بالله فقد هدی
الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین واز سلمان فارسی رضی الله عنه منقولست
که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله بده روز از خانه بیرون آمدم ودر راه حضرت
امیر المؤمنین ع را ملاقات کردم وفرمود که برو بنزد حضرت فاطمه علیها که تحفه از بهشت برای او آمده
است ومیخواهد بتو عطا فرماید تعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم گفت دیروز درهمین موضع نشسته بودم
ودر خانه بسته بود وغمگین بودم وفکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما ونیامدن ملائکه
بسوی ما ناگاه دیدم در گشوده شد وسه دختر باندرون آمدند که کسی بحسن وجمال وطراوت وخوبی
ایشان ونزاکت هرگز ندیده بود چون ایشانرا دیدم برخواستم وسؤال کردم که شما از اهل مکه
آمدید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر رسول خدا صلعم ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار از غرفات بهشت
جاوید بسوی تو فرستاده وبسیار مشتاق توایم از یکی که بزرگتر ایشان مینمود گفتم چه نام داری گفت
مقدوده گفتم بچه سبب ترا این نام کرده اند گفت بجهت آنکه برای مقداد اسود خلق شده ام
پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری گفت ذره نام دارم از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که
برای ابوذر غفاری خلق شده ام واز سیم پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم

گفت زیرا که از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که
پس از برای من رطبی چند چیدن آوردند مانند کردهای نانهای بزرگ از برف سفیدتر از مشک خوشبوتر
پس سلمان گفت که فاطمه یکی از آن رطبها بمن داد و فرمود که امشب با این افطار کن و فرمود که استخوانش
را از برای من بیاور پس رطب را گرفتم و بیرون آمدم و بهر جمعی از اصحاب رسول صلعم میرسیدم میپرسیدند
که ای سلمان مشک همراه داری گفتم بلی پس چون وقت افطار شد افطار کردم هیچ استخوان نداشت
روز دیگر بخدمت حضرت فاطمه علیها رفتم و عرض کردم که این رطب هیچ استخوان نداشت فرمود چون استخوان داشته باشد
حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده که حق تعالی او را در بهشت غرس فرموده است پس التماس نمودم که آزار
تب از آنحضرت دعائی درخواست نمودم فرمود که پدرم صلی الله علیه وآله دعائی بمن تعلیم کرده است هر صبح و
شام میخوانم سلمان گفت ای سیده این دعا را تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی که در دنیا باشی و آزار
تب نیابی بر این دعا مواظبت کن و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله النور النور بسم الله
نور علی نور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور من النور و انزل النور
علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی النبی المحبور الحمد لله الذی هو
بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا و آله الطاهرین
پس سلمان گفت این دعا را بهزار نفر از اهل مکه و مدینه تعلیم نمودم و همه از تب نجات یافتند و در حدیث مشهور است

النور

شخصی از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام بیمار شد فرمود که این دعا بخوان اللهم اشفنی بشفائک و داونی
بدوائک و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک و از برای تب ربع منقول است
که این آیه را بنویسند و بر او ببندند قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و در روایت دیگر آن
دعا را بر بازوی راستش ببندند بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت
به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی و بالحق انزلناه و با
الحق نزل باسم فلان بن فلان بنام او و پدرش بنویسید بسم الله و بالله و من الله و الی الله
و لا غالب الا الله و از برای تب و لرز این دعا بنویسید و بر بازوی بیمار ببندند بسم الله مرج البحرین
یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما
علی ابراهیم الا ان حزب الله هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم
لهم الغالبون جندنا لهم الغالبون **فصل پنجم** در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر دردی که داشته باشی دست را بر آن موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو الله
الله ربی حقا لا شریک له لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی و در روایت
معتبر دیگر فرمود که بگو بسم الله و بمال دست را بر آن موضع و بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ
بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما

سبعا و من شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه بگوید و در روایت دیگر فرموده که دست را بر موضع درد گذارد

و میگوید بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم

امسح عنی ما اجد و سه مرتبه دست بر آن موضع میکشد و در روایت دیگر فرموده که دست بر موضع درد گذارد

و هفت مرتبه و اقلا سه مرتبه میگوید ایها الوجع اسکن بسکینة الله و قر بوقار الله و انحجز بحاجز

الله و اهدأ بهدء الله اعیذک ایها الانسان بما عاذ الله به عرشه و ملائکته

یوم الرجفة و الزلازل و در روایت معتبر دیگر منقول است که فرموده که برای هر آزار این دعا بخوانند یا منزل

الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که اگر الم و درد

در بدنش بهم رسد این دعا بخواند تا هیچ الم و دردی با و ضرر نرساند اعوذ بعزة الله و قدرته علی الاشیاء

اعیذ بجبار السماء اعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه داء اعیذ نفسی بالذی اسمه برکة

و شفاء و از حضرت صادق ع منقول است که هر دردی بهم رساند دست بر موضع درد بگذارد و با خلاص بگوید

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا البته عافیت یابد

از هر علتی که باشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که را سوره حمد و قل هو الله احد شفا نبخشد هیچ چیز او را شفا

نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هرگاه کسی آزاری در وجود بیابد بگوید بسم الله و صلی الله

علی رسول الله و اهل بیته و اعوذ بعزة الله و قدرته علی ما یشاء من شر ما اجد درد او ساکن شود

برای هر آزار بخوانند

منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که این دعا بخوان

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم

یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع

منقول است که حضرت موسی ع بحق تعالی شکایت کرد از غلبه رطوبت حق تعالی او را امر فرمود که هلیله

و بلیله و املج را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد و حضرت فرمود که اینست که شما اطریفل میگوئید و در طب

الائمه علیهم السلام روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام علی النقی ع عرض کرد که درهم

سایکی با شخصی را عقرب گزیده است و بیم آنست که هلاک شود فرمود که بخورانید با و دوای جامع را که

که از حضرت امام رضا ع بما رسیده است پس فرمود که سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق

سفید همه مساوی یکدیگر و فرفیون دو برابر هر یک از اینها را بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون

کنند و بعسل کف گرفته باشند خمیر کنند و کسی را که مار و عقرب گزیده باشد یک حبه آنرا با آب حلتیت

با و بخورانند که در ساعت شفا میابد و از حضرت امام رضا ع روایت شده که از برای فالج و لقوه

یک حب آنرا با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی ع نقل کرده که از برای درد سرفه

معده و خفقان و قلب نافع است که یک حب آنرا با آب زیره که بجوشانند بخورند و در حدیث دیگر از

حضرت امام رضا ع منقول است که از برای آزار سپرز یک حب آنرا با آب سرد و اندکی سرکه بخورند و در

بجهت بیماری و پریشانی بخوانند

روایت دیگر از آنحضرت منقولست که از برای درد پهلو است که یکبار آب تره پخته بخورند و از برای
درد پهلوی چپ یکبار آنرا با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی هم روایت کرده اند که یکبار
آنرا با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اگر مردم بدانند
که در سنا چه منفعتهاست هرآینه قیمت هر مثقالی دو مثقال طلا شود و بدرستی که امان میبخشد از کلف
بهق و برص و خوره و دیوانگی و فالج و اگر با مویز سرخ بیدانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه
همه اجزا را مساوی عمل آورند و هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند و در هنگام خواب نیز بخورند این (همین قدر)
فواید بخشد و بهترین دواها است و در طب الائمه روایت کرده است از خیار شنبر پاک کرده یک رطل که
بگیرند و در میان یک رطل آب یک شبانه روز بخیسانند پس صاف کنند و یک رطل آب و چهل مثقال روغن گل
سرخ و یک رطل صافی ممزوج گردانند و بآتش نرم بقوام آورند و از روی آتش بردارند و بگذارند
سرد شود پس بر آن فلفل و دار فلفل و معروف و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوز بوا از هر یک
یک مثقال گرفته کوفته و در آنچه سابق مذکور شد ممزوج کنند و بر سبوی سبزی یا شیشه بکنند و در وقت
حاجت سه روز در هر روز دو مثقال ناشتا بخورند از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده
و ترکیدن دست و پا و زخم و درد شکم و درد جگر و حرارت و یرقان و تبهای شدید و درد
مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سبزیها و سرکه پرهیز کنند و غذا آش ماج باشد

با روغن بجوشد دوای دیگر نقل کرده است که از هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال دار
فلفل و فلفل و زنجبیل خشک و زرنباد و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و انار شک و
قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلسان و سلیخه معتبر و علک رومی و قاقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال
مجموع دواها با یکدیگر بکوبند و بیبیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و بیبیزند و هشتاد و پنج مثقال شکر سفید
در پاتیل آب کنند و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را با آنها معجون سازند و در وقت
حاجت دو مثقال از آن ناشتا و دو مثقال در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع
و سردی را از مفاصل بدن میبرد و فایده میدهد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد مفاصل و
البول و طپیدن دل و تنگی نفس و امتلای معده و دل را جلا میدهد و اشتهای طعام می آورد و درد
سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبه تشنگی را میبرد و برای تب و دردهای کهنه و درد سر و
سپرزها نافع است و در رید دیگر روایت کرده است که در روزی فرعون بنی اسرائیل را همگی ضیافت
کرد و زهر در طعام ایشان داخل کرد ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی فرستاد
و چون خوردند از زهر آسیبی بایشان نرسید و این بود که جبرئیل فرمود که قدری سیر مقشر بگیرند
و نرم بکوبند و در پاتیل چینی اندازند و از روغن گاو آنقدر بر آن سیرها بریزند که بپوشاند آنها را
و در آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزانند که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چربی نماند

[illegible]

پس همان مقدار شیر گاو تازه زائیده بران بریزد و بآتش نرم آنقدر برافروزند که از آن شیر هیچ
نماند پس همان قدر عسل مصفا که موم ش را گرفته باشند و پاتیل بریزد و آنقدر آتش بسوزانند که آنرا
هم بخورد پس از سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مرزنکوش هر یک نجده درهم بگیرد و نرم بکوبد و در پاتیل بریزد
و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کن هرچند کهنه تر میشود نیکوتر میشود و خوردن ان نافع است برای دفع
لقوه کهنه و تازه و درد اندرون و سرفه کهنه و تازه و کسی را که سرما زده باشد و برای سبل چشم و درد پا
و ضعف معده و صرع و غش اطفال و ترسیدن زنان در خواب و زرد آب خوردن و تریاق بلغم و سم
گزنده مار و عقرب فرموده که چون نه ماه بر آن بگذرد برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نصف
گردکان ناشتا بخورد و ده ماه بر آن بگذرد برای تپ ربع و آزارهای چشم نافع است و چون
سه ماه بر آن بگذرد برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون
چهار ماه بر او بگذرد تاریکی چشم و تنگی نفس را نافع است و چون پنج ماه بر او بگذرد بجهة درد سر بقدر
نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی بچکانند و چون شش ماه بر او بگذرد
کسی که درد شقیقه داشته باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی بچکانند بطرفی
که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر او بگذرد برای دفع بادی که در گوش هم رسد بقدر یک عدس با
روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکانند در اول روز و در هنگام خواب و چون هشت ماه بر او

بگذرد

بگذرد آنرا با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و بعد این کنش در خواب
و ترس و بیم که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برای
غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اخلاط عفن بقدر یک عدس با سرکه بخورند و برای ضعیفی چشم ناشتا و در وقت خواب
بخورند و چون یازده ماه بر او بگذرد از برای سودا و این کس را به ترس و وسواس میاندازد بقدر یک نخود
با روغن گل سرخ ناشتا بقدر یک نخود با روغن در وقت خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بر او بگذرد برای
فالج کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک گنجد بخورد و با آب روغن زیت و نمک بر بدن بمالد و در وقت

خواب

و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماء الجبن(?) [illegible] و چون سیزده ماه بگذرد بقدر یک گنجد از آن با آب سداب
حل کند و در اول شب بخورد نافع است برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و پریشان بازی کردن و اگر بجای
ده ماه بر او بگذرد برای دفع زهرها نافع است اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را بکوبند و بگو[illegible]
و صاف کنند و با یک گنجد از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقب بخورند تا سه شب یا چهار شب و چون
پانزده ماه بر او بگذرد برای دفع سحر و بادها نافع است و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس او را
با آب بادران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینائیش کم شده باشد بامداد و شام در وقت خواب
تا چهل روز اگر بر طرف نشود تا هشتاد روز و چون هفده ماه بر او بگذرد برای دفع خوره یک گنجد
از آن با روغن پیه گاو ناشتا بخورد و در وقت خواب بقدر یک حبه آتش در بدن بمالد و اندکی با [illegible]

بهق

زیت با روغن گل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق آن موضع را بر نی

بزنند که خون در آید و بقدر یک گیله با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی در بینی بچکانند و بنگ

بر آن موضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب را شیرین کرده باشد قدری کیدانه جو از حنظل با دانه کنجد از این

دوا ناشتا بخورد برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است و چون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس

از آن گرفته با آب حل نماید برای سنگینی گوش در گوش بچکانند و اندکی بر کله سر تشنی بریزند و از برای صاحب

سرسام با آب انار ترش نافعست و درد و حدیث دیگر روایتست از حضرت صادق ع که مثل این دوا جبرئیل ع

برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد و فرمود که چهار رطل از شیر میش بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر

گاو بر آن بریزند و آنقدر بجوشانند که از آن روغن جدا شود با چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند و آن قدر

بجوشانند که از آن روغن نماند پس بقدر دو درم با جوز بر آن بپاشند و بر هم بزنند تا خوب بهم آمده و در

کوزه کرده سر شر ابه ببندند و در میان جو یا خاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان و در زمستان

بیرون آورند و در ابتدا بقدر یک گردکان بخورند برای هر درد نافع است و کلینی در سند معتبر روایت

کرده است از اسمعیل بن الفضل که شکایت کرد بخدمت حضرت صادق ع از درد معده و اینکه طعام را هضم

نمیکند حضرت فرمود که چرا انگور نمیخوری که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و قراقر و بادهای شکم را

دفع میکند پس فرمود که بگیر یک صاع از مویز و دانه اش را بیرون کن و یک شبی در ظرفی کن و آنقدر آب

بر آن بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز بگذارد و در تابستان یک شبانه روز پس صاف کن

و آب صاف کرده در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که دو حصه آن برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز

و آنقدر بجوشان که آن مقدار رسد که پیش از عسل بجوش بود پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل

و مصطکی را بکیر و همه را بکوب و در میان کهنه نازکی ببندید و در میان دیگ بیندازد که جوشی بزنند پس دیگر را پایین گذارد

تا سرد شود و صاف کنند و هر صبح و پسین قدری از آن بخورد راوی گفت که چنان کردم از آن درد بر طرف شد

فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تعرف جن از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام منقولست که برای درد سر و نصف سر این دعا را بنویسید و بر آن جانب سر که درد میکند ببندد

اللهم لست باله استحدثناه ولا برب ...... ولا معک شرکاء یقضون معک ولا

کان قبلک اله ندعوه ونعوذ به ونتضرع الیه وندعک ولا اعانک علی خلقنا من

احد فنشک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلان وصلی

الله علی محمد وآله واهل بیته و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که درد سر داشته باشد

یا یورش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اسکن سکنتک یا الذی سکن له ما فی

اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و از حضرت امام علی النقی ع منقولست که برای دفع درد سر این آیه

را بر قدحی آب بخوانند و بخورند و لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما

بجهة درد سر

بجهة درد سر و دملی که بند شود

بجهة درد سر

وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون و در حديث معتبر منقولست كه حلبی سجستانی شکایت
کرد بحضرت امام محمد باقر ع که هفتاد و دو مرتبه مرا درد سر میگیرد فرمود که دست را بر آنجا که درد میکند و
سر ترا بگو یا ظاهراً غیر موجود و یا باطناً غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف ایادیک
الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی انک رحیم ودود و در حدیث دیگر فرمود که برای
دفع درد سر دست بر سر مالد و هفت نوبت بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی
السموات والارض وهو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقولست که برای دفع درد گوش دست بالای آن گذارد و
این دعا بخواند و در روایت دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست بر بالای سر گذارد و بگوید لو کان معه آلهة
کما یقولون اذاً لابتغوا الی ذی العرش سبیلاً اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول
رأیت المنافقین یصدون عنک صدوداً و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
آمد و گفت که من سفر بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم چیزی بمن تعلیم بفرما که نترسم حضرت فرمود
که چون جائی واقع شوی دست را بر بالای سر بگذار و با آواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم
من فی السموات والارض طوعاً وکرهاً والیه ترجعون آن شخص گفت در بیابانی واقع شدم که میگفتند جن
در آنجا بسیار است و شنیدم که کسی میگفت که بگیریدش این آیه را خواندم شنیدم که دیگری جواب گفت که
چگونه بگیریم و حال آنکه پناه بآیه طیبه برده و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که پسری دارم

که او را باد جن و ام الصبیان میگیرد و بحدی که از او نا امید میشوم حضرت فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را
با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس و بآب بشوی و تا یکماه از آن آب باو بخورانند راوی گفت که یکمرتبه خوب
برطرف شد و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که صرع بگیرد با او بخوانند عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم
بها علی بن ابی طالب علیه السلام ورسوله رسول الله صلی الله علیه وآله علی جن وادی الصبرة
فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت فلان بن فلان الساعة و در روایت دیگر منقولست
که شخصی اختلال دماغ بهم رسیده بود حضرت فرمود که در شب در هنگام خواب این دعا بخوان بسم الله
وبالله آمنت بالله وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی اعوذ
بعزة الله وجلاله مما اجد و احذر و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که کسیرا که باد جن گیرد
با سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یکرا ده مرتبه بخوانند در
آب وضو و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع شخصی را دید که غش کرده است
قدحی آب طلبیدند و سوره حمد و معوذتین را بر آن آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش
باز آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که در خانه که جنیان سنگ اندازند دعا بخوانند
انگشتری را بردارد و بگوید حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی و از آنحضرت
منقولست که برای درد سر روغن کنجد را در بینی چکانند و شخصی بخدمت حضرت صادق ع شکایت کرد

از درد سر فرمود که بحمام برود و پیش از آنکه داخل شود هفت جام آب گرم بر سر بریزد و در هر مرتبه بسم الله
بگوید و منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سردی عظیم در سر خود می‌بینم که اگر جبه‌ای باد
بر آن بوزد بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و
در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچیک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در او دو رگ هست
یک رگ در سر اوست که خوره را بحرکت می‌آورد و دیگر در بدنش که پیسی را بحرکت می‌آورد پس آن رگ سر
چون بحرکت می‌آید خداوند عالم زکام را بر او مسلط میگرداند که دردهای سر را میکشد و هرگاه رگ بدن بحرکت
می‌آید حق تعالی دنبل را بر او مسلط میگرداند که دردهای بدن را میکشد پس کسی که زکام و دمل بهم رساند
خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود که زکام لشکریست از لشکرهای خدا میفرستد که دردهای را
برطرف کند و در چند حدیث وارد شده است که زکام را علاج نمی‌باید کرد و بروایت دیگر از آنحضرت وارد
شده است در معالجه زکام که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارد و در روایت
دیگر فرمود که یکدانگ سیاه دانه و نیمدانگ کندر را بکوبند و در دماغ بدمند زکام را برطرف میکند فصل
هفتم در معالجه سایر امراض سر و درد گلو در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که اگر
چشم کسی آزار داشته باشد باید که آیة الکرسی بخواند باعتقاد درست که البته شفا می‌یابد و در روایت معتبر
دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی فرمود که میخواهی ترا دعائی تعلیم نمایم که برای دنیا و آخرت نافع باشد

دعای درد چشم

و درد چشم ترا زایل کند گفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و شام مداومت نمائید باید بگوید اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد علیک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک
ابدا ما ابقیتنی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم برای درد چشم این دعا میفرمودند اللهم
متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارثین منی و انصرنی علی من ظلمنی و ارنی فیه ثاری
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و دید که چشم آنحضرت آزار عظیم دارد روز دیگر
بخدمت آنحضرت رفت دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اعوذ
بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ بکرم الله اعوذ بجمال
الله اعوذ بغفران الله اعوذ بعلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله صلی الله علیه و آله
علیهم ما اجد فی عینی و ما اخاف و ما احذر اللهم رب الطیبین اذهب ذلک عنی بحولک و
قوتک ابن شهرآشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا را خواند
و چون بموضع رسید که ان تجعل النور فی بصری دیده اش روشن شد اینست اللهم انی اسئلک
یا رب الارواح الفانیة و رب الاجساد البالیة اسئلک بطاعة الارواح الراجعة الی
اجسادها و بطاعة الاجساد الملتئمة الی اعضائها و بانشقاق القبور عن اهلها و بد

دعای درد چشم

دعای درد چشم

دعای درد چشم

عونك الصادقة فيهم واخذك بالحق بينهم اذا برز الخلايق ينظرون قضائك و
يرون سلطانك ويخافون بطشك ويرجون رحمتك يوم لا يغني مولى عن مولى
شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم اسئلك يا رحمن ان تجعل
النور في بصري واليقين في قلبي وذكرك بالليل والنهار على لساني ابدا ما ابقيتني انك
علاج ضعف باصره
على كل شيء قدير و در روايت ديگر از حضرت امام موسى ع منقولست كه شخصى شكايت كرد از ضعف باصره
بآنحضرت و گفت بمرتبه رسيده است كه شب كور شده ام فرمود كه آية الله نور السموات والارض را تا آخر
بخوان و مكرر در جامى بنويس و بآب محو كن و آبرا در شيشه كن و از ميل بچشم بكش راوى گفت كه كمتر از صد ميل
كشيده ام كه بينائى من برگشت و در حديث معتبر منقولست از حضرت امام رضا ع كه شفاى چشم در خواندن
سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آية الكرسى و كشيدن گسط و مرو و كندر است
جهت سنگینی گوش
و دعاى گرانى گوش و درد گوش و درد سر گذشت و در حديث ديگر منقولست كه شخصى بحضرت امام محمد باقر ع شكايت
كرد از سنگينى گوش فرمود كه دست بر گوش بكش و اين آيه را بخوان كه لو انزلنا هذا القرآن
على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم
يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي
لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون

هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
از برای قطع رعاف
الحكيم و در روايت ديگر وارد شده است بر روغن ياسمن يا روغن بنفشه هفت مرتبه بخوان كان لم يسمعها
كان في اذنيه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا آنرا گرم
در گوش بچكان و از براى قطع رعاف منقولست كه بر پيشانى بنويسد يا ارض ابلعي ماءك و يا سماء
اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين
و در روايت ديگر اين آيات بخواند منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة
اخرى يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا يا ارض ابلعي و يا سماء اقلعي تا آخر آيه بخواند ومن يتق الله يجعل له مخرجا و
يرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جهت درد دندان
جعل الله لكل شيء قدرا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون و منقولست كه شخصى بحضرت صادق ع شكايت كرد از درد دندان فرمود كه دست
بر دندان بگذار و بگو بسم الله لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التي لا يضر معها
شيء قدوس قدوس باسمك يا رب الطاهر المقدس المبارك الذي من سالك
بعطيته ومن دعاك به اجبته اسئلك يا الله يا الله يا الله ان تصلي على محمد النبي

واحمل بقية وان عافيني مما اجد في راسي وفي سمعي وفي بصري وفي بطني وفي ظهري وفي
يدي وفي رجلي وفي جميع جوارحي كلها وابو بصير شكايت كرد بحضرت امام محمد باقر ع از درد دندان گفت
شبها ازين درد بيدار ميباشم فرمود كه هرگاه اثري ظاهر شود دست برآن موضع درد بگذار و سوره حمد
و قل هو الله احد بخوان واين آيه را بخوان وترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله
الذي اتقن كل شيء انه خبير بما تفعلون واز حضرت صادق ع منقولست كه اينها را بخوان با سوره انا
انزلنا واز حضرت امير المؤمنين ع منقولست كه براي دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعي
كه درد ميكند بمالد و بگويد بسم الله الشافي الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و در روايت ديگر
منقولست كه براي دفع درد دندان سوره حمد و معوذتين و قل هو الله احد بخواند پس بگويد بسم الله الرحمن
الرحيم وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم
وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين نودي ان بورك من في النار ومن حولها و
سبحان الله رب العالمين اللهم يا كافي من كل شيء ولا يكفي منك شيء اكف عبدك وابن امتك
من شر ما يخاف ويحذر ومن شر الوجع الذي يشكوه اليك و در روايت ديگر منقولست كه براي دفع درد دندان
سوره حمد و معوذتين و قل هو الله احد بخوان پس بگو بسم الله الرحمن الرحيم وله ما سكن في الليل والنهار
وهو السميع العليم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم الا

الاخر

بجهت درد دندان

دفع درد دندان

ايضا درد دندان

الاخسرين نودي ان بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمين اللهم يا
يا كافي من كل شيء ولا يكفي منك شيء اكف عبدك وابن امتك من شر ما يخاف ويحذر و
من شر الوجع الذي يشكوه اليك و در روايت ديگر منقولست كه جبرئيل ع اين تعويذ براي حضرت امام حسين ع
آورد كه بجهت دفع درد دندان كه دست بر آن دندان كه كرم خورده است بگذارند و هفت مرتبه بخوانند
العجب كل العجب لدودة تكون في الفم تاكل العظم وتنزل الدم انا الراقي والله الشافي الكافي
لا اله الا الله والحمد لله رب العالمين واذ قتلتم نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون
فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون و در روايت ديگر [illegible]
سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق هر كدام سه مرتبه بخواند پس بگويد من يحيي العظام وهي رميم يا فرس
فلان بن فلان بنام خود و پدرش را بگويد الكلت الحار والبارد فبالحار تسكين بالبارد
تسكين وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم واشتدت داء هذه الضرس من فلان
بن فلان بسم العظيم پس ميخ را در ديوار بكوبد الله الله الله و در روايت ديگر منقولست كه شخصي بحضرت امام
موسى ع شكايت كرد از گنديدن دهان حضرت فرمود كه در سجده بگو يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم
يا رب الارباب يا سيد السادات يا اله الالهة يا مالك الملوك يا مالك الملوك اشفني
بشفائك من هذا الداء واصرفه عني واني عبدك وابن عبدك واتقلب في قبضتك

ايضا علاج دفع درد دندان

دفع گنديدن دهان

راوی گفت دیگر به ابنه عارض نشد و خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که دو میلان از گیاه بهشت است
و آبش برای درد چشم نافع است و حضرت صادق ع فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زایل میکند و چشم

دفع درد چشم

را جلا میدهد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد از آزار چشم حضرت فرمود که داروئی بساز از صبر
و کافور و مر هر دو را جزء مساوی و بکیرد و در حدیث دیگر فرمود که ضعف چشم و خیالات را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود

سفیدی چشم

که دهنه فرنگ برای دفع سفیدی که بر روی باصره بهم رسد نافع است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی
منقول است که صبر سقوطری و کافور ریاحی مساوی یکدیگر بسایند از حریر بیرون کنند و ماهی یکمرتبه در چشم بکشند درد
های سر و چشم را برطرف میکند و از حضرت امام حسین ع شخصی از اصحاب خود را فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه
فلفل بسای و بپزید و در دیده بکش و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع شکایت کرد از سفیدی

سفیدی که در چشم بهم رسد و درد دندان و مفاصل

که در چشم او بهم رسیده بود و از درد دندان و مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یک دو درهم و نشادر پاکیزه
صاف یکدرهم و همه را خوب بسای و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن آن سفیدی
روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند و چشم را به آب سرد بشوی و بعد از آن
سرمه سنگ بکش و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت امیرالمؤمنین ع بسلمان و ابوذر فرمود که درد چشم دارید

جلای چشم

در پهلوی چپ بخوابید و خرما مخورید و حضرت صادق ع فرمود که ماهی خوردن برای درد چشم زیان دارد و
دست بر چشم مالیدن بعد از چیزی خوردن و دست شستن از درد چشم امان میدهد و در روز چهارشنبه و جمعه شارب

برای درد گوش

ناخن گرفتن از درد چشم امان می بخشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد از درد گوش و کفک چرک
و خون بسیار از گوشم می آید فرمود که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و
بر روی آتش گرم کن و نرم و چند قطره در گوشی که درد میکند بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش
منقول است که کف خردل و یک کف کنجد پوست نکنده هر یک علی الاحده بکوبند و بیکدیگر مخلوط کرده روغن
بگیرند و در شیشه کرده سرش را با انگشت مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند
و در گوش بگذارند سه روز چنین کنند شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده است که سداب را در روغن زیت بجوشند

در دفع درد گلو

و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که سداب برای درد گوش نافع است
و از حضرت صادق ع منقول است که از برای درد گلو چیزی نافعتر از شیر نیست و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقول است که حضرت عیسی ع بشهری گذشت و دید مردم آن شهر را که روهای ایشان کبود است از

بجهت مرض

بسیاری مرض بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته میپزید و هیچ حیوانی از دنیا نمیرود
مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری ایشان برطرف شد حضرت عیسی ع
بشهر دیگر گذشت و دید که دندانهاشان ریخته بود و روهایشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب

دفع درد دندان

دهانها را باز کنید و برهم مگذارید چنان کردند علتها از ایشان زایل شد و از حضرت امام موسی ع منقول است
که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارید و فرمود که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد بن دندانرا

حکم میکند و در حدیث معتبر از حمزه بن طیار منقولست که بخدمت آنحضرت رفتم و او میکشید آنحضرت فرمود که ترا
چه میشود گفت دندانم درد میکند فرمود که حجامت بکن حجامت کردم درد ساکن شد بعد از ان گفت دوای
بحجامت و خوردن عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که برای درد دندان حنظل بگیرد و پوستش
را بکند پس روغنش را بگیرد اگر دندان سوراخ کرم خوردگی کرده باشد در میان او دندان بگذارد و بر پشت بگذارد
تا سه شب چنین کند و اگر بن دندان درد کند در آن گوشه که در جانب آن دندان واقعست در هر شب
هر شب دو قطره یا سه قطره و باز فرمود که هرکه درد دهان داشته باشد یا خون از بن دندان آید
یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد و رنگش سرخی گشته باشد حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد
بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را آهسته [illegible]
که سوراخ نشود و سرکه بسیار تندی که از شراب عمل آورده باشند در آن سوراخ بریزند و بر روی
آتش بگذارند که بسیار بجوش شد پس بردارند و هر وقت که احتیاج باشد بقدر ناخنی بگیرد و بر دندانها
و دهان بمالد و بعد از ان بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد انچه در میان حنظل است در شیشه یا ظرفی دیگر خالی
کند و هرچند آتش برطرف شود سرکه بر رویش بریزند و هرچند کهنه تر شود نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر
منقولست از ابراهیم بن نظام که گفت مرا در زندان در راه گرفته و پالوده گرم در دهانم کردند و
بعد از ان دهانم را از برف پر کردند پس دندانهای من تمام ریخت حضرت امام رضا را در خواب

دوای درد دندان

بجهت دندانی که بشکافد

دوای درد دهان

دیدم که فرمود که سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از چند گاه شنیدم که حضرت بحال ما وارد شده
است و بخراسان میرود بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همانرا فرمود که در خواب فرموده
بود چنان کردم دندانهایم روئید **فصل هشتم** در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول
و بثور و خوره و پیسی و بهق و امثال آنها از علی بن نعمان منقولست که بحضرت امام رضا عرض کرد
که ثالول بسیاری در بدنم بهم رسیده و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو
بگیرد و بر هر جوی هفت نوبه اذا وقعت الواقعه بخوان تا فکانت هباء منبثا و هفت نوبت بخواند
و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها
عوجا و لا امتا پس هر جوی را که نوبت بر هر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی ببند و سنگی
بر آن ببند و در چاهی بینداز و بهتر آنست که این را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت چنین کردم
بعد از یک هفته همه برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر ثالول بمال و هفت نوبت
این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد و در حدیث معتبر از حضرت امام
رضا منقولست که فرمود که دختری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسیده شخصی در خواب گفت
که بگو این دعا را مکرر بخواند یا رءوف یا رحیم یا سیدی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت

دفع ثالول

دفع خنازیر

تأثیر

دفع ورم که در بدن بهم رسد

برای دفع آبله

دفع شبود و دمبل

صادق ع عرض کرد که کنده و ماده در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز
چهارم در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار و هر سوره که خواهی
و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهای خود را بکند و جامهٔ
کهنهٔ پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند و بر خاک مسجد برو و پهلوی راست رو خود را بر خاک بگذار و بزاری
و خشوع بگو یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل
محمد و اکشف ما بی من ضر و البسنی العافیة الکافیة فی الدنیا و الآخرة و امنن علی بتمام
النعمة و اذهب ما بی فقد آذانی و غمنی و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و جزم
یقین باشی که تأثیر بد میکند آن شخص چنان کرد و بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که ورمی
در بدنت بهم میرسد و ترسی که بکجا بدی منتهی شود در وقتی که وضو بسازی برای نماز واجب شب از
نماز بر آن ورم بخوان این آیات لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره که اگر چنین کنی آن ورم
بزودی ساکن شود و در مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله و کم بیرون آوردن نقل کرده
و بهتر آنست که بترتیب عدد بنویسد و از حضرت صادق ع منقولست که برای شبود دمبل های ریزه که در
بدن بیرون می آید در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت را بر دور آن بگرداند و هفت مرتبه
بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبهٔ هفتم انگشت را بر روی آن بقوت بگذارد و در روایت دیگر

بمناسبت

اسم دعا برای شبود و دمبل

بسم الله الرحمن الرحیم

دفع پیسی که در روی ... افتاده

فرمود که دمبلها و شبورها اکثر از خون فاسد است که در وقت طغیان از بدن بیرون میکند پس هرگاه
در او اینها حادث شود چون بر تخت خواب برود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلماته
التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر کل ذی شر تا از اینها و سایر دردها ایمن
گردد و در روایت دیگر منقولست که برای دمبل و گری و قوبا این آیات را بخوانند و بنویسند با خود دارند
و مثل کلمة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم و فیها نعیدکم
و منها نخرجکم تارة اخرى الله اکبر و انت لا تکبر الله یبقى و الله علی کل شیء قدیر و در حدیث
معتبر منقولست که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق ع از پیسی که در روی او افتاده بود و [illegible]
حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجده آخر در رکعت
اول نماز شب این دعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی
الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و
اصرف عنی من شر الدنیا و الآخرة و ما انت اهله و اذهب عنی هذا الوجع
نام آن آزار ببرد و بگوید قد غاظنی و حزننی و مبالغه در تضرع و دعا کند راوی گفت چنان کردم
هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از من برطرف شد و در روایت دیگر منقولست که اسحق بن
اسمعیل و غیر او از همین علت با حضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز

بجا آورید

بگذارید حمد و ثنای الهی بکنید و صلوات بر محمد و اهل بیت او بفرستید و بگوئید یا الله یا الله یا الله

یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا واحد یا واحد یا واحد یا احد یا احد

یا احد یا صمد یا صمد یا صمد یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا اقدر القادرین

یا اقدر القادرین یا اقدر القادرین یا رب العالمین یا رب العالمین یا رب العالمین یا سامع

الدعوات یا منزل البرکات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی خیر الدنیا و الآ

خرة و اذهب عنی ما اجد فقد غاظنی الامر و احزننی در روایت دیگر فرمود که سوره انعام را با گل در

ظرفی بنویسی و بشوئی و بخورد و در مکارم الاخلاق مذکورست که برای پیسی و خوره این آیات را بخوانند

و بنویسد با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب

الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع با اسم

فلان بن فلان و نام او و مادرش را بنویسید و از برای بهق بر آن موضع بنویسید و ان من

شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او

ینفعونکم او یضرون و در روایتی منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود

که قدری از قیر تازه بگیرد و همان قدر از پیه بز و هر دو را بر سبزی تازه بمال و بر روی آتش نرم

بگذارد و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتانی را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذارد

دعای پیسی

دعا جهت پیسی و خوره

دفع بهق

دوا جهت جراحت

بیرون آمد

و در حدیث معتبر منقولست که جراحتی در پهلوی متوکل که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرات نمیکردند که نیشتر بزنند

فتح بن خاقان وزیر او بود بخدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام فرستاد و حال متوکل را عرض کرد حضرت

فرمود که سرگین گوسفند که در زیر گوسفندان سرشته میشود بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بر آن جراحت بگذارید

چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فایده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه

فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند در روزش ساکن شد و بخواب رفت و آن جراحت گشوده

شد چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چغندر را با گوشت گاو بخورید که

پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد از پیسی و بهق بحضرت فرمود که بحمام برو و حنا را

با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر از آن وایضا از آنحضرت منقولست که هیچ

چیز برای پیسی بهتر از تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه نیست باید آن را بخورد و بر آن موضع بمالد و

فرمود که موی بینی را کندن امانست از خوره و ترجمه حضرت رسول صلعم خوره را زایل میکند و فرمود

که از کسی که خوره یا پیسی داشته باشد بگریزید و نظر با ایشان نکنید و با ایشان هم معاشرت ننمائید

که سرایت میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که گوشت گاو خوره و پیسی را زایل میکند و حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در هر جمعه شارب گرفتن امانست از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام

منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه رگی از خوره در او هست و آن را میگدازد خوردن شلغم و در حدیث دیگر منقولست

در دفع پیسی

دوای پیسی و بهق

که شخصی با آنحضرت عرض کرد که مادهٔ طاعون در بدنم ظاهر شده است فرمود که سیب بخور آن شخص سیب خورد
عافیت یافت **فصل نهم** در معالجهٔ امراض اندرون و قولنج و بادها و آزارها و آزار معده و غیره
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سینه حضرت فرمود که طلب شفا کن از
قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید که فیه شفاء لما فی الصدور و دیگر در قرآن شفا هست آنچه در سینه‌هاست
[علاج درد شکم]
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت برادرم درد شکم آزار دارد
فرمود که بگو او را که عسل با آب گرم بخورد روز دیگر آمد گفت خورد و نفع نکرد فرمود که بر دو بار عسل بده
بخورد و هفت مرتبه سوره حمد نزد آن بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادرش منافق است باین
[ایضا دفع درد شکم]
سبب عسل او را نفع نبخشید و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد
شکم فرمود که آب گرم بخور و این دعا بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب
یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل سقم و داء
فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
[علاج درد ناف]
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ناف فرمود که دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو و انه لکتاب
عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و در چند روایت دیگر وارد
[جهة قولنج و درد شکم و علاج ...]
شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد

را بر جامی با مشک و زعفران بنویسد و این دعا را نیز بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم و عزته و قدرته التی
لا ترام و بقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و شر ما احذر منه و با آب
باران بشوید و بخورد ناشتا یا در وقت خواب و در روایت دیگر منقولست که برای فالج و جمیع دردها
نافع است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد تهی گاه فرمود
[جهة درد تهی گاه]
که چون از نماز فارغ شوی دست بر موضع سجود بمال بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات بخوان
افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا
هو رب العرش الکریم و من یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا
یفلح الکافرون و قل رب اغفر و ارحم انت ارحم الراحمین راوی گفت خواندم درد
[ایضا جهة درد تهی گاه]
برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر تهی گاه بمالد و سه مرتبه این دعا
بخواند بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
[جهة دفع سپرز]
اللهم امسح عنی ما اجد فی حاجتی و در هر مرتبه دست بر آن موضع بمالد و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست
که از برای دفع الم سپرز این آیات را بر زعفران بنویسد و با آب زمزم بشوید و بخورد قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت بها و ابتغ
بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا

و منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی ع شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم گفت سه مرتبه این آیه را
میکشم و با کسی نشسته باشم شرمنده میشوم حضرت فرمود چون از نماز فارغ شوی این دعا بخوان اللهم
ما عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه و ما عملت من سوء فقد حذرتنیه فلا عذر لی فیه
اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی حمدی فیه او امن لا عذر لی فیه و در روایت دیگر همین دعا را
برای دفع ضرر وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد با آنحضرت از پیچش شکم فرمود که
آبی بگیر و این آیات را بر او بخوان یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر سه مرتبه بگو اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
پس این آیات را بخواند و دست بر شکم مالد و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بر روغن بخواند و بر
شکم مالد بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء
علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر والارض عیونا کانتا رتقا آخر آیه و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع در سفری بود اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد پشت
حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخوابید و ابید عادل بر او خواندند بسم الله و بالله وصنع الله
الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد پشت فرمود

کروت را بر آن موضع که درد دارد بگذارد و سه مرتبه این آیه را بخواند وما کان لنفس ان تموت الا
باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الآخرة نؤته
منها وسنجزی الشاکرین و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در حدیث دیگر منقولست که مفضل بحضرت
صادق ع شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم تنگ میشود و من ضعیفم فرمود که بول
شتر بخور و کلینی در حدیث حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از سرفه فرمود که قدری از
انجدان از گوشت رومی و همان مقدار نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یکمرتبه خوردم
برطرف شد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت امام موسی ع از مرض سل حضرت فرمود
که سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بزر البنج و خربق سفید و فلفل سفید بجزو از مساوی بگیر و فرفیون
را دو برابر هر یک اجزا بگیر و تمام اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و با عسل کف گرفته باشند
خمیر کن و بقدر یک نخود با آب گرم در هر شب بخور چنان کرد شفا یافت و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام رضا ع شکایت کرد از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید یکجزو و فرفیون دو جزو و خربق سفید
یکجزو و سنبل یکجزو و [illegible] یکجزو و زعفران یکجزو و بزر البنج یکجزو ساییده از حریر بیرون کن و مثل وزن
تمام اجزا عسل کف گرفته داخل و خمیر کرده مهیا بساز و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت خواب
را از یا نیم گرم بخور و در حدیث دیگر منقولست از حضرت صادق ع پرسیدند که بحضرت عیسی ع میرسید دردها

که بخورند آدم میرسید فرمود که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ بود میرسید و در بزرگی بیماری کودکان

با و میرسید و درد تهیگاه از دردهای بزرگانست و در طفولیت گاهی او را عارض میشد و بیاد [illegible] میگفت

که عسل و سیاه دانه و روغن زیت را با یکدیگر خمیر کن از برای من بیاور چون می آورد کراهت داشت

از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهت داری خود طلبیدی میگفت بعلم پیغمبری آنرا طلب کردم و

از برای جمیع طفولیت و بدمزگی دوا کراهت دارم پس میگرفت و تناول مینمود و در چند حدیث وارد شده

است که خوردن ریزه‌های مائده در سفره میریزد درد تهیگاه را برطرف میکند و در روایت معتبر از حضرت صادق ع

علاج درد تهیگاه

منقولست که بخورید آنرا که [illegible] دردهای اندرون را ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که بخورید

الجزان رومی را که درد تهیگاه را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت [illegible] قبلا از آدم

در جگرم بهم رسید دعا کرد باو وحی فرمود که شیره انجیر را بگیر و بیاشام خود از [illegible] برطرف شد

علاج درد سپرز

برطرف شد و در روایت دیگر منقولست که شخصی با امام محمد باقر ع شکایت کرد از تشنگی و درد سپرز فرمود

که پاره نقره بده و تره بخور و آنرا با روغن عربی و سه روز بخور اگر خدا خواهد شفا میابد و کلینی بسند

معتبر روایت کرده که بحضرت امام موسی ع عرض کردم که یکی از غلامان آنحضرت سپرز دارد فرمود که سه

علاج کرم معده

روز با و تره بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا ع منقولست که بخورید

سرکه که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود

علاج دفع اسهال

ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که هفت دانه خرمای عجوه در

وقت خواب بخورد کرمهای معده اش را میکشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که برای دفع

ایضا دفع اسهال

اسهال برنج بگیرند و بشویند و در سایه خشک کنند و بر روی آتش بو بدهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف

از آن تناول کنند و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست برای دفع اسهال برنج را در دیگ کنند و آب

بجوشانند چهار پنج پاره سنگ در زیر آتش بگذارند تا سرخ شود و یک قلوه تازه را بگیرند و باقی تنگیها

در میان کاسه بیندازند و کاسه دیگر بر سرش بگذارند که بخارش بیرون نرود و حرکت دهند تا آن آب

دوای آزار زحیر — *زحیر*

شود پس چون برنج پخته شود این روغن را بر رویش بریزد و بخورند و در روایت دیگر منقولست که شخصی

از زحیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع فرمود که گل ارمنی را بو بده با آتش ملایم و سفوف کن و بخور

که زحیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی هم شکایت کرد از زحیر آنحضرت فرمود

دفع پیچش

که بزرقطونا و صمغ عربی و گل ارمنی را بو بده و سفوف کرده بخورد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی

بحضرت امام رضا ع شکایت کرد از پیچش و درد آن فرمود که گردکان را بر روی آتش بگذار چون مغزش

دفع قراقر شکم

بریان شود پوستش را بکن و بخورد و در حدیث دیگر روایت که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از قراقر شکم

دفع ضعف معده

فرمود که سیاه دانه با عسل بخورد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از ضعف

معده فرمود که خرفه را باب سرد بخورد و خرفه گیاهیست شبیه بکرفس و آنرا میوه فاطمه میگویند

فصل

دهم در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض شانه و سایر امراض و در حدیث معتبر منقولست
که معلی بن خنیس بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد فرج که عورت خود را در موضعی گشوده فرموده که نزا
ر نبوده و باین سبب اینها درد بهم رسیده است فرمود دست بر آن موضع بگذار و این دعا را بخوان که بسم الله وبالله

دفع درد فرج

بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی
اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجا ولا منجا الا الیک و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد زهار فرمود که آب گرمی در طشت کن

دفع درد زهار

و در میان آب بنشین و دست بر آن موضع که درد دارد بگذار و بگو اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث

دفع درد پا

دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین ع شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره انا فتحنا
بخوان تا وکان الله عزیزا حکیما و در روایت دیگر وارد شده است که ابو حمزه بحضرت امام محمد باقر

دفع درد زانو

شکایت کرد از درد زانو فرمود که این دعا را بعد از نماز بخوان یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و
یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی چنان کرد برودی عافیت

دفع درد ساق

یافت و در حدیث دیگر منقولست که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق ع از درد ساق پای که این
درد مرا از همه کار عاجز کرده است فرمود این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان واتل ما اوحی الیک من

کتا

کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا و در روایت دیگر منقولست که شخصی

دفع درد بند پا

بحضرت امام حسین ع شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست بر آن موضع بگذار و بگو بسم الله
وبالله والسلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون

دفع مثانه

و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد مثانه فرمود این آیات را
در خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر الم تعلم

دفع بول بند

ان الله له ما فی السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام علی النقی ع نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش بند شده است
حضرت در جواب نوشت که آیات قرآن بسیار بخوان و در هر مرتبه آب [illegible] بر آن موضع بینداز و در روایت دیگر منقولست

دفع درد مفاصل

که شخصی بحضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک باسمائک
وبرکاتک ودعوة نبیک الطیب المبارک المکین عندک صلی الله علیه و آله وبحقه
وبحق بنته المبارکة وبحق وصیه امیر المؤمنین وبحق سیدی شباب اهل الجنة الا
اذهبت عنی شر ما اجد بحقهم بحقک یا اله العالمین چون این دعا را خواند همان ساعت درد

عرق النسا

ساکن شد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هر گاه

اثر پس ظاهر شود دست بر آن موضع بگذارد و بگوید بسم الله و بالله و اعوذ بالله الکبیر اعوذ بسم الله
العظیم من شر کل عرق نعار و من شر حر النار و آن شخص سه مرتبه باید عاء را خواند از آن مرض شفا
یافت و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی را الغوه عارض شده بود بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد حضرت
فرمود که برو بر روضه رسول خدا صلعم و دو رکعت نماز بکن و دست بر او بگذار و بگو بسم الله و بالله
ینقد الضرح اقسمت علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و خلق عیسی من
روح القدس لما هدات و طفئت نار ابراهیم اطفی باذن الله
چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که از برای عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند
رشته را بدست بگیرند بکارد و موافق و تباید و هفت گره بر او بزنند و بر هر گرهی سه مرتبه سوره
حمد پس سه مرتبه بر آن رشته یا بر آن شخص باید عاء بخواند بسم الله الاحد الابد المحصی العدد القریب
لما بعد الطاهر عن الولد العالی عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز لما عاد القوی
بلا مدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخفیة
یا من السموات بقدرته مرجاة من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من
نجا به صاحب العرق من کل آفة و بلیة صلی الله علی محمد خیر خلقک و اشف اللهم فلان
فلان و داه بد و اتک و عافه بلائک انک قادر علی ما تشاء و انت ارحم الراحمین

بجهة الغوه

بجهة دفع رشته

و صلی الله علی محمد النبی و آله و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که خواندن این دعا برای دفع بواسیر
نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا بار یا راحم صل علی محمد و آله و اردد
علی نعمتک و اکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علیه السلام شکایت کرد از بواسیر
فرمود که سوره یس با عسل بنویس و بشو و بخور و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که را دملی یا
جراحتی بهم رسد کارد را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید و من الاثر و من
العود و الحجر المکبور و من العرق الفاتر و من الورم الفاجر و من الطعام و عقده و من الشراب
و بوده امضی الیک باذن الله الی اجل مسمی فی الانس و الانعام بسم الله فتحت و بسم الله
ختمت پس آن کارد را در زمین فرو برد و در حدیث دیگر فرموده که چون حضرت رسول صلعم را اندک
ورم و درد سری عارض میشد دست میگشودند سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین میخواندند و دست را بر رو
میکشیدند و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام موسی علیه السلام که برای دفع قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی
بدن و برودت اندرون یک کف شنبلید را با یک کف انجیر خشک بگیرند و آنقدر آب بر آن بریزند که
پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و دیگر روز بخورند و دیگر روز نخورند تا آنکه در مجموع سه روزها
بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که باد از زیر پای من افروگرفته است فرمود که عنبر و روغن زنبق نا شتا به ما بچکان و در روایت

بجهة دفع بواسیر خواند

بجهة درد و بواسیر

دفع جراحت و ورم

بجهة ورم و درد سر

دوا برای دفع قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون

بجهة باد

دیگر منقولست که صباح بن محارب بخدمت حضرت امام موسی ع عرض کرد که شخصی را بادلغوه در او بهم رسیده
است و هر دو چشمش را ابر کردانیده است فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد و در شیشه کند و سر شیشه را محکم ببندد
و در دو سیر اگل بمالد و در آفتاب بگذارد یک روز در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آرد
و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بر آن طرف بدن که گشته است بمالد و بر آن حال بخوابد
باشد تا آن قرنفل خشک شود و چون چنین کند آن مرض از او برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی

جهت قطرات بول

بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از او می آید فرمود
که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و خشک کن پس با روغن گل چرب کن

جهت ریگ مثانه

و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقولست که برای ریگ مثانه بلیله و هلیله و آمله و فلفل و دار
فلفل و دارچینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را اگر همه مساوی بکوبند و بیزند و با روغن
گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر اجزا با شکر صاف کرده بپزند و در ظرف کنند و هر مرتبه بقدر فندقی با عسل

دفع بواسیر

بخورند و در چند چیز که با دارو شده است خوردن تره بواسیر را برطرف میکند و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امام رضا ع این دوا را برای دفع بواسیر فرمود که هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی گرفته
بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از مقل ازرق گرفته با آب تره بجوشانند تا در شب بگدازد و دوا را
در میان آن ریخته خمیر کنند و دست را با روغن بنفشه چرب کنند و آنرا بقدر نخودی حب کنند و در سایه خشک کنند

و اگر تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند و اگر زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورند و در آن ایام که این بخورند

دفع گنده دهان

از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی النقی ع شکایت

دفع یبوست مزاج

کرد از گنده دهان فرمود که خرمای برنی بخور و دیگری شکایت کرد از یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را
ناشتا بخور و آب بالایش بخور چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت
شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد

دفع بلغم

و از حضرت صادق علیه منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیر قندران رومی و کندر و انیسون و زیره
و سیاه دانه اجزا را مساوی و یکدیگر همه را نرم بکوب و بیز و با عسل خمیر کن و هر شب وقت خواب بقدر
یک فندقی بخور و از حضرت امام رضا ع منقولست که بگیر هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از
عاقرقرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوب و ناشتا بخور این دوا بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو
میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند
و بعد از طعام خوردن بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند **فصل یازدهم** در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع

تعویذ سحر

سحر و هموم و گزندگان و سایر بلاها در کتب معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمود
برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و با خود دارد بسم الله و بالله و ما شاء الله

بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله قال ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح
عمل المفسدين فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين و در روایت
دیگر فرموده که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب و پیش از شروع در نماز صبح رو بخواند او کند و
هفت مرتبه بگو بسم الله سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما بآياتنا
انتما ومن اتبعكما الغالبون و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل ع خبر داد برسول خدا صلعم که لبید
بن اعصم یهودی ساحری برای آنحضرت کرده است پس حضرت امیر المؤمنین ع را طلبید و فرمود که برو در فلان
چاه سحر را بیرون آور و حضرت با آن موضع رفتند و در آنجاه داخل شدند و از ته آب حقه برآوردند
و نزد حضرت رسول صلعم آوردند و در آن حقه کمانی بود که یازده گره بر آن زده بودند پس جبرئیل ع
قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را آورد از آسمان و حضرت فرمود که یا علی این دو سوره را
بر این گره بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند گرهی گشوده میشد چون هر دو سوره تمام شد گرهها
گشوده شدند و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث و احادیث معتبره دیگر این دو سوره را در دفع سحر
تاثیر عظیم است و در احادیث معتبره وارد شده که چشم بد را تاثیر عظیم میباشد و فرمودند که بسیار چشم آدمیرا
بقبر و شتر را بدیگ داخل کند پس هر که خوش آید او را از چیزی و از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر نام
خدا ببرد و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که چون خواهی ترا چشم نرسد یا چشم تو در کسی تاثیر نکند

بجهة دفع چشم

بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و فرمود که هر کس با هیات نیکو
خواهد که از خانه بیرون آید سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و
بیرون رود تا چشم بد او را اثر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر گاه چشم بد با او رسیده باشد دستها را
برداشته برابر رو بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین بخواند و دست بر سینه خود بکشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از شیطان و جادو گر ترسد آیه سخره بخواند
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا آخر آیه که قریب من المحسنین و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و وساوس
شیطانی که بر او دست یافته بود فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بسم الله و
بالله اللهم مننت علي بالايمان واودعتني بالقرآن ورزقتني صيام شهر
رمضان فامنن علي بالرحمة والرضوان والرأفة والغفران وتمام ما او
ليتني من النعم والاحسان يا حنان يا منان يا دائم يا رحمن سبحانك وليس لي
احد سواك سبحانك اعوذ بك بعد هذه الكرامات من الهوان اسئلك ان
تجلي عن قلبي الاحزان پس صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و در روایت دیگر منقولست که شخصی
بآنحضرت شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض میشود و چون بمیان مردم

دفع شیطان و جادوگر

جهة وسواس و خیالات

جهة دفع وحشت و اندوه

بر طرف میشود فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بسم الله و دست بر دل بمال و بگو اعوذ
بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بجلال الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجمع الله اعوذ
برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی هفت
مرتبه این دعا بخواند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت حکایت کرد از آزاری بسیار کوفتن
و وسوسه‌ها سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی
الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم امسح عنی ما اجد پس دست
دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این آیه را آن شخص چنین کرد آن حالت زایل شد و
شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن کسی که او را بسته باشند بر زنش این دعا را
نقل کرده است که بنویسد با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا
لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا
مستقیما بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله تا آخر و بعد از آن این آیه را بنویسد و
من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة
ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم
غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء

علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا
قولی و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک حللت فلان
بن فلانة علی فلانة بنت فلانة لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه و هو رب العرش العظیم
دفع زهر
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون زن یهودیه گوسفند زهر آلود از برای حضرت
رسول صلعم و گوسفند بزبان آمد بامر الهی و گفت یا محمد یا رسول الله مرا که بزهر آلوده اند جبرئیل نازل شد
و گفت پروردگار سلام میرساند و میگوید این دعا را بخوان و بخور که زهر بتو آسیب نمیرساند پس
حضرت امر فرمود اصحاب را که همگی این دعا را خواندند و از آن گوسفند خوردند امر فرمود که حجامت
بکنند و دعا اینست بسم الله الذی یسمیه کل مؤمن و به عز کل مؤمن و بنوره الذی اضاء
به السموات و الارض و بقدرته التی خضع لها کل جبار عنید و انتکس کل شیطان مرید
من شر السم و السحر و اللمم بسم الله العلی العظیم الملک الفرد الذی لا اله الا هو و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا و در حدیث دیگر
دفع زهر حیوانات گزنده و غیر
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کسی که از شیر و حیوانات درنده بر خود و گوسفندان خود بترسد بر دور
خود و آنها خطی بکشد و بگوید اللهم رب دانیال و الجب و رب کل اسد مستاسد احفظنی

دفع عقرب

واحفظ عنی و فرمود که کسی را عقرب بزند این آیه را بخواند سلام علی نوح فی العالمین انا کذالک
نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین و در روایت معتبر دیگر حضرت صادق ع بشخصی فرمود که چون

دفع شیر درنده

شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عزمت علیک بعزیمة الله و عزیمة محمد رسول
الله و عزیمة سلیمان بن داود علیهما السلام و عزیمة علی امیر المؤمنین و الائمة من
بعده الا تنحیت عن طریقنا و لم تؤذنا فانا لا نؤذیک راوی گفت که بشیر برخوردم و این دعا خواندم
سر بزیر انداخت و دم را در میان پایهای خود کشید و برگشت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام موسی ع عرض کرد که من جانور درنده شکار میکنم و شب در صحراها و جایهای هولناک بسر میبرم فرمود که

چون کسی در خرابها و بیابانها

چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش گذار و
بسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام رضا ع منقولست که چون شیر را ببینی در برابر او سه بار

دفع شیر

الله اکبر بگو و بگو الله اعز و اکبر و اجل من کل شیء و اعوذ بالله مما اخاف و احذر و چون

دفع سگ درنده

سگ بر روی تو فریاد کند این آیه را بخوان یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که

برای دفع جانوران

برای دفع جانوران این دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل هامة

ترعب باللیل و النهار ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه از عقرب

دفع عقرب نظر بستاره سها کند و بخواند

ترسی شب نظر بستاره سها کن و نزدیک ستاره دویم بنات النعش است و سه مرتبه بگو اللهم یا رب
اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا من شر کل ذی شر راوی گفت تا حال

دفع عقرب و مار بخواند در اول شب

یکشب نخواندم که در آن شب عقرب مرا گزیده و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که از مار و عقرب ترس باشد در
اول شب این دعا بخواند بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله اخذت العقارب والحیات
کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و ابصارها و قواها
عنی و عن من احببت الی نحو النهار و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند بسم الله و بالله
توکلت علی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک
و فی جوارک و اجعلنی فی حفظک و اجعلنی فی امنک و در روایت معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست

دفع کیک

که اصحاب حضرت رسول صلعم در بعضی جنگها بآنحضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت
خواب این دعا بخوان ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک
بام الکتاب ان لا تؤذینی و اصحابی الی ان یذهب اللیل و یجیء الصبح بما جاء و از حضرت

رفع غضب

صادق ع منقولست که هرکه غضبناک شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر
خویش خود غضبناک شده باشد این دعا بخواند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی

من طلاق الفتن اسئلك رضاك واعوذ بك من سخطك واسئلك جنتك واعوذ

بك من نارك واسئلك الخير كله واعوذ بك من الشر كله اللهم ثبتني على الهدى والصواب

واجعلني من اوليائك رضيا غير ضال ولا مضل و در حديث معتبر ديگر از حضرت صادق ع منقولست كه چون

چيزی را شيطان از خاطر تو محو گرداند وخواهی كه بياد آوری دست بر پيشانی بگذار و بگو اللهم انی اسئلك

يا مذكر الخير وفاعله والامر به ان تصلی علی محمد وآل محمد وتذكرنی ما انسانيه الشيطان

و در احاديث معتبره وارد شده است كه از برای ادای قرض اين دعا بخواند اللهم اغننی بحلالك عن حرامك

وبفضلك عمن سواك و شخصی بخدمت حضرت امام محمد تقی ع نوشت كه قرض بسيار دارم در جواب نوشتند كه

استغفار بسيار بكن و زبانت را تر مدار بخواندن سوره انا انزلناه و در روايت ديگر فرمود كه برای

دفع پريشانی هر روز صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی ع منقولست كه برای دفع فقر و

پريشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگويد سبحان الله وبحمده استغفر الله واسئلك من فضله و در روايت

صحيح معتبر از حضرت رسول صلی الله عليه وآله منقولست كه هركه را فقر او بسيار رو آورد بگويد بسيار لا حول و

لا قوة الا بالله بگويد هفتاد نوع بلا از او دور گردد كه سهلترين آنها غم و اندوه باشد و در حديث معتبر ديگر منقولست

كه هركه هزار مرتبه ما شاء الله بگويد در آن سال او را حج نصيب باشد و اگر در آن سال نرود زنده

باشد تا توفيق حج يابد و در احاديث بسيار وارد شده است لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم دفع نود

جهت ادای قرض

دفع پريشانی

دفع فقر و بلاها

جهت حج

جهت دفع اندوه

میكند و در احاديث معتبره از علی بن الحسين ع منقولست كه هرگاه من اين دعا بخوانم پروا ندارم كه اگر

جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانيدن بمن بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبيل الله

اللهم اليك اسلمت نفسی واليك وجهت وجهی واليك فوضت امری واحفظنی بحفظ الايمان

من بين يدی ومن خلفی وعن يمينی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی وادفع عنی بحولك

وقوتك ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم و در روايت ديگر منقولست كه حضرت صادق ع را

نزد منصور دوانقی رفت و او در نهايت شدت غضب بود حضرت وقت داخل شدن اين دعا خواند

غضب او ساكن شد يا عدتی عند شدتی ويا غوثی عند كربتی احرسنی بعينك التی لا

تنام واكفنی بركنك الذی لا يرام **وايضا** از آنحضرت منقولست برای برگشتن غلام گريخته بر

كاغذی آية الكرسی مدور بنويسد و در ميان بنويسد اللهم لك السماء ولك الارض وما بينهما ان

علی فلان نام غلام را بنويسد من جلد حمل حتی ترده علی وتظفرنی به اين دعا را نيز بخوانند و آن

كاغذ را در موضعی كه شبها در آنجا میخوابد دفن كند و چيز سنگين بر بالايش بگذارد و در حديث ديگر كسی را

كه چيزی گم شود اين دعا بخواند اللهم انك لهادی من فی السماء واله من فی الارض وعدل فيهما وانت

الهادی من الضلالة وترد الضلالة رد علی ضالتی فانها من رزقك وعطيتك اللهم

لا تفتنی بها مؤمنا ولا تعن بها كافرا اللهم صل علی محمد عبدك ورسولك وعلی اهل

هرگاه كسی را غضب گيرد

جهت غلام گريخته

جهت گم شده

بیته و از حضرت امام رضا ع منقولست که از برای گم شده بگوید وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا
هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض
ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی
وترد الضالة صل علی محمد وآله واغفر لی ورد ضالتی وصل علی محمد وآله وسلم و
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که برای گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد سوره
یس بخواند وبعد از نماز دست بسوی آسمان بلند کند وبگوید اللهم راد الضالة والهادی
من الضلالة صل علی محمد وآل محمد واحفظ علی ضالتی واردها الی سالمة یا ارحم الراحمین
فانها من فضلک وعطائک یا عباد الله فی الارض ویا سیارة الله فی الارض ردوا
علی ضالتی فانها من فضل الله وعطائه و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق ع فرمود که
باکی نیست اما زن چون حایض میشود باید که تعویذی که با خود دارد در میان پوست باشد و فرمود که چه
از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کودکان و دردها بخوانید اما افسونها که معنیش معلوم نباشد نخوانند
و فرمود که بسیاری از تعویذ و افسونها کفر است فصل دوازدهم در فواید تربت حضرت امام حسین علیه السلام
و خواص آن زیاده [illegible] در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین ع شفای
هر دردی هست و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که هر کرا علتی حادث

شود و بتربت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت
شفا می بخشد از هر دردی و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت
آنحضرت بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع هیچ عطائی
بجائی نمیفرستاد مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند که ببرکت آن محفوظ
بماند و در حدیث معتبر دیگر مذکور است که ابن ابی یعفور سوال کرد از حضرت صادق ع که بعضی
از مردم از تربت حضرت امام حسین میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمییابند فرمود که
والله که هر کس اعتقاد بنفع دارد البته نفع مییابد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض
کرد که زنان رشته بمن داده اند که بجذبه کعبه معظمه بدهم که جامه کعبه را بآن بدوزند حضرت فرمود
که آنرا بده عسل و زعفران بخر و خاک قبر حضرت امام حسین ع بگیر با آب باران نرم کن و در میان
زعفران و عسل بریز و بشیعیان ما بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که
خاک قبر حضرت امام حسین ع شفای دردها است هر چند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند و در
روایت دیگر فرمود که هشتاد ذرع دور از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایات معتبر
دیگر فرمود که تربت شفا را یک فرسخ و ثلث فرسخ میتوان از اطراف قبر برداشت و فرمود که هیچ چیز مثل
فرمود که هیچ چیز مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزی که برکت آنرا کم میکند در جاهای نامناسب گذاشتن

دکر اعتقادی انکس است که میخورد اما کسی که یقین داند که آن شفا است هر وقت که آنرا معالجه کند انرا
او را بدوا دیگر احتیاج نمیشود و فات میکنند نفع تربت را شیاطین و جنیان کافر که خود را بدان
میمالند و هر یک که میکند زند آنرا میشود و شیاطین و کافران جن زنگی می برند بر فرزندان ادم
پس خود را بدان میمالند که بوی خوش و نفع او را کم کنند و هر تربتی که از حایر بیرون می آورند القدر که
نتوان شمرد از شیاطین که از بیم ملایک داخل حایر نمیشوند و در بیرون مهیا که تا از حایر بیرون آورند
خود را بر آن میمالند و اگر تربت از این سالم ماند هر بیماری که بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را
برداری به بند و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را از حایر بر میدارند
آنرا سبک میشمارند حتی انکه در توبره چهارپایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی
چون شفا یابند بدرستی که هر که صاحب یقین نیست باستخفاف بامور که موجب صلاح اوست اعمال خود را
فاسد میگرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که مرا دردی است و دوا بسیار خوردم
نفع نکرد فرمود که چرا از تربت جناب امام حسین نمیخوری که در آن شفا و امان از هر بیم و در روایت دیگر
بر میداری تربت را بگو اللهم انی اسئلک بحق هذه الطینة و بحق الملک الذی اخذها و بحق
النبی الذی قبضها و بحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد و آل محمد و اهل بیته و اجعل
شفاء من کل داء و امانا من کل خوف راوی گفت شفای هر دردی دانستم چگونه امان از خوف

از خطای یا از بلای آن ترسیده داشته باشی از خانه بیرون میا مگر خاک تربت آنحضرت با تو باشد و آن وقت که خاک را
بر میداری بگو اللهم هذه طینة قبر الحسین ولیک وابن ولیک اتخذتها حرزا لما اخاف و از
ابو حمزه ثمالی منقولست که حضرت صادق فرمود که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و معوذتین و قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی بخوان و بگو اللهم بحق محمد عبدک و حبیبک
و نبیک و رسولک و امینک و بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عبدک و اخی رسولک و بحق
فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک و بحق الحسن و الحسین و بحق الائمة الراشدین و بحق هذه التربة
و بحق الملک الموکل بها و بحق الوصی الذی هو فیها و بحق الجسد الذی تضمنت و بحق السبط الذی ضمنت
و بحق جمیع ملائکتک و رسولک صل علی محمد و آله و اجعل هذا الطین شفاء لی و لمن یستشفی به من
کل داء و سقم و مرض و امانا من کل خوف اللهم بحق محمد و اهل بیته اجعل علما نافعا
و رزقا واسعا و شفاء من کل داء و سقم و آفة و عاهة و جمیع الاوجاع کلها انک
علی کل شیء قدیر پس بگو اللهم رب هذه التربة المبارکة المیمونة و الملک الذی هبط
فیها صل علی محمد و آل محمد و سلم و انفعنی بها انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر فرمود که در
وقتی که تربت را بخوری اول ببوس و بر هر دو دیده بگذار و زیاده از نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنان است
که گوشت و خون ما را خورده است و وقتی که از قبر بر میداری بگو اللهم انی اسئلک بحق الملک الذی قبضها

واسئلك بحق النبي الذی خزنها واسئلك بحق الوصي الذی حل فيها ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تجعله شفاء من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا من كل
سوء پس تربت را بردارد بر پارچه ببندد و سوره انا انزلناه بر او بخواند و در احادیث معتبر دیگر فرموده
که هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنان است که گوشت ما را خورده و چون بقصد شفا خورد بگوید بسم الله
وبالله اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة ورب النور الذی نزل فيه ورب الجسد الذی
سكن فيه ورب الملائكة الموكلين به اجعله شفاء من داء كذا وكذا و آن آزار را ذکر
کند پس تربت را بخورد و جرعه آب بخورد و بعد از آن بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا
وشفاء من كل داء وسقم چون چنین کنی دفع میشود آنچه در خود مییابی از درد و بیماری و اندوه
وغم و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن این دعا بخواند بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا
واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء انك على كل شيء قدير اللهم رب التربة المباركة
ورب الوصي الذی وارته صل على محمد وال محمد واجعل هذا الطين شفاء من كل داء
واماناً من كل خوف و از حضرت امام موسی ع منقولست که چون میت را دفن کنند در برابر رویش
مهری از خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگذارند و در حدیث دیگر فرموده که مومن میباید از پنج چیز خالی
نباشد مسواک و شانه و جانماز و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق و از حضرت

در وقت خوردن تربت بخوانند

دعای دیگر وقت خوردن بگوید

صادق ع منقولست که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند بهر استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته
میشود و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و چیزی نگوید بعدد هر دانه هفت استغفار برای او نوشته
میشود و در حدیث دیگر فرموده که هر که خاک قبر حضرت امام حسین ع را بخورد چنان است که گوشت آن
حضرت را خورده باشد و بدانکه مشهور میان علما آنست که بقدر نخودی میتوان خورد و از بعضی احادیث بقدر
عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورند اما خواص ادویه از حضرت صادق منقولست که
هر که تب کند در اول شب بقدر دو درهم یا سه درهم بزرقطونا بخورد و در آن مرض ایمن گردد
از برسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرموده که فضیلت عناب بر سایر میوهها مانند فضیلت ماست
بر سایر مردم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که عناب تب را زایل میکند و در روایتی
منقولست که ابن ابی الخصیب گفت که دیده من سفید شده بود و چیزی نمی دیدم شبی حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را با هسته
اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح شد و بینا و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که علیکم بالسنا اگر چیزی مرگ را رد میکند سنا است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که در سیاه دانه شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در بعضی روایات وارد شده است از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که بیست و یک دانه آنرا در کهنه بکنید و

در نفع تب و برسام و ذات الجنب

در خاصیت عناب

در فواید سنا

در فضیلت سیاه دانه

کیفیت استعمال کردن

یکشب در آب بخیساند و چون صبح میشود در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم
چنین و در روز سیم در بینی راست یک قطره و در چپ دو قطره بچکانید و در شب دادها را تازه کنند و در روایت دیگر از
حضرت صادق منقولست که شخصی با آنحضرت شکایت کرد از بسیار آمدن بول فرمود که سیاه دانه در آخر شب
بخور و فرمود که من او را میخورم برای درد سر و آب از چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا بآن شفا می بخشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر یکی از برگ و دانه درخت اسفند ملکی موکل است تا آنکه
بپوسد و ریشه اش بدانکه شاخش سحر را برطرف میکند و دانه اش شفای هفتاد درد است پس مداوا کنید
باسفند و کندر و از حضرت صادق منقولست که پیغمبری بخدا شکایت کرد از جبن امت خود وحی برو
نازل شد که امر کن امت خود را بخوردن اسفند که باعث شجاعت میشود و فرمود که کندر برگزیده
پیغمبرانست و هیچ دودی نمیرود تا باسمان بالا غیر دود آن و دور کننده شیاطین است و دفع کننده بلاهاست
و از حضرت امام حسین منقولست که بخور انجیر که جهت دفع قولنج نافع است و فرمود که گند دهان را دفع
میکند و استخوان را محکم میکند و مو در بدن میرویاند و دردها را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند و نقرس و غلبه برودت با طبرزد نفع میدهد و
حضرت صادق علیه السلام فرمود که برگ خرفه عقل را زیاده میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بادروج از ما است و ترتیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام

فرمود

در بسیار آمدن بول
فواید اسفند و کندر
فواید خوردن انجیر که دفع قولنج و گند دهان
انجیر دفع بواسیر
فواید خرفه

فرمود که کاهو خوشبوی میخوردند و از آنحضرت منقولست که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس و ریحان
است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سداب بخورد و در شب بخوابد در آن شب ایمن
باشد از ورم و آبی پرونده و [illegible] و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنیان و سیاه دانه
و الشم سفوف میکردند و بعد از لبنیات و طعام که بیم ضرری بود تناول میفرمودند و گاهی
با نمک سوده ممزوج ساخته پیش از طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخوریم از
هیچ چیز خوردن پروا نمیکنم تقویت معده میکند و بلغم را میبرد و امان می بخشد از لقوه و فرمود که
حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفای دردهاست و بر آن هفتاد پیغمبر فرستاده است و حضرت
صادق علیه السلام که سرکه شراب بن دندانها را محکم میکند و عقل را زیاد میکند و کرمهای شکم را میکشد
و فرمود که اشنان دندانها را سست میکند و آب پشت را فانی میکند و دهن را خوشبو و فرمود که هر که زنیان
با گردکان با هم بخورد بواسیر را میسوزاند و بادها را دفع میکند و معده را زبر میکند و فرمود که گرده را
گرم میکند و فرمود که آن شم و نمک با یکدیگر بادها را میشکند و بلغم را میسوزاند و ادرار بول میکند و دهن را
خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و قوت جماع را زیاد میکند و در چند حدیث وارد شده که مالیدن
نمک دفع زهر عقرب و گزندگان میکند **باب دهم** در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف
ایشان **فصل اول** در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان در احادیث معتبره بسیار وارد شده

فواید کاهو
در فواید سداب
فواید زنیان و سیاه دانه و الشم
در خاصیت عسل
در نفع سرکه
دفع بواسیر زنیان با گردکان
خاصیت الشم با نمک
دفع گزندگان

است که رحم در روز قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا وصل کرده است تو امروز او را
برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث
بسیار منقولست که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال او و مال را زیاد میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را
دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که در دو طرف صراط امانت و صله رحم خواهد است پس کسی که در امانت خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است
از صراط بآسانی میگذرد و به بهشت میرود و کسی که خیانت در امانتها کرده و قطع صله رحم کرده است عمل دیگر او
نفع نمیدهد و از صراط او را در آتش می اندازد و حضرت صادق ع فرمود که صله رحم کردن و با همسایگان
نیکو سلوک کردن خانه‌ها را آبادان میکند و عمر را دراز میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هیچ عملی زودتر ثوابش از صله رحم نمیرسد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که ما چیزی را نمیدانیم
که عمر را دراز کند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که کسی از عمرش سه سال مانده است و بجهة صله رحم
عمرش سی و سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان دارم
که شیعه نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند و اگر شیعه باشند دو
حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مومن حساب قیامت را آسان
میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران مومن را ترک مکنید اگرچه بسلام کردن

جواب سلام

جواب سلام گفتن و جواب دادن باشد و حضرت امیرالمومنین ع فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مالهای ایشان
بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که زودترین خیرها که ثوابش میرسد نیکی
اینهاست و پیش از مردن عقوبت آنها را میکشند ظلم و قطع رحم و قسم دروغ خوردن و بسیار است
که جماعتی بدکردار باشند و بسبب صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم
خانه‌ها را از اهلش خالی میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بپای خود برود
بنزد خویشان خود بدیدن ایشان یا برای آنکه مالی بایشان برساند حق تعالی ثواب صد شهید او را
کرامت کند و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامه اعمال او بنویسند و چهل هزار گناه از او محو
شود و چهل هزار درجه در بهشت برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال عبادت خدا با اخلاص
کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس‌اند که داخل بهشت نمیشوند کسی که همیشه شراب خورد یا همیشه
سحر کند یا قطع صله رحم کند و فرمود که هر که رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت باو هزار درجه
کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد یک درجه از نقره و یک درجه از طلا و دیگری از مروارید
و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزها که خدا
خلق فرموده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در شب معراج دیدم رحمی را بعرش آویخته و از
رحم دیگر شکایت میکرد و از او پرسیدم که در چند پشت نسبت تو باو میرسد گفت در چهل پشت

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسی که صلهٔ رحم کند و روزیش را خدا زیاد کند و عمرش را دراز
و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار سال راه شنیده میشود و آنرا نمیشنود
عاق پدر و مادر و قطع کنندهٔ رحم و پیر زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که بر غلامی یا کنیزی بقدر حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر شده باشد کفارهٔ
نیست گناه او را بغیر از آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت امام علی النقی ع پرسیدند که بنده
که فرمان صاحبش نبرد آیا حلالست زدن فرمود که نه اگر موافق طبیعت باشد نگاه دارد و اگر نه
بفروشد یا رها کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در تادیب اطفال و غلام و کنیزان
پنج تازیانه و شش تازیانه بیشتر مزنید و آنرا هم برفق و هموار بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که زراره از آنحضرت سؤال کرد از زدن بنده فرمود که هرگاه هر چیز در دست او تلف شود بی تقصیر
او چیزی نیست اما اگر دانسته باشد تو بکند میتوانی زد او را گفت چه مقدار بزنم فرمود که سه یا چهار
یا پنج و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پیوسته جبرئیل ع مرا وصیت میکرد در باب
غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد و چون بآن حد برسند آزاد شوند
از حضرت صادق ع منقولست که بندهٔ مؤمن هرگاه هفت سال خدمت کند آزاد میشود و بعد از
آن خدمت فرمودن باو حلال نیست و علما حمل کرده اند این حدیث را بآنکه سنت مؤکد است که

بعد از

بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث صحیح از امام محمد باقر ع منقولست که چهار صفت است که در هر که
باشد حق تعالی او را ساکن گرداند در اعلا علیین در غرفهای شرف کسی که رحم کند بر ضعیفان و اعانت
ایشان نماید و کسی که پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزلهٔ پدر مهربان باشد
و کسی که مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدارا کند و احسان نماید و ایشان را آزرده نکند
و کسی که تندی و سفاهت با بندهٔ خود نکند و او را یاری نماید بر خدمتی که باو میفرماید و کاری که
باو دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که به بندگان خود بخورانید
از آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید از آنچه خود میپوشید و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت باصحاب
خود فرمودند که میخواهید خبر دهم شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که بندگان ایشان
ظلم نکنی ایشان بر تو ظلم کنند و نان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود
را بقدر عقل ایشان مورد عتاب سازند و در حدیث معتبر منقولست که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام
ناپیدا بود و حضرت او را میطلبیدند تا آنکه دیدند در جائی خوابیده است و در بالین او نشستند و او را
باد میزدند تا بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست شب خوابی که روز خواب میکنی شب خواب کن و روز
خدمت کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که سه کس اند که نماز ایشان مقبول نیست یعنی
که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نمازی باشد گروهی کند که او

راضی نباشند و زنی که شوهرش از او خشم نماید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که اول کسی که داخل بهشت میشود شهید است و غلامی که نیکو عبادت کند پروردگار خویش را و خیرخواه آقای
خود باشد و مرد عیالباری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث معتبره ایضا از آنحضرت منقولست
که هر که بنده را آزاد کند حق تعالی بعدد هر عضوی از او را از آتش جهنم آزاد کرداند و از حضرت صادق علیه السلام فرمود
که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بجهة التقرب بنده آزاد کردن بنده و تصدق کردن فصل
دویم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
پیوسته جبرئیل مرا وصیت مینمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او میراثی قرار خواهد
داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند بوی بهشت را بر او حرام کرداند و ماوای او جهنم باشد و
فرمود که هر که همسایه خود را بقدر یک شبر زمین خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی کرداند
در گردن او تا چون او را بمقام حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین
را پس دهد از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب
حکمی که اگر احسان با او بکنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذراند و همسایه که چشمش ترا خواهد بیند و
دلش مکر ترا خواهد و اگر نیکی بیند بپوشد و نگوید و اگر بدی بیند ظاهر کند و منتشر کرداند و زنی که
که اگر حاضر باشی ترا شاد کرداند و اگر غایب باشی بجانب او مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که آزار

هم سا

همسایه کند برای طمع در خانه او خدا او را بهمسایه نرساند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله پرسیدند که آیا مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود که بلی نیکی و احسان کردن بخویشان
که با تو بدی کنند و احسان بهمسایه مسلمان کردن بدرستی که ایمان بمن ندارد کسی که شب سیر بخوابد
و همسایه مسلمانش گرسنه باشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تا چهل خانه از
هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال ماعون است که حق تعالی وعید جهنم
فرموده است برای کسی که منع آن نماید و آن قرضی است که بر همسایه بدهد تا فروشی خوانه که
بایشان عاریه دهد راوی عرض کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان دهیم بعاریه
میشکنند و ضایع میکنند در این صورت بر ما گناهی هست که بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین
باشد گناهی بشما نیست اگر ندهید و در حدیث دیگر فرمود که حلالی نیست منع کردن نمک و آتش از
از همسایگان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ماعون را از همسایگان
منع کند حق تعالی منع کند از او خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که او را خدا
واگذارد بخود وای بر حال او و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنهار متعرض حقوق مشوید
بر خود لازم کردانید اینجا از هر جهاتی که در قبیله واقع میشود بدهید و مدارا میکنید و اگر از
قبیله شما کسی شما را تکلیف کند که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که باو میرسد قبول نکنید

نفعی

و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بیماری بعیادت صعصعة بن صوحان که از بزرگان
اصحاب آنحضرت بود تشریف بردند و فرمودند که با آنکه من بعیادت تو آمده ام فخر بر قوم خود مکن و اگر ایشان
با تو امری پیش آید خود را از آن امر بکنار مگیر که آدمی بی‌نیاز از قوم و قبیلهٔ خود نیست و با ایشان محتاج
است اگر یاری ایشان کنی یک یاری از ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشان را از خود گردانیده پس اگر
ایشان را در حال خوبی یاری ایشان بکن بر آن امر و اگر در بلا باشند ایشان را وا مگذار و یاری کردن
شما یکدیگر را باید در اطاعت خدا باشد بدرستی که همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود و اگر یاری یکدیگر کنید در
طاعت خدا باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقولست که اسیری چند را نزد حضرت رسول صلعم
آوردند از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن زنند در آن حال جبرئیل ع نازل شد و گفت
یا محمد این اسیر را که میخواهی گردنش را بزنی مردم را طعام میخورانید و مهمانداری میکرد و خرجهایی که در میان
قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبیله را بدوش میکشید پس حضرت صلعم با آن اسیر فرمود
که حق تعالی چنین وحی فرستاده و من ترا آزاد کردم از کشتن باین خصلتها اسیر گفت که پروردگار تو
این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی اسیر گفت که شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو
بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز از مال خود کسی را ناامید نگردانیده ام و در حدیث
معتبر وارد شده است که خوردن مال یتیم بناحق از جملهٔ گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم

فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را و نفقه دهد من و او در بهشت مانند دو انگشت باهم باشیم و بانگشت
شهادت و میانی اشاره فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را
بدهد تا مستغنی شود از او خدا بهشت را برای او واجب گرداند چنانچه برای خوردن مال یتیم جهنم را
واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه
که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حق تعالی برای او بعدد هر موئی که دستش بر او میگردد حسنه
برای او بنویسد و در روایت دیگر منقولست که بهر موئی حق تعالی نوری کرامت فرماید در قیامت و در
حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد که دلش نرم شود یتیم
را نزد خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بخواند و آن روز بشفقت دست بر سرش بمالد
بدرستی که یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی بلرزد
پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه درآورده است این بنده مرا که پدرش و مادرش را در زیر خاک کرده ام
بعزت و جلال خودم سوگند که هیچ بنده او را ساکت نکند مگر آنکه بهشت را برای او واجب شود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در قرآن مجید بر آنکسی که مال یتیم را بناحق بخورد دو
عقاب مقرر ساخته است یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از او با یتیمان او
بکنند آنچه با یتیمان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی در دنیا

فرمود

جامعی باشند که مال یتیم را خورده باشند چنانچه خدا میفرماید بدرستی که آنجماعت که مال یتیم را بظلم میخورند نمیخورند
در شکم خود مگر آتش را و بزودی آتش افروخته جهنم کردند و بدانکه ولی یتیم تصرف در مال او تواند نمود پدر است
و جد پدری و وصی ایشان که تعیین کرده باشند و اگر ایشان نباشند حاکم شرع یعنی امام و کسی که آنحضرت
فرموده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهد جامع الشرایط میکند یا کسی که او
نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان
و ضبط اموال ایشان میتوانند شد آنچه صرفه و غبطه ایشان در آن باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند
و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان باشد بقدر خرج ضروری میتوانند شد که بکنند و بهتر آنست که رعایت
کنند که زیاده از اجرت متعارف العمل بر ندارند و هم چنین پدر و جد پدری او و وصی باید که رعایت
رعایت صرفه ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که دفعا بعوض کنند از مال ایشان
قرض بر دارند و اگر پدر و پدر جدی پریشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند
برداشت و اگر مادر هم پریشان باشد نفقه او را از مال یتیم میتوانند داد و اگر بقدر خرج طفل را
حساب کنند و با نفقه خود ضم کنند و با هم خرج کنند باکی نیست **فصل ششم** در حقوق صداقت
و اخوت و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت وصیت نمود بحضرت امام حسن ع
که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار صالحان را برای صلاح ایشان و از حضرت رسول صلعم

منقولست که کسی را هیچ بعد از اسلام فایده نیافته که بهتر از برادری باشد که از برای خدا گرفته باشد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر دینی مؤمنی برای خدا گرفته باشد خانه در بهشت یابد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که بسیار است که اندوه گین میشوم
بی سببی بحدی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من مشاهده میکنند فرمود که حق تعالی مؤمنان را
از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مؤمنان
برادر و پدر و مادر یکدیگرند پس بروح یکی از مؤمنان اندوهی رسیده مؤمنان دیگر برای اندوه
او محزون میشوند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کردن بر روی
امام عادل عبادتست و نظر کردن بر روی پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادتست و نظر
کردن بر روی برادری که دوست داری او را برای خدا عبادتست و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که برادران دو نوعند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری یکدیگر
و دیگری برادران خنده پیش و صحبت اما ایشان بمنزله دست اند و بال اند و اهل اند و مال اند پس چنین
برادر چنین داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش
دشمنی کن و راز شرا بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن و بدانکه ایشان قسم برادران
کمترند مثل گوگرد احمر که اکسیر است اما آن دویم پس تو لذت صحبت ایشان را میخواهی یابی این را از ایشان

قطع مکن و توقع زیاده از این از ایشان مدار و در احادیث معتبر وارد شده است که جوف برادران
و آشنایان در عالم ارواح بهم رسیده و در این نشأ چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می آورند و در (در میان مؤمنان)
حدیث دیگر (معتبر) وارد شده است که مؤمن و برادر مؤمن دیده اوست و رهنمای اوست با او خیانت
نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمیدهد و وعده که با او کند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید
و غیبت او نمیکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی
چند دارد که هر که همه آنها در او نباشد بکمال صداقت نسبت مده و کسی که هیچ یک از آنها در او نباشد
هیچ چیز از صداقت او را نسبتی نباشد و علامت دوستی و صداقت پنج چیز است اول آنکه آشکارا
و نهانش یکی باشد با تو دویم آنکه زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیم
آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن
رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت تنگیها و بلاها ترا وانگذارد و ترک یاری تو نکند و
در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه حرف
بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر
برادر و دوست خود مکن که راز خود را باو بسپاری در وقتی که از تو برگردد چاره نتوانی کرد
و از حضرت امام رضا ع منقولست که محبت بیست ساله خویشان و محبت و علم اهل شرا با یکدیگر

بیشتر جمع میکند و ربط میدهد از پدران و از حضرت صادق ع منقولست که چون دوستی در آشنائی
و حکومتی بهم رساند و ده یک آنچه پیشتر با تو دوستی میکرد نکند دوست بدی نیست از برای تو
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که دوستی با دوستان خود هموار مکن و خود را بر ایشان
بلکه روزی دشمن تو شوند و دشمنی با دشمنان خود هموار مکن و خود را پرده در عداوت با ایشان بلکه روزی با تو
دوست شوند و از حضرت صادق ع منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را بر راز خود که اگر دشمن تو
بداند بتو ضرر نرساند زیرا که گاه هست که دوست یکروزی دشمن میشود و از حضرت امام موسی ع منقولست
که بهترین عیشهای دنیا در فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان به پسر خود گفت که با هر کس
مصاحبت مکن و با هیچ کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مباش که فرزند بدان باشی
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی او گوارا نیست صحت بدن و
امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که را نه پند دهنده از دل خود و نه
زجر کننده از نفس و مصاحبی که او را براه خیر نباشد در روش شیطان بگردنش سوار میشود و فرمود
که قطع آشنائی از دوستان پدری خود مکن که روشنی احوال بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هر که
محبت خود را بغیر محلش بکند او خود متعرض قطع محبت شده است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که خود
را در محل تهمت در آورد ملامت نکند مگر خود را و هر که راز خود را پنهان دارد اختیار با خود اوست و هر که بسیار

که از دو کس برگذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی که آنچه از او بینی در محل نیک حمل کن تا آنکه بر تو بدی
برسد و دیگر محل نیک نیابی و زنهار گمان بد مبر بسخنی که از برادرت صادر شود تا محل نیکی برای آن یابی و
بسیار بگیر از برادران نیک ایشان در وقت رفاهیت تهیه برای وقت بلا و در وقت بلا بیشتر بند برای
دفع بلا و مشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری دوست دار
و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
اگر خواهی بر تو تمام شود نعمت و کامل شود برای تو مردی و مروّت و با صلاح آید برای تو امور
معیشت پس شریک مگردان غلامان دون خود را در کارهای خود که اگر ایشان را امین کنی خیانت
میکنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلائی ترا پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت
بکن هرچند کریم نباشد از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش احتراز کن هرچند عاقل نباشد که از
عقل خود از او منتفع میشوی و بگریز از احمق نهایت گریختن که بخیل باشد **فصل چهارم** در بیان
حقوق مؤمنان بیکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها واجبست و اگر یکی از
آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا بیرون میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم بدانی و عمل نیاوری
و رعایت نکنی آسان ترین الحقوق آنست که آنچه از برای خود دوست داری از برای او دوست داری

وانچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی دویم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی خوشنودی او
کنی و انچه فرماید اطاعت کنی سیم آنکه او را یاوری کنی بجان و مال و زبان و بدست و پا کنی چهارم آنکه
دیده و راهنما و آئینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد و تو سیراب نباشی و او تشنه باشد
و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد
واجبست که خدمتکار خود را بفرستی که جامه اش را بشوید و طعامش را بسازد و رخت خوابش را بگستراند
هفتم آنکه ترا قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه خود دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش
بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیش گیری بدر آوردن پیش از آنکه
از تو سؤال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را بمحبت او و محبت خدا و در حدیث دیگر فرمود که هیچ
عبادت بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست نزد خدا و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که وعده
کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده مؤمن کند اول ابتدا به
خلف وعده خدا کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که مؤمن را بر مؤمن هفت حق است آنکه در حضور او را تعظیم نماید و محبتش در سینه او باشد و مال خود را
از او دریغ ننماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه او
حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که دوست دار برادر مؤمن خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی و مخواه از برای او آنچه از برای
خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سؤال کن و هرگاه از تو سؤال کند باو عطا کن و نیکی را از او ذخیره
مکن تا آنکه او هم از تو ذخیره نکند و یاور او باش تا او هم یاور تو باشد اگر غایب شود حرمت او را در غیابش
نگاهدار و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی دار بدرستی که او از تست و تو از اوئی و اگر با تو
در مقام عتاب پیش آید یا در او باش و او را مهربانی زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که مسلما
نرا بر برادر مسلمان شش حق است هرگاه که باو برسد سلام کند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون عطسه کند
او را دعا کند و چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود و هرگاه بضیافتش طلبد قبول کند و از برای او دوست دارد آنچه
از برای خود دوست میدارد و آنچه از برای خود دشمن دارد از برای او دشمن دارد و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که صبح
و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد از مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم کسی است که نفعش بمردم
بیشتر رسد و فرمود که هر که از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند بهشت از برای او واجب باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که حق مؤمن بر مؤمن آنست که او را بمیل دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر کسی بدی رود
باحوال او و اهل او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غایب
باشد بهره او را از برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبر او برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت
نکند و بر روی او اف نکند و اگر بگوید که تو دوست منی دوستی از ایشان برطرف نشود و اگر بگوید که تو دشمن منی یکی

از ایشان کافر باشند زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته است آن دیگری کافر است یعنی صاحب
و چون او را به تهمتی متهم سازد ایمان در دلش گداخته شود چنانکه نمک در آب میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که باید برای
برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد و دوستی خود را خالص گرداند از شوایب باید
آنکه از شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را زایل گرداند و
الا دعا کند که خداوند اندوه او را بر دارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت آمد او را
پرسید که برادران خود را بچه حال گذاشتی گفت به نیکو حالی گذاشتم فرمود که توانگران ایشان چگونه بحال
فقیران میرسند گفت کمتر فرمود که توانگران چه قدر بدیدن فقیران میروند گفت کمتر فرمود که توانگران
چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائید که در میان ما اینها کمیاب است فرمود که پس چگونه
ایشان دعوی تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران نیکوکاران باشند از برای خدا با
یکدیگر دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و با یکدیگر بنشینید و دین ما را احیا و ما را یاد آورید و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که واجبست از برای مؤمن که هفتاد کبیره او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه
منقولست که واجبست از برای مؤمن بر مؤمن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت او و در روایت دیگر فرمود که
بر شما باد بخیرخواهی خلایق که هیچ عمل نزد خدا بهتر از خیرخواهی نیست **فصل پنجم** در قضای حاجت
مؤمنان و سعی در کارهای ایشان نمودن و شاد گردانیدن ایشان و در حدیث صحیح از حضرت رسول

علاوه آن منقولست که هر که مؤمنی را شاد کرده اند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد کرده اند خدا را شاد
کرده است و در حدیث معتبر از امام محمد باقر ع منقولست که تبسم کردن بر روی برادر مؤمن حسنه است
و هیچ عبادتی را خدا دوست تر نمیدارد از شاد گردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب
فرمود بحضرت موسی ع بدرستی که مرا بندگانست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم و ایشان را حاکم
میگردانم در بهشت حضرت موسی گفت خداوندا کیستند ایشان فرمود کسی که سروری بر مؤمنی داخل کند پس حضرت
فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام آزار او بود از او گریخت و
بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد و بمهربانی ضیافت کرد چون وقت مرگ آن
کافر شد حق تعالی باو وحی فرمود که بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جائی میبود
هر آینه ترا به بهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرامست بر کسی که کافر بمیرد پس خطاب کرد
بآتش جهنم که او را مترسان و روزی او را داده فرمود که در اول روز تا آخر روز برای او روزی میبرند
و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی وحی فرستاد بحضرت داود ع که بنده از بندگان
من حسنه نزد من میآورد بهشت را برای او مباح کردم حضرت داود ع پرسید که آن کدام حسنه است
فرمود که بر بنده من خوشحالی داخل کرده اگرچه بیک دانه خرما باشد حضرت داود گفت پروردگارا سزا
وار است کسی که ترا بشناسد قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد کرده اند او

شاد

شاد کرده اند بلکه حضرت رسول را شاد کرده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون
مؤمنی از قبر بیرون آید با او شخصی بیرون می آید و میگوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خداوند خو
شحالی پس مؤمن باو میگوید که خدا ترا بشارت نیکی بدهد پس با او باشد همه جا که میگذرد باو میگوید که این
از تو نیست و بهر نیکی که میگذرد میگوید این از تست و پیوسته او را چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام
حساب آید پس چون امر شود که او را به بهشت برند باو میگوید که بشارت باد ترا که حق تعالی فرموده
است که ترا به بهشت برند آنمؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من
بودی و از جانب خدا مرا خبر رسانیدی گوید منم آن شادی که در دل برادر مؤمن خود داخل کردی
در دنیا خدا مرا خلق کرده که بشارت دهنده تو و در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که
هر که مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از
آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند اگر ناصبی نباشند و در
حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب دادن
در راه خدا بجنگ فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار
درهم صرف کرده باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که یک حج بهتر است از [illegible] بنده

آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل خانه یک مسلمان که ایشان را سیر کند و بپوشاند و روی ایشان را
از سوال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
هفت شوط طواف دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار
درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف
و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی حاجت مسلمانی را برآورد حق تعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی
نمیشوم برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای برآوردن حاجت مؤمن اراده
حق تعالی دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برای او استغفار کنند و دعا کنند که حاجتش بر
آورده شود و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمن او نزد او بیاید برای
حاجتش رحمتیست که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبول کند بآنکه پیوند کرده است دوستی او را با دوستی
ما و دوستی ما را بدوستی حق تعالی موصول نموده و اگر او را رد کرد و قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی بر او
مسلط گرداند در قبر ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد و خواه
عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی برادر مؤمن او برای حاجتی نزد او بیاید و قادر
بر برآوردن حاجت او باشد و دلش شاد شود بسبب همین خدا بهشت را برای او واجب گردانیده و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در جهت حاجت برادر مؤمن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته

شود

شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد
از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که خدا را بندگان هست که سعی در
حاجت مردم میکنند ایشان ایمنند در قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کرده اند حق تعالی در قیامت
دل او را شاد گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که راه رود برای برآوردن حاجت برادر
مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او حسنه بنویسد و گناهی محو کند
و درجه بلند کند و چون از کار ساری او فارغ شود ثواب حج و عمره برای او بنویسند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که چون راه روم در حاجت مسلمانی دوستتر دارم از آزاد کردن هزار بنده و هر کس را بر اسبان زین
و لجام کرده سوار کنم و بجهاد فرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود و حاجت برادر مسلمان
خود را برآورد از برای رضای خدا برای او هزار حسنه بنویسند که بسبب آنها خویشان و آشنایان او را بیامرزد
هر که با او نیکی کرده است در قیامت و خطاب رسد که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و
داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهل بیت رسول خدا باشد و فرمود که حق تعالی فرموده است که خلایق عیال منند
و محبوبترین ایشان نزد من کسیست که با ایشان مهربانتر باشد و سعی در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند
و فرمود که هر که بفریاد برادر مؤمن رسد که غمگین و مضطر خود را در هنگام تشنگی و سختی و غم او را بردارد و
حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا با او بدهد که کارهای دنیای او

ساخته شود و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای او ذخیره کند از برای ترسها و شدتهای روز پر هول و بیم
قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای آخرت را از او بازدارد و چون از قبر بیرون
آید دلش مطمئن و شاد باشد و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی او را از میوه‌های بهشت طعام دهد و
هر که مؤمنی را آب دهد حق تعالی او را از شراب سر به مهر بهشت آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی حاجت [حاجات] دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند خدا هفتاد
عیب دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا یاور اوست و در حدیث
معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی
صد حاجت او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر ظالمی خدا یاری کند
او را در گذشتن صراط در وقتی که قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود
چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد و هر که مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی
حق تعالی از شراب بهشت او را سیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر گرداند حق تعالی او را از میوه‌های بهشت سیر گرداند
و هر که بر مؤمنی جامه بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در امان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه تاری باقی
باشد و هر که خادمی بدهد با او خدا او را از پسران بهشت خادم بدهد و هر که پیاده را سوار کند حق تعالی
او را در قیامت بر ناقه از ناقه‌های بهشت سوار کند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند

برمؤمنی

بر مؤمنی چنان باشد که او را جامه داده باشد از وقت ولادت تا وقت مردن و هر که زیارت مؤمنی کند جهت و طلب
که با او انس گیرد حق تعالی در قبر ملکی است که مونس گرداند با او به صورت محبوب‌ترین اهل او و هر که در
بیماری عیادت مؤمنی بکند ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند که خوشا حال تو گوارا باد او را بهشت برای
تو و الله که قضای حاجت [و برآوردن] مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از
ماههای حرام و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در
زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را ادا
کند یا مؤمنی که مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی در روز
قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را به جهنم برند و ملکی او را برد به جهنم و خطاب کند
مؤمن را که بفریاد من برس که در دنیا من به تو نیکی کردم و حاجت ترا برمی‌آوردم مؤمن به ملک گوید دست
از او بردار حق تعالی گوید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد او را بگذارد و در حدیث معتبر از حضرت
علی بن الحسین علیه السلام منقولست که بگردان مسلمانان را نزد خود بمنزله اهل خود پیران ایشان را بمنزله پدر خود
بدان و خوردان ایشان را بمنزله فرزندان خود بدان و آنها هم که با تو باشند بمنزله برادران خود
بدان پس بر کدام یک از اینها میخواهی ستم کنی یا نفرین کنی یا غیبت ایشان را فاش کنی و اگر شیطان
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی و اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان

واعمال شایسته در من بیشتر کرده است پس او از من بهتر است و اگر خورد تر از خود را ببینی بگو که
من پیش از او گناه کردم پس او از من بهتر است و اگر هم سال خود را ببینی بگو که یقین بگناه
خود دارم و در گناه او شک دارم پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی که مردم
تعظیم و تکریم میکنند ترا بگو که این از نیکی ایشانست که بجا می آرند آداب و عمل میکنند و اگر ایشان
از تو دوری کنند و حرمت ترا ندارند بگو که این از گناهیست که کرده ام چون چنین کنی زندگانی
بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شود و از نیکی ایشان شاد شوی
و از بدی ایشان دلتنگ نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است که خیرش بایشان رسد
و ایشان مستغنی باشند از او و سؤال نکند از ایشان و گرامی تر کسیست که محتاج باشد و سؤال
نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند هرکه با ایشان در مال مزاحمت نمیاید
عزیز تر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی ع به یکی از اصحاب خود فرمود
که آنچه نمیخواهی که با تو بکنند با هیچکس مکن و اگر طپانچه بر جانب راست رویت بزنند جانب
چپ پیش کن و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع فرمود که هر مسلمانی که مسلمان
دیگر نزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد در برآوردن آن حاجت و بر نیاورد حق
تعالی در روز قیامت نفرین بر سر او نماید و بفرماید که برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد که من ترا

قادر گردانیده بودم بر برآوردن حاجت او و تو بر نیاوردی آنکه ثواب از برای خود خواستی بعزت خود سوگند
میخورم که در هیچ حاجت نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه ترا عذاب کنم و در حدیث
دیگر فرمود که هر مؤمنی منع کند از مؤمنی چیزی را که او بآن محتاج باشد و او قادر باشد که
او را از خود یا از دیگران باو برساند حق تعالی او را با روی سیاه و دیدهای کبود و دستها در گردن
غل کرده باز دارد پس بگوید که اینست خائنی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرمایند او را
بجهنم برند و از حضرت امام موسی علیه السلام که در قیامت سه کسند که در سایهٔ عرش الهی باشند
در روزیکه سایه بغیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زن بدهد و کسی که خادمی باو بدهد
و کسی که راز او را پنهان دارد **فصل ششم** در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان
در احادیث معتبره وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و حضرت صادق علیهم السلام که هرکه بدیدن
برادر مؤمن خود برود از برای خدا حق تعالی هزار ملک با او موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانهٔ
خود برگردد و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
رسول صلعم فرمود که جبرئیل ع مرا خبر داد که حق تعالی ملکی بر زمین فرستاد و آن ملک رسید بمردی
که در در خانه ایستاده بود و از صاحب خانه رخصت میطلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که
یا صاحب این خانه چه کار داری گفت برادر مسلمانیست از برای خدا بدیدن آن آمده ام

ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده
ام و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت را واجب گردانیدم برای تو و میفرماید که هر مسلمانی
بدیدن مسلمانی برود چنانست که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بهشت است و
در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود بخواند او را حق تعالی
و او را خطاب فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمان داری تو بر من است بهشت را که برای تو
واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که مؤمنی که بیرون آید بعزم دیدن برادر مؤمن خود خداوند عالمیان ملکی را موکل
میگرداند که یک بالش بر زمین گذارد و یک بالش بر سر او سایه کند پس چون داخل خانه آن مؤمن
شود خداوند جبار او را ندا کند که ای بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من
نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوانی تا اجابت
دعای تو کنم و اگر خواهی ساکت باش تا من ابتدا بر حاجت تو کنم پس چون برگردد حق تعالی او را
ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق بهشت را
برای تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که بدیدن برادر مؤمن رفتن از برای خدا بهتر است از بنده مؤمن آزاد کردن و هر که

بنده مؤمنی را آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده [illegible] از آتش جهنم آزاد کرداند و در حدیث
معتبر منقولست که آنحضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان بگو رحمت
کنند بنده را که با دیگری بنشینند و یاد کنند احادیث ما که بسبب هم نشینی و مذاکره شما مذهب
و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد کند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که بدیدن یکدیگر بروید و زخوانهای خود که این زنده میماند دین ما خدا رحمت
کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خوشا حال آنها
که دوستی میکنند با یکدیگر برای خدا بدرستی که حق تعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر
آن عمود هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را برای
کسانی که دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر روند از برای خدا و از حضرت صادق علیه منقولست که هر که
قادر نباشد که بما احسان بکند بشیعیان صالح ما احسان کند تا ثواب احسان کردن بما در نامه عملش
نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن صالحان و شیعیان ما برود تا ثواب
دیدن ما در نامه عملش نوشته شود و در حدیث معتبر منقولست از حضرت صادق ع که هر که عیادت کند
مسلمان بیمار برادر آنرا هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار کنند تا بخانه
برگردد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که عیادت کند مؤمنی را در رحمت الهی فرو رود

پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند و چون برگردد هفتاد هزار ملک را با او موکل
گرداند که جهت او طلب مغفرت کنند و بر او ترحم کنند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از
برای تو تا روز دیگر این وقت زاویه در بهشت باو عطا نماید که سواره در آن چهل سال بتازد و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مومنی را در بیماری عیادت کند برای خدا حق تعالی با او
موکل سازد هفتاد هزار ملک که همیشه بخوانه او آیند و در آنخوانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی
گویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار است
کسی که بیمار شود و برادران مومن را اعلام نماید که بعیادت او بیایند که ایشان ثواب بیابند و
او ثواب بیابد بخبر کردن ایشان اگر چنین کنند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او
محو شود و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی عم منقولست که چون کسی
بیمار شود مردم را رخصت دهند که بعیادت او بیایند بدرستی که نیست کسی مگر آنکه او را دعائی
کنند مستجاب شود و از حضرت صادق عم منقولست که کسی که بعیادت بیماری از برادران مومن
مومن برود و برای خود طلب دعا بکند که دعای [illegible] دعای ملائکه است و ایضا از آنحضرت منقولست
که در چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از آن یک روز
نه و یک روز و چون بیماری بطول کشد او را با عیالش باید گذاشت و عیادت نباید کرد و

حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیماری روید سیبی یا بهی یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود
ببرید که بیمار بآن استراحت می یابد و در حدیث دیگر فرمود که تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع
در وقت دعا کردن و زود برخیزد عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زودتر
برخیزد مگر بیمار نشستن او را خواهد و از او سوال کند که بنشیند

فصل هفتم در طعام دادن مومنان

و آب دادن ایشان و جامه پوشانیدن و سایر اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان
از حضرت صادق منقولست که هر که مومنی را سیر کند بهشت او را واجب شود و هر که کافری را سیر
کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را
سیر کند خدای تعالی از سه بهشت او را طعام دهد جنت الفردوس و جنت عدن و درخت طوبی و در حدیث
دیگر فرمود که هر که طعام دهد مومنی را که تا سیر شود هیچ یک از خلق خدا ندانند که او را چه ثواب
نه ملک مقرب نه پیغمبر مرسل مگر آنکه پروردگار عالمیان داند پس فرمود که از جمله چیزهای که
آمرزش را واجب میگرداند طعام دادن [illegible]ن گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که هر که شربت آبی دهد بمسلمانی در جائی که آب کم باشد چنان باشد که ده بنده آزاد
کرده باشد از فرزندان اسمعیل عم و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد برادر مومن خود را برای

خدا

خدا چنانست که ده بنده آزاد کرده باشد و صد هزار کس از دیگران طعام داده باشد و در حدیث حسن
دیگر فرمود به سدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من وفا نمیکند
فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پرسید که مالدار یا پریشان
فرمود که مالدار هم گاه هست خواهش طعام دارد و در حدیث دیگر فرمود که یک لقمه که برادر
مسلمان نزد من بخورد نزد من بهتر است از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مؤمن مالداری را طعام بدهد برابر است که یک بنده از فرزندان اسمعیل ع که او را از کشتن
آزاد کند و هر که مؤمن محتاجی را طعام دهد (بخوراند) برابر است با صد بنده از فرزندان اسمعیل ع
را که از کشتن آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر که یکی از آنها بجا آورد
داخل بهشت میشود کسی که تشنه را سیراب کند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده
که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین اعمال نزد خدای
تعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمانی را ادا کردن یا غمی از او بر داشتن فرمود
که خیر و برکت در خانه ایست که در آن طعام داده میشود و خیر و برکت بآن خانه زودتر برود از
فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که جامه زیادتی
داشته باشد و داند که برادر مؤمن خود باو محتاج است و باو ندهد حق تعالی او را سرنگون در آتش جهنم در

اندا

اندازد و هر که سیر بخوابد و نزدیک او مؤمن گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این
بنده که من او را امر کرده ام و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود
گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورده است بمن کسی
که سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه منقولست که هر که خانه داشته باشد
و مؤمنی محتاج شود که بآن خانه ساکن شود و او راضی نشود حق تعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل ورزید
با بنده من در ساکن شدن در خانه او در دنیا و بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هرگز او را در
بهشت ساکن نگردانم و از آنحضرت نیز منقولست که هر که دور کند آزاری از راه مسلمانان حق تعالی
ثواب چهارصد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسید و در روایت دیگر فرمود
که بنده داخل بهشت شد بیک خاری که از راه مسلمانان برداشت و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو
چیزیست هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت را بگوئی و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینه ها
را از سینهها برطرف مینماید و فرمود که دایم گردانید هدیه را به پس دادن ظرفهای هدیه و فرمود
که هدیه بر سه قسم است (قسمت) هدیه که برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و
هدیه که از برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی **فصل هشتم** در حقوق فقرا و
مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام

مشغول است که فقرا و مومنان چهل سال پیش از توانگران در بهشت متنعم میشوند پس فرمود که برای
و غنی
تو مثلی بزنم مثل فقیر مثل دو کشتیست که بعشاری بگذرند کشتی خالی زود روانه میشود و نگاه نمیدارند
و کشتی پر بار را برای حساب نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که هرچند ایمان زیاد میشود تنگی
روزیش زیاد میشود و فرمود که اگر نه این بود که مومن الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکرد
هر آینه ایشان را بحال تنگ تر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که فقر و درویشی امانت از خدا نزد خلقش پس هر که او را پنهان دارد حق تعالی او را مثل ثواب
کسی بدهد که روزها روزه دارد و شبها نماز ایستاده باشد و هر که او را اظهار کند نزد کسی که قادر
باشد به برآوردن حاجت او و نکند بتحقیق که آن فقیر را کشته است بشمشیر و نیزه بلکه بآن
جراحتی که بر دل او کرده و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی در روز قیامت خطاب
میفرماید بفقرا و مومنان مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود قسم میخورم
که شما را در دنیا فقیر نکردم برای خواری شما و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد هر که
در دنیا بشما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگارا
اهل دنیا زنان خوش رو خواسته اند و جامهای نرم پوشیده اند و طعامهای نیکو خورده
اند و در خانهای نیکو سکنا کرده اند و بر اسبان نفیس سوار شده اند پس امروز بما هم مثل آنها

عطا

عطا فرما پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما دادم مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا دادم
از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مرد مالداری جامهای پاکیزه پوشیده بود بخدمت
حضرت رسول صلعم آمد و نشست پس پریشانی با جامهای چرکین در بر داشت آمد و در پهلوی
او نشست و آن مالدار جامه خود را از زیر او کشید حضرت فرمود که آیا ترسیدی که از فقر او چیزی بتو
رسد گفت نه و فرمود که آیا ترسیدی که از توانگری تو چیزی باو رسد گفت نه فرمود که بلکه
ترسیدی که جامهای تو چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین کردی گفت یا رسول الله مرا
هم نشینی است از نفس و شیطان که هر بدی را برای من زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من
بد میکند و من تدارک آنچه کردم نصف مال خود را باو بخشیدم حضرت بآن پریشان خطاب
فرمود که قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و در
حدیث دیگر منقول است که آنحضرت بشخص پریشانی فرمود که آیا بازار میروی و میوها و چیزهای
نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نیستی گفت بلی فرمود که هر چیزی که می بینی و قادر بر خریدن
او نباشی حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آنحضرت منقول است که در
روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملائکه گویند با ایشان که
شما کیستید گویند مائیم فقیران ملائکه گویند که پیش از حساب آمده اید که بهشت بروید جواب

میبخشم

گویند که چیزی نماند آدم را که ما را بآن حساب نماید حق تعالی فرماید که راست میگویند بروید به بهشت و از
حضرت عیسی ع منقولست که حق تعالی فرماید که من اغنیا را توانگر نکردانیده ام برای آنکه ایشان گرامی
بوده اند بر من و من فقیران را بی چیز نکردانیده ام برای خواری ایشان نزد من ولیکن توانگران را
امتحان کرده ام بفقیران و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمیشدند و از
حضرت صادق ع منقولست که هرکه ذلیل و حقیر میشمارد مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی او
را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که مهیای
جنگ من باشد هرکه آزار کند بنده مؤمن مرا و باید که ایمن باشد از غضب من کسی که گرامی دارد بنده
بنده مؤمن مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب باشد مگر یک مؤمن با امام عادل هر آینه بعبادت
ایشان مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هفت آسمان و هفت زمین از برای ایشان
بر پا باشد و بگردانم از برای ایشان و از ایمان ایشان انیسی که محتاج بمونسی دیگر نباشد و در
احادیث معتبره بسیار منقولست که حق تعالی میفرماید که هرکه دوستی از دوستان مرا خوار کرد آماده جنگ
که برروی من بجنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که ذلیل ترین مردم کسیست که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه
مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود

او نه

آفریده است پس هرکه بر او طعن کند یا سخن او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقولست که حقیر مشمارید ضعیفان برادران خود را که هرکه مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با آن
مؤمن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسا
ژولیده موی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد هر آینه قسمش را رد نکند و از حضرت
صادق ع فرمود که حقیر مشمارید مؤمن فقیر را یا اگر هرکه او را استخفاف کند خدا او را حقیر شمارد
و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حلال نیست مسلمانی
را که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه اعانت کند بر آزار مؤمنی کلمه در روز
قیامت در میان دو چشمش نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هرکه گرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک کلمه از روی لطف یا حاجت
او بر آورد یا غمی از او بردارد پیوسته در رحمت الهی باشد تا در کارها و کارسازی و مهربانی
برادر مؤمن باشد و فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در جان و مال خود
ازو ایمنند و مسلمان کسیست که مسلمانان از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسیست که از
گناهان هجرت کند و هرکه مؤمنی را دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی او
بزند یا چیزی که نخواهد نسبت با او دهد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند

توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و
هموار بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه بر روی
مؤمنی یا مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست و گردنش در غل کرده
محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمن گناه
بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت کردن او نافرمانی خداست و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که برساند بمؤمنی از صاحب حکمی که آزاری باو برساند او در آتش است و اگر
برساند و آزار باو برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند
بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و
زمین همه جمع شوند بر کشتن و راضی شوند بر کشته شدن او همه را حق تعالی داخل جهنم کند و بحق آن خداوند
که جانم بدست قدرت اوست که هیچ کس کسی را بناحق تازیانه نمیزند مگر آنکه در جهنم مثل آن
تازیانه میخورد و فرمود که هر که نظری کند بمؤمنی که او را بآن نظر بترساند خدا او را بترساند در
روزی که جز او پناهی نباشد و او را در صورت مورچه محشور گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که بعضی از زمان شخصی بیرون میآید میکرد و اگر حاجتش را میبایست بجا میآورد و اگر نمیتوانست

بر میآورد و بحاجتش و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی کند بر روی مؤمنی بمیرد به بدترین مردنها و سزاوار
است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که چه میفرمائی در حق
مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس رخصت طلبید و او رخصت ندهد که
داخل خانه شود و خود بیرون نیاید و فرمود که هر مسلمانی بدیدن مسلمانی بیاید یا پی کاری و او
در خانه باشد و او را رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را
ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که باو
نتواند رسید حق تعالی در میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هفتاد هزار
ساله راه باشد و هر حصاری تا حصار دیگر هفتاد هزار ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر مؤمنان بودند پس سه نفر ایشان در خانه مجتمع بودند برای
گفتگو و چهارم آمد بدر آنخانه و در زد غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو کجاست غلام گفت در
خانه نیست آنشخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و من باو چنین گفتم
و برگشت و آن ساکت شد و پروا نکرد و غلام را ملامت نکرد و از برگشتن او آزرده نشدند و
مشغول سخن خود شدند روز دیگر آنمرد بامداد بنزد ایشان آمد دید که ایشان از خانه خود بیرون
آمدند و [illegible] میروند و بر ایشان سلام کرد و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را

از او نخواسته شد زیرا که آنمرد پریشان و محتاج بود در اثنای راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که
باران خواهد آمد شد رفتند چون ابر محاذی سر ایشان شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش
ایشان را بگیر و منم جبرئیل رسول خدا این ناگاه آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آنمرد محتاج ترسان و حیران
شد و بخدمت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا بر ایشان غضب کرده بود بعد از آن که
از ایشان راضی بود و بسبب آنچه بعمل آوردند و آن قصه را برای او نقل کرد آنمرد گفت من ایشان را حلال
کردم و در گذشتم از کرده ایشان یوشع گفت اگر پیش از آمدن عذاب می‌گفتی نفع میکرد اما الحال نفع
نمیکند شاید در قیامت ایشان را نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که یاری نکند برادر مؤمن خود را و قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری
نکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حاضر نشود احدی از شما در وقتی که حاکم ظالم کسی را زند یا
کشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است هرگاه حاضر باشد و در
حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه
از عذاب الهی بتو میزنیم گفت طاقت ندارم پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم گفتند چاره نیست پس
از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی بی وضو نماز کردی و بر
ضعیفی گذشتی بر او ظلم میشد او را یاری نکردی پس یک تازیانه از عذاب الهی زدند که قبرش پر از آتش

شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کس اند که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بر ایشان می‌افکند شخصی که
کسی چیزی از او خریده باشد و پشیمان شود و واپس بدهد و او قبول کند و کسی که بفریاد مضطری برسد و
کسی که عزبی را کدخدا کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد
که او را از ورطهٔ غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی او را ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند گرداند
و ثواب ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب از او بردارد و ده شفاعت برای او
در قیامت مهیا کرده اند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که هر که ببیند بیچاره در راهی که چهارپایش
افتاده است و بفریاد او برسد و چهارپایش سوار کند یا بارش را بردارد حق تعالی خطاب باو فرماید
که خود را بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود برای تو موکل ساختم ملکی
چند که عددشان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد در
برداشتن آسمانها و زمینها تا بنا نمایند در بهشت از برای تو قصرها و خانها و بلند کنند برای تو در
جاها و چون در بهشت در آئی از پادشاهان بهشت باشی و کسی که دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را
که از زبان و مال حق سبحانه و تعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتهای او و بعدد هر حرکتی از حرکتهای
او و بعدد هر درنگی از درنگهای او صد هزار ملک که دفع کنند از و شیاطین را و بلاهای هر قبیل
از او دفع کرده باشد صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که

اینها همه در برابر دفع کردن آن فرحتست که از مال و بدن برادر مؤمن کردی و از حضرت رسول صلعم
منقولست که هر که حرمت مرد پیر را بشناسد و او را تعظیم کند برای آن خدا او را ایمن گرداند
از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن ریش سفید و فرمود که از ما نیست
هر که خوردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند
برای کوری حاجتی از حاجتهای دنیا او و در آن حاجت برود و سعی کند تا خدا آنرا برآورد حق تعالی
او را بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجتهای او را در دنیا برآورد و پیوسته
در رحمت خدا باشد تا برگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بکری چیزی را شنوانیدن بی آنکه
آن دلتنگ شود تصدقیست آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که هر که قاید کوری شود چهل گام در زمین هموار وفا نمیکند بقدر سر سوزنی از آن اگر
تمام زمین را پر کنند از طلا و اگر بر سر راهش مهلکه باشد و او را از آن نجات دهد و بگذراند در ترازوی
حسنات او گشاده تر از دنیا صد هزار مرتبه که بر همه گناهانش زیادتی کند و او را با علا مرتبه غرفهای
بهشت رساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا و آنها که خوره
دارند که اندوهناک میشوید و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریزید چنانکه از شیر میگریزید
و با او سخن مگوئید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دورتر باشید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از شش نفر

ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که پنج کس اند که از ایشان در همه حال اجتناب باید کرد خوره و پیس و دیوانه و ولد الزنا
و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و خوره داران و مروید و چون با ایشان بگذرید
زود بگذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون شخصی ببینی که ببلا مبتلاست بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک
و علی کثیر ممن خلق و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که چون
کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک
به ولو شاء فعل هر که چنین کند هرگز باو بلا نرسد و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست
که هر که مبتلائی را ببیند و این دعا بخواند هرگز بآن بلا مبتلا نشود الحمد لله الذی عدل عنی ما
ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته به و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث
اندوه ایشان میشود **فصل هشتم** در رعایت حقوق مؤمنان و رغبت ایشان و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع
میداند حضرت فرمود که حق هم نشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق من را رعایت

نکردی چیزی را که من نمیدانستم از او بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد از وعده
گاه یعنی وعده گاه همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد و غیبت مکن زنهار که نان خورش
سگان جهنم است و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که اعتقاد بخدا و
رسول دارد نه نشیند در مجلسی که با او دشنام دهند یا غیبت مسلمانان کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش بر طرف میشود و در روز قیامت از او بوئی آید گندتر
از بوی مردار که اهل محشر همه از او در آزار باشند و اگر پیش از او بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا
حرام کرده است و هر که احسان کند بر برادر مؤمن در مجلسی که او را غیبت کنند و نگذارد که او را غیبت کنند
حق تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت از او دور گرداند و اگر قدرت بر او غیبت داشته باشد مثل
گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که به دیده خود ببیند که کسی گناهی
کند و گواه عادل بر او گواهی دهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبولست
هر چند در واقع گناه داشته باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در او نباشد از دوستی و یاری خدا
بیرون است و در دوستی و یاری شیطان داخل است بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از
رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان برطرف
شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده

غیبت

باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید بدرستی که آنان که میخواهند که شایع شود گناهان برادران
مؤمن ایشان را است عذاب دردناک و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر مؤمن
عیبی یا گناهی را بگوئی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که در او چیزی نباشد و
در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد
شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد
چهار چیز بر او لازم میشود کسی که سخن گوید و دروغ نگوید و چون با مردم خلط کند بر ایشان
ظلم نکند و چون وعده کند وفا کند او برادر دینی است که عدالت او در میان مردم ظاهر باشد
و مروت او در میان مردم هویدا باشد و غیبت او بر ایشان حرام باشد و از حضرت رسول
صلعم منقولست که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه او را قبول میکند
و غیبت کننده توبه اش قبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که برادران خود را یاد کنید هر گاه غایب باشند به بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را یاد
کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کسند که ایشان را حرمت غیبت نیست صاحب
بدعت و پادشاه ظالم و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که

رد کند حق تعالی بر او که در عرض برادر مسلمانش گوید بنویسند برای او بهشت را و در حدیث صحیح از
حضرت امام محمد باقر ع مرویست که هر که نزد او غیبت کنند برادر مؤمنش را پس او را یاری و نصرت کند
خدا او را یاری کند در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی که یکی در
عرض برادر مؤمن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او رد کند بر آن ظالم و عرض برادر
مؤمن را نگاه دارد حق تعالی برانگیزد ملائکه را که جمع میشوند در بیت المعمور برای حج و آنها نصف
ملائکه آسمانها اند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند که ایشان همه او را نزد
خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلندی مرتبه او را سوال کنند
حق تعالی بفرماید که واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید از درجات بهشت
و قصرها و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهیم که عقل مخلوقی بآن احاطه نکرده باشد و از
حضرت صادق ع منقولست که هر که نقل کند در مذمت مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت
او را در هم شکند او را از دیده های مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند
و بدوستی و یاری شیطان داخل کند و در حدیث معتبر منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته
که در حضور مردم مدح و در غایبانه غیبت ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان
آتش داشته باشد یکی در پیش و یکی در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو زبان

داشت و در روایت دیگر منقولست که محمد بن فضیل بحضرت امام موسی ع عرض کرد که شخصی از برادران
مؤمن چیزی از او بمن میرسد که خوشم نمی آید از او سوال میکنم و انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم
ثقه این خبر را بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود
اگر پنجاه کس شهادت دهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و آنها را
تکذیب کن و بر او چیزی فاش مکن که موجب نقص و عیب او شود باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی خیانت که آن گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی
سرزنش کند از دنیا نرود تا آنرا خود بکند و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر که خود را از
بدگوئی در عرض مسلمان نگاه دارد خدا تعالی گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از
حضرت صادق ع منقولست که هر که بهتان بگوید بر مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد
خدا او را در میان چرک فروج زناکاران که در دیگ جهنم جوشند نگاه دارد تا از عهده گفته
خود بدر آید و از حضرت صادق ع منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که برادر
مؤمن تو نازل شود که خدا او را از او دفع میکند و بتو میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت
کند بر مصیبت برادر مؤمن خود از دنیا نرود تا بآن بلا مبتلا شود و در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که کسی با مؤمنی برادری کند و گناهانش را در

در خاطر نگاه دارد که دیگری او را سرزنش کند با تنها او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که ای
جماعتی که بزبان مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان
مکنید که هر که تفحص عیب مردم کند خدا او را رسوا کند اگرچه گناه در میان خانه خود کرده باشد و از حضرت
صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش کند مؤمنی را خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که بدترین دروغ گمان بد بردن است و از حضرت صادق علیه منقولست که هر که
متهم سازد برادر مؤمن خود را ایمان در دلش گداخته شود چنانچه نمک در آب گداخته میشود و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله
فرمود آنها که در میان مردم بسخن چینی راه میروند و در میان دوستان جدائی می‌اندازند و از برای
بی عیبان عیب میجویند و از حضرت امام محمد باقر علیه فرمود که بهشت حرامست بسخن چینان و از حضرت
صادق علیه منقولست که دو شخص که با آزردگی از هم جدا میشوند از یکدیگر مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت
خدا میشود و بسیار باشد که هردو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت باشد
فرمود برای آنکه چرا نمی‌آید نزد دیگری که او را بیازارد بصلح و احسان و از بدی او درگذرد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نمیباشد و از حضرت صادق
علیه منقولست که پیوسته شیطان در فرح و شادیست تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند

و چون با هم ملاقات کنند زانوهایش سست میشود و بر هم میخورد و فریاد میکند که وا ویلاه چه
بلا برسر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو مسلمان که از هم دوری کنند و سه روز
بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی بر طرف میشود پس هر یک که زود
تر با دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر با دیگری سخن گوید و زودتر به بهشت خواهد رفت

فصل دهم

در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه
منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعیان گردنهای خود را ذلیل مکنید بترک اطاعت پادشاه
خود پس اگر عادل باشد از خدا بطلبید که او را باقی بدارد و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بطلبید که او را اصلاح
آورد و پادشاه عادل بمنزله پدر است از برای شما و بخواهید از برای او آنچه از برای خود میخواهید و نخواهید
از برای او آنچه از برای خود نمیخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا رحمت
کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را و از حضرت صادق علیه منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالم
شود و از او آزاری بیند خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین
او باشد در جهنم زیرا که خدا میفرماید ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی میل مکنید بسوی
آنها که ظلم میکنند شما را آتش مس میکند و فرمود که هر که راهنمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با هامان

وزیر فرعون باشد و هرکه از جانب ظالمی خصومت با دیگری او نماید در آن خصومت ملک موت نزد او آید
و گوید بشارت باد ترا بلعنت خدا و آتش جهنم و هرکه تازیانه در دست گیرد نزد پادشاه یا حاکم جابر
بایستد حق تعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی گرداند که درازی او هفتاد ذرع باشد و مسلط
گرداند او را بر او در جهنم و نهی فرمود از حاضر شدن بر سفره فاسقان و حضرت امیرالمؤمنین ع در
وقت وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع که دوست دار صالحان را برای صلاح ایشان و مدارا کن
بظاهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه دوست دارد
ظالمان را دوست داشته که خدا را معصیت کنند و هرکه دوست دارد که خدا را معصیت کنند با خدا
دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی ع با بنی اسرائیل گفت که یاری مکنید ظالمان را
بر ظلم که فضل شما بر طرف و باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد
میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خوانندگیها و
فحش گفتن و بدرخانه پادشاه رفتن و شکار رفتن و از حضرت صادق ع منقولست که نگاه دارید و
حفظ کنید دین خود را به پرهیزکاری از محرمات و قوت دهید دین خود را از تقیه کردن از
مخالفان و مستغنی شدن بخدا از طلب کردن حوایج از پادشاهان و بدانید که مؤمنی که خضوع و
شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسی که مخالف او باشد در دینش از برای طلب دنیائی که از دست

اوست خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را بخود واگذارد و اگر چیزی از دنیا بدستش بیاید خدا
برکت را از آن بردارد و او را ثواب نمیدهد اگر حج کند یا عمره یا بنده آزاد کند
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون روز قیامت شود منادی
از جانب خدای تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و آنان که دوات ایشان را
لیقه کرده‌اند یا سر کیسه برای ایشان دوخته‌اند یا مد قلمی بایشان داده‌اند اینها را
همه با ظالمان محشور کنید و در حدیث دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه
حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده اتباعش بسیار نمیشود و هیچ بنده مالش زیاده نمیشود
مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که زنهار احتراز
کنید از درخانه پادشاهان و آنها که بپادشاهان منسوب میباشند و نزدیکترین شما
با آنها دورترین شما است از خدا و هرکه پادشاه را بر خدا اختیار کند خدا پرهیزکاری را از او بردارد
و او را حیران گرداند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هرکه معذور دارد ظالمی را
در ظلم او خدا مسلط گرداند کسی را که ظلم بر او بکند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و
خدا او را بر آن ستم که میکند ثواب ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرکه یاری دهد ظالمی را
بر مظلومی پیوسته حق سبحانه و تعالی بر او خشمناک باشد تا دست از آن یاری بردارد و

حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی ع پادشاه ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت
بندهٔ صالحی برآورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو در یک روز مردند و مردم همگی بر جنازهٔ
آن پادشاه جمع شدند و درهای بازار بستند برای مردن او تا سه روز و آن مرد صالح در خانه
بماند تا کرمهای زمین رویش را خوردند پس حضرت موسی ع بعد از سه روز مردهٔ آن مرد صالح را
با آن حال مشاهده فرمود گفت خدایا آنکه دشمن تو بود با آن اعزاز و اکرام او را برداشتند و این
دوست تو با این حال مانده است حق تعالی وحی فرستاد که یا موسی این دوست از آن جبار سؤال
کرد و او برآورد او را مکافات دادم برای برآوردن حاجت این مؤمن و کرمهای زمین را بر
این مؤمن مسلط کردم برای آن سؤال که از آن جبار کرد و در حدیث دیگر منقول است که سلیمان جعفری
بحضرت امام رضا ع عرض کرد که چه میفرمایید در کارهایی که مردم متکفل میشوند از جانب پادشاهان
حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و سعی در حوایج ایشان
نمودن معدن کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره است و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقول است که هر که برود بنزد توانگری و نزد او شکستگی کند برای توانگری او دو ثلث دینش برود
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر بپرهیزکاری
کاری بکند و پند و نصیحت بگوید او را مثل ثواب جن و انس باشد و از علی بن حمزه منقول است که گفت

دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه و بخدمت حضرت صادق ع آمد و عرض کرد که من
در دیوان بنی امیه کار میکردم و مال بسیاری بهم رسانیدم حضرت فرمود که اگر نه این بود که
مردم برای بنی امیه کتابت میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ
میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند هر آینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت آیا مرا چاره است
حضرت فرمود اگر آنچه بگویم میکنی بگویم گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان صاحبش را
پس ده و آنچه نمیشناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامنم بهشت را برای تو آن شخص ساعتی
سر در زیر انداخت و گفت چنین میکنم علی بن ابی حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام
مال خود را حتی جامه که در بر داشت و پوشیده بود داد و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامه
برای او خریدیم و خرجی برای او فرستادیم بعد از چندگاهی بیمار شد چون بعیادتش رفتیم در
حال جان کندن بود چشمش بگشود و گفت حضرت صادق ع بضامنی خود وفا کرد این را
گفت و جان بحق تسلیم کرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت رفتیم چون نظر
آنحضرت بر من افتاد فرمود که والله برای رفیق تو وفا بضامنی کردیم و از مفضل بن مزید که
نویسندهٔ خلفا و شیعه بود منقول است که بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که میدانید که خودتان
که من در نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که اگر احسان میرسانی بشیعیان بدرستی حق تعالی میفرماید که حسنات
گناهان و سیئات را میبرد و در حدیث معتبر منقول است که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت امام

موسی ع حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر آنکه شترهای خود را بهارون الرشید بکرایه میدهی صفوان
گفت والله که من شتر خود را باو بکرایه نداده ام برای کار بدی یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای
راه مکه باو کرایه داده ام و من خود همراه او نمیروم نوکران و غلامان خود را میفرستم حضرت فرمود
آیا میخواهی اینقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت بلی فرمود که هرکه زندگی ایشانرا خواهد از
ایشان است و هرکه از ایشان است از اهل جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن ابی القاسم
از حضرت امام محمد باقر ع پرسید که چه میفرمائید در باب رفتن نزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم چرا
تو گفت بسیار است که بشام میروم و مرا نزد ابراهیم بن ولید میبرند حضرت فرمود که رفتن نزد پادشاه و
حکام باعث سه چیز بد میشود اول محبت دنیا دویم فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بانچه خدا ترا
روزی کرده است گفت یا بن رسول الله من عیال بارم و بتجارت میروم برای منفعت یا نجا
حضرت بجز این فرمود و حضرت امیر المؤمنین ع گفت که هرکه راضی باشد بظلم پادشاه ظالمی و
اعانت او کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو
صنفند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت و فساد ایشان موجب فساد امت فقیهان
و پادشاهان و حضرت صادق ع فرمود که امید نجات دارم برای هرکه اعتقاد بامامت داشته
باشد برای این امت مگر سه کس صاحب استیلا که ظلم کند بر رعیت خود و کسی که در دین بدعت کند

و کسی که علانیه فسق کند و فرمود که سه کسند که هرکه با ایشان منازعه کند ذلیل و بیمقدار میشود
با پدران و پادشاهان و قرض خواهان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون فردا
تر و کم دستر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هرکه حکومت مردم را
کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده بردارد که همه کس باو راه داشته باشند
و باحوال همه برسد بر خدا لازم است که ترس او را در قیامت بایمنی مبدل گرداند و او را داخل
بهشت کند و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رعیت را خواهد پادشاه را بر ایشان مهربان
میکند و برای او وزیر عادل میسر میگرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند
عالمیان میفرماید که منم پروردگاری که بجز من خداوندی نیست آفریده ام پادشاهانرا و دلهای
ایشان بدست من است پس هر گروهی که اطاعت من بکنند دلهای پادشاهانرا بر ایشان
رحیم میگردانم و هر گروهی که معصیت من بکنند دلهای پادشاهانرا بر ایشان بغضب می آورم پس مشغول
مگردانید خود را بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشانرا بر شما
میگردانم و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی بهشت را خلق فرمود بزرگواری خود سوگند میخورم که داخل
بهشت نمیکنم کسی را که همیشه شراب خورد و سخن چینانرا و دیوث و چوبکیان ظالمانرا و
شکافندگان قبرها را و طغاچیانرا که عشر از مردم میگیرند و قطع کنندهٔ رحم را و کسی که بجبر قائل باشد

و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بناحق سرکرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را در کنار
جهنم باز دارد برای هر روزی هزار ساله و چون محشور شود دستهایش در گردن بسته باشد پس اگر با امر خدا
در میان ایشان عمل کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را در جهنم اندازد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه والی امری از امور مسلمانان شود و ایشان را ضایع گذارد و باحوال
ایشان نپردازد خدا او را ضایع بگذارد و حاجت خود را از او باز دارد و از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقولست که هر والی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارها و حاجات خود را باو عرض کنند حق تعالی
در قیامت حاجات او را بر نیاورد و اگر چیزی برسم هدیه بگیرد خیانت کرده است و اگر رشوه بگیرد مشرک است
و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در مملکت
پادشاه جباری بود که برو بنزد این پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را بریزی و مالهای
ایشان را بگیری برای آن پادشاه کرده ام که صداهای مظلومان را از من باز گیری بدرستی که من ترک نمیکنم داد
خواستن ستمها که بر ایشان شود هر چند کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
در جهنم کوهی هست که آنرا صعدا میگویند و در آن کوه وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن
چاهی هست که آنرا هبهب میگویند هرگاه پرده آن چاه را برمیدارند اهل جهنم از گرمی آن
بفریاد می آیند و آنجا جای جباران است و در حدیث دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن ربیع که از حضرت

امام رضا

امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را در خزانه پادشاهان جماعتی هستند که خدا دین حق را بایشان عطا
فرموده و ایشان را استیلا بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستان خود ضررها و ستمها را دفع
کند و ببرکت ایشان باصلاح آورده امور مسلمانان را و مؤمنان در حاجتهای بد بایشان پناه
میبرند از حاجات و شیعیان ما بایشان متوسل میشوند و بایشان خدا ترس مؤمنان را ایمنی دل میدهد
میکند و در مملکت ظالمان ایشانند مؤمنان بحق و راستی ایشانند امینان در زمین و نور ایشان
روشنی میدهد اهل آسمانها را چنانچه ستارها روشنی میدهد اهل زمین را و در قیامت نور ایشان
عرصه محشر را روشن میکند و ایشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاد
گردان مؤمنان و شیعیان ما را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام بسند معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه برساند بپادشاه حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را باو
رساند حق تعالی پاهای او را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقولست که چیزی
عرض نمودند بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام که شخصی هست که متصدی اوقاف و حلال
نمیداند تصرف در آنها را و بهر چه میگیرد و صرف میکند و من گاهی در ده او وارد میشوم و اگر طعام
او را نخورم با من عداوت میکند و گاهی هم هدیه برای من میفرستد حضرت در جواب نوشت که اگر آن
مرد را معاشی بغیر آنچه در دست او است از وقف دارد طعامش را بخور و احسانش را قبول نما و اگر بغیر آن

مال چیزی ندارد طعامش را بخورد و احسان او را قبول کن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از
درگاه خدا رد نمیشود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکار و نفرین مظلوم بر ظالم
و دعای مظلوم برای کسی که انتقام او از ظالم بکشد و دعای مؤمن برای مؤمنی که از برای دوستی اهل بیت
او را بمال خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسی که اعانت نکند با قدرت و احتیاج آن مؤمن باو
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت میشود بر ظالمی که
ظلم کند بر کسی که یاوری بغیر از من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی میفرماید که من مستجاب نمیکنم دعای
کسی را که مظلمه از کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ظلم کننده و یاری کننده او بر ظلم
و کسی که راضی باشد بظلم هر سه شریکند در آن ظلم و ظلم بالنسبت او با فرزندان فرزندان او میکند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی او را در قیامت پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرقش رود
خونها جاری شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را
سرزنش کنند پس فرماید که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهادها
آنست که چون صبح کند ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد **فصل یازدهم** در آداب معاشرت با
کافران و مخالفان ایشان در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را
که با کافران اهل ذمه شراکت کنند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که مسلمان که با گبر

یک کاسه چیزی بخورد یا با او در یک فرش بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر
محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و دعا کنی که نفعی باو نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که ابتدا مکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید
و در جواب ایشان و مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه بآنها مضطر شوید و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم
میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد فرمود که در قیامت پیش روی تو خواهد بود و در
حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که دعا برای یهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که اگر با ایشان
مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دست بدست او برسانی دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر
با اهل ذمه یعنی یهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را بخاک یا دیوار بمال و اگر با دشمن اهل
بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علما آنست که دست را بخاک و دیوار مالیدن در
صورتیست که دست مسلمان با ایشان هیچ یک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
منقولست که اگر کسی با گبر مصافحه کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که یهود یا گبر یا ترسا را ببیند بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا
و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة

خدا میان او و کافر جمع نکند در جهنم و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تقیه سپر ایمانست
و ایمان ندارد هر که تقیه نکند فرمود که نه عشر دین در تقیه است و از حضرت امیر المؤمنین علیه منقولست که تقیه
در بلاد مخالفان واجبست و کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای دفع ضرری از خود و بکند بر آن گناه
و کفاره نیست و از حضرت امیر المؤمنین علیه منقولست که گرامی ترین شما نزد پروردگار کسیست که تقیه
بیشتر کند و از حضرت صادق علیه منقولست که دین خود را حفظ کنید و پنهان دارید از تقیه کردن از
مخالفان بدرستی که شما در میان سنیان زنبور عسل مانید در میان پرندگان و اگر مرغان بدانند
که عسل در شکم آنهاست یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینه شماست
هر آینه شما را هلاک میکنند و حضرت امام رضا علیه فرمود که تقیه را ترک مکنید که هر که تقیه را ترک کند چنانست
که نماز را ترک کرده است و بدانکه تقیه در بلاد کافران و مخالفان و سنیان واجبست هرگاه بیم ضرری
باشد دین خود را اظهار نکنند بلکه دین ایشان را اظهار کنند در وقتی که ایشان مطلع باشند و مخفی نتوانند
ساخت وضو و نماز و سایر عبادات را بطریق ایشان بعمل آورند و آدمی خود تهمید اند که در
وقت خوف و ضرر است و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که ظن ضرر داشته باشند
لازم است مگر در خون که تقیه در آن نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش اگر نه ترا میکشیم باید که خود
کشته شود و او را نکشد

فصل دوازدهم

در حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون کسی را آثار موت [illegible]

بر او اول کسی باید که بر احوال او بپردازد و آن شخص خود شیخی را هم سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در
خوردن آن سفر توشه او را میباید اول چیزی که او را ضرور است اعتراف بتقصیر و ندامت از گذشتها
و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب اقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته در
گذرد و در احوال و اموال که در پیش دارد او را بخود و دیگران نگذارد و پس متوجه وصیت شود حقوق خدا
و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود
و حسرت در احوال خود نکرد و شیاطین جن و انس وسوسه ها کنند و اوصیا او را مانع شوند که ذمه
او را بری نسازد و او را چاره نباشد و گوید که برگردانید مرا بقدر آنچه اعمال شایسته در خواهم
مال خود کنیم از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از برای خویشان
و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند وصیت نماید که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس
ابراء ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد هر که را غیبت کرده باشد یا امانتی یا آزاری باو رسانیده
باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس نماید که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشد از برادران مؤمن
التماس کند که برای او ابراء الذمه بخواهند و پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بجناب الهی
بامینی بگذارد و وصی برای خود تعیین نماید و کفن خود را مهیا کند و شهادتین و عقاید حق و اذکار و ادعیه
و آیات و آنچه در کتب مذکور مسطور است [illegible] نهاند و از تربت حضرت امام حسین علیه السلام

کفن او را بنویسند و این در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن
می باید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه منقولست که هر که
کفنش با او باشد یا در خانه اش حاضر باشد او را از غافلان ننویسند و هرگاه نظر بر آن کفن افتد ثواب
یابد و باید که بعد از آن دیگر فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس الهی شود و بیاد
آورد که این امور فلان بکار او نمی آید بغیر از لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد
او نمیرسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور باز ماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت
و بداند که اگر خود باقی بماند بدون مشیت الهی نفعی با ایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان
دفع نمیتواند کرد و بخدائی که ایشانرا آفریده است از ایشان مهربانتر است و باید که در آن حال در
مقام رجا و امید باشد و از رحمت خدا بسیار امیدوار باشد و در شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و ائمه معصومین صلوات الله علیهم امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند
که همگی در آن وقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارتها امید میدهند و ملک الموت را سفارشها میکنند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت
نقصان عقل و مروت اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات
او برسد و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة

هو الرحمن

هو الرحمن الرحیم اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک وان محمدا عبدک ورسولک وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث
من فی القبور وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من النعیم من
المأکل والمشرب والنکاح حق وان النار حق وان الدین حق کما و
صفت وان الاسلام کما شرعت وان القول کما قلت وان القرآن کما انزلت
وانک انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک
ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وعلیا اماما وبالقرآن
کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند
شدتی ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی
فی نعمتی الهی واله آبائی صل علی محمد وآله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا
وآنس فی قبری وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس فرمود
که این عهد و پیمان میتست با خدا در روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازمست
بر هر مسلمانی پس حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره مریم است
که حق تعالی میفرماید لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی در [illegible]

مالک شفاعت نیستید مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است که آنحضرت رسول صلعم
بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که این وصیت را تو یاد گیر و یاد اهل بیت خود و شیعیان خود بده
جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را پیشتر درست نکرده باشد جمعی از مؤمنان را گرد کند و بر
اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باید که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمداً عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وان الجنة حق
وان النار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بر
کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم
فی الله عز وجل فلان بن فلان نام خود و پدر خود را بنویسد اشهدهم واستودعهم و
اقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمداً صلی الله علیه وآله عبده
ورسوله وانه مقر بجمیع الانبیاء والرسل علیهم السلام وان علیاً ولی الله وامامهم
وان الائمة من ولده وان اولهم الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر
بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی
والقائم الحجة علیهم السلام وان الجنة حق والنار حق والساعة آتیة لا ریب فیها
وان الله یبعث من فی القبور وان محمداً صلی الله علیه وآله ورسوله جاء بالحق

وان علیاً ولی الله وخلیفته من بعد رسول الله صلی الله علیه وآله ومستخلفه فی امته مؤدیاً
بالامر تبارک وتعالی وان فاطمة بنت رسول الله وابنیها الحسن والحسین ابناء
رسول الله صلی الله علیه وآله وسبطاه واماما الهدی وقائدا الرحمة وان
علیاً ومحمداً وجعفراً وموسی وعلیاً ومحمداً وعلیاً وحسناً والحجة علیهم السلام ائمة و
قادة ودعاة الی الله عز وجل وحجة علی عباده پس بگوید بگواهان که نامشان در آن
صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان ویا فلان ویا فلان ونام شان را بگوید اثبتوا لی هذه الشهادة
عندکم حتی تلقونی بها عند الحوض پس گواهان بگویند یا فلان نستودعک الله
والشهادة والاقرار والاخاء والموعودة عند رسول الله صلی الله علیه وآله
ونقرء علیک السلام ورحمة الله وبرکاته پس صحیفه را بپیچد ومهر کنند ومهر آن شخص خود
ومهر گواهان واز جانب راست میت با جریده بگذارند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است
که بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند واز او پرسیدند که خود را چون می یابی
گفت امید از رحمت الهی دارم واز گناهان خود میترسم فرمود که این دو خصلت در این وقت در دل کسی
نمیباشد مگر آنکه خدا امیدش را امید دهد واز آنچه میترسد ایمن میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
رسول صلعم حاضر شدند نزد شخصی که در حالت احتضار بود فرمودند که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک

واقبل من الیسیر من طاعتک و آنچه تعلق بخویشان و برادران مؤمنست باید کرد که او را در چنین حالی
تنها نگذارند و نزد او دعا و قرآن بخوانند و سوره یس و صافات نزد او بخوانند و اعتقادات
بوحدانیت خدا و رسالت محمد مصطفی صلعم و امامت ائمه معصومین صلواة الله علیهم اجمعین و سایر اعتقادات
خود را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص مکرر بگویند و اگر تواند کف بر او
بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر معنیش را عربی نداند بر او معنا کنند و پایش را بسوی قبله
کنند و در آن وقت حایض و جنب نزد او نیاید که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد
برای اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود آنجا بیرون روند و در احادیث
معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند جائی که همیشه نماز میکرده است
یا بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست شفا میباید و اگر
جانش باشد آسان بیرون میرود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله داخل شدند
بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب و او در حال احتضار بود [illegible] که پای او را بسوی قبله کنید تا
ملائکه با او رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
زنهار در حال احتضار بر او دست مگذارید و اگر دست بر او زنند غشش مشود چنانچه جاهلان میکنند و نزد
او بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از

حضرت

حضرت امام جعفر صادق ع در احتضار بود حضرت امام محمد باقر ع در کنار خوانه نشسته بودند و هرگاه
کسی نزد او میرفت منع میکرد و میفرمودند که دست بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست
و هر که دست بر او گذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که تلقین کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر
سخنش لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین بکنید که گناهان
ایشان را در هم میشکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان
کندن بیابید این کلمات فرج را تلقین کنید که او بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و
ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر
منقولست که یکی از اهل خوانه حضرت امیر المؤمنین ع محتضر شد حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان
میفرمودند و میگفتند بخوانید چون میخواندند میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث حسن دیگر از
که حضرت رسول صلعم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند در حال جان کندن فرمودند که این کلمات را بخوان
خواند فرمودند الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس
نیست مگر آنکه [illegible] شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت مردن که او را از

و دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتواند او را بشک انداخت پس در آن حال
تلقین ایشان کنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام یکیک تا از سخن گفتن باز ماند و در حدیث
دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار بامامت ائمه بکند و دین تشیع را اعتقاد کند آتش
جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید و حضرت رسول صلعم نزد او حاضر شدند
با جماعتی از اصحاب و او بیهوش بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بدار تا از او سؤال
کنم آن شخص بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیاری می بینم فرمود که
کدام یک بتو نزدیکتر اند گفت سیاهی حضرت فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک و اقبل
منی الیسیر من طاعتک پس آن شخص بیهوش شد و باز بملک الموت فرمود که دست از او بدار پس او بهوش
آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیاری می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر
است گفت سیاهی کمتر و سفیدی بیشتر حضرت فرمود که او را آمرزیدند پس حضرت صادق ع فرمود که نزد
حاضر شوید در آن حال بگوئید که این دعا بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم نزد جوانی حاضر
شدند در وقت مردن و با و گفتند بگو لا اله الا الله و او زبانش بند شده بود و نتوانست گفت حضرت
پرسیدند از زنی که در بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت بلی دارم فرمود که از او خشنودی یا غضبناک
گفت شش سالست که با او سخن نگفتهام فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت با آن جوان گفت که

بگو

بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد حضرت از او پرسیدند که چه چیز می بینی گفت مرد سیاه بد روئی
بد بوئی جامه چرکین می بینم که نزدیک منست و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و
یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون حضرت
این دعا را خواند فرمود که چه چیز می بینی گفت مرد سفیدی را خوشبو جامه نیکو پوشیده می بینم که نزدیک
منست و آن مرد سیاه میرود فرمود که بار دیگر این دعا بخوان چون خواند فرمود که چه چیز می بینی گفت
آن مرد سیاه را نمی بینم و آن شخص سفید را می بینم که نزدیک منست این بگفت و فوت شد سنت آنست
که دهانش را برهم گذارند و چانه اش را ببندند و قرآن نزد او بخوانند و زود بردارندش
و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار آنست که برادر مؤمن را خبر کنند تا بجنازه اش حاضر
شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت ثواب برد و ایشان ثواب برند و
در حدیث حسن نیز از آنحضرت منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا میکنند او را که اول عطائی
که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست
و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفها که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کسی را که همراه
جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که همراهی جنازه مؤمن که میکنید تا او را دفن کنند حق تعالی
در قیامت هفتاد ملک میگمارد بر او که همراهی او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که

یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهانش بیرون

آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بر دوش راست خود بگیرند

و پس پای راست را هم بدوش راست بردارد و پس طرف پای چپ میت را بدوش چپ بردارد و پس دست

چپ را بدوش چپ بردارد و پس اگر خواهد که دیگر تربیع کند از پس روی جنازه نرود بلکه از جانب جنب

جنازه برگردد و همان روش تربیع بجای آورد و بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و

پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش او راه رفتن خوبست و در جنازهٔ

خلاف مذهب شد پیش او نباید رفت زیرا که ملائکهٔ عذاب او را استقبال میکنند و با جنازه

سوار و راه رفتن مکروهست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه به بیند این دعا

بخواند هیچ ملکی نماند که برای او ترحم براو نکند الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و

صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و

قهر العباد بالموت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که تشییع جنازه بکنید که هر قدمی که

بردارید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه برای او بلند

شود و اگر بر جنازه اش نماز کنید حق تعالی بعد از موت او صد هزار ملک بفرستد که بر جنازه او نماز

کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود [illegible] دفن همان صد هزار ملک را

دعا خواندن در دیدن جنازه [illegible]

حقتعالی مقرر فرماید که برای او استغفار کنند تا از قبرش برآید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را غسل دهد و چون او را از پهلو به پهلوی دیگر گرداند این دعا

بخواند گناهان یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره اللهم هذا بدن عبدک المؤمن

و قد اخرجت روحه منه و فرقت بینهما فعفوک عفوک و در حدیث دیگر فرمود که

هر که میتی را غسل دهد و آنچه از عیبهای میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و

در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که میتی را غسل

بدهد وحی باو رسید که او را از گناهان می شویم مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در حدیث حسن

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را غسل دهد در وقت غسل دادن مکرر بگوید عفوک عفوک

خدا او را می آمرزد و در فقه الرضا مذکور است که در وقتی که دست بر شکمش میمالد این دعا بخواند

اللهم انی سلکت حب محمد و آله صلوات الله علیهم فی بطنه فاسلک به سبیل رحمتک

و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر و حضرت صادق علیهم السلام منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست

که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که قبری بکند از برای مؤمنی چنان باشد که او را در

خانه موافقی جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر جنازهٔ

مؤمنی نماز کند بهشت او را [illegible] کند و گناهان او از گذشته آمرزیده شود و پس اگر همراهی کند

[illegible] دعا خواندن [illegible]

[illegible] دعا خواند

تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد قیراطی باو ثواب بدهند که آن قیراط مانند کوه احد باشد و در
حدیث دیگر فرمود که هر که بر جنازه مؤمنی نماز کند بهشت ورا واجب گردد مگر آنکه منافق یا عاق
پدر و مادر باشد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون مؤمنی بمیرد و چهل نفر بر جنازه حاضر شوند
و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از و بغیر از نیکی
نمی بینیم و تو داناتری از احوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را
قبول کردم و آمرزیدم آنکسی را که میدانم و شما نمیدانید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که در اول چیزی که در نامه مؤمن عفی الله عنه مینویسند بعد از مرگش آن خبریست که مردم در حق او میگویند
اگر نیک میگویند نیک مینویسند و اگر بد میگویند بدی می نویسند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه
منقولست که چون میت را بقبر رسانی او را از خشت پای قبر داخل کن چون بر قبرش گذاری آیة الکرسی
بخوان و بگو بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم افسح له
فی قبره و الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر
له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفار از برایش بکن و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست
چون میت را داخل قبر میگردانیدند میخواندند اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد
عمله و لقه منک رضوانا و در حدیث دیگر فرمود که چون میت را بقبر میگذاری باید که اول

مردم باو نزدیک شود نام خدا ببرد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و پناه برد بخدا از شر شیطان
و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند
و اگر میتواند روی میت را برهنه کند و بر خاک گذارد و در آنجا تلقین کند او را بشهادتین و اقرار بائمه
معصومین و سایر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر قبر مؤمن بریزی
بگو ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله و رسوله تا آنکه بعدد هر
ذره خاک حسنه در نامه اعمالت نوشته شود و چون قبر را بکنند که این تلقین باعث این میشود
که منکر و نکیر از او سؤال نکنند و سنت مؤکد است که در نزد قبر بعد از دفن میت اهل او را التعزیه
بگویند و پیش از دفن نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که اندوهگین را تعزیت بگوید در روز قیامت او را حله بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را
باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه منقولست که
مردگان را زیارت کنید که ایشان خبر میشوند و بشما انس میگیرند و چون نزدیک قبر برسید
بگوئید اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم و لقهم منک رضوانا
و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس به وحشتهم انک علی
کل شیء قدیر و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود برود و

بقبله و دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از ترس بزرگ
روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حق تعالی او را و صاحب قبر را هر دو بیامرزد
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند
اللهم ارحم غربته و صل وحدته و آنس وحشته و آمن روعته و اسکن الیه من
رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه و در
روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه بخواند نزد قبر مؤمنی هفت مرتبه حق تعالی ملکی بفرستد
که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را برای میت بنویسند و چون از قبرش محشور
شود بهر هولی از اهوال قیامت که برسد حق تعالی بسبب آن ملک آن هول را از او دفع کند تا داخل
بهشت شود و مستحب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک بار
و انا انزلناه هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و
یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان
اجر و ثواب بیابد و بدانکه چون این رساله محل ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود
قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد و این رساله از فواید خالی نباشد و مفصل همه در بحار الانوار
مذکور است

باب یازدهم

در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن

باب ۱۱

و آداب عطسه کردن و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها

فصل اول

در آداب و فضیلت سلام در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اصحاب خود را امر
فرمود بهفت خصلت عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان و قبول کسی که کسی را قسم
دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهر کس سلام کردن و قبول
ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در بهشت غرفه چند هست که از اندرونش
بیرون هویداست و از بیرونش اندرون می نماید کسی از امت من در آنها ساکن میشود که با زبان
نیک با مردم سخن گوید و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام کند که بخل نورزد در سلام کردن
برای احدی از مسلمانان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ابتدا کرد بسخن پیش از سلام جوابش مگوئید
و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسیست که از سلام
کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بده نفر از مسلمانان برخورد و بر ایشان سلام کند ثواب
یک بنده آزاد کردن در نامه عمل او نوشته شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر
مؤمن که بجماعتی از مؤمنان سلام کند ملائکه در جواب او گویند سلام علیکم و رحمة الله و
برکاته ابداً و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سلام کردن سنت است و جواب
سلام واجبست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی سلام گوید بلند بگوید تا بشنوند نگویند

که سلام نکرد و ما جواب سلام او نگفتیم و چون کسی جواب سلام گوید بلند بگوید تا آن سلام کننده نگوید
که سلام کردم و جواب من نگفتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که السلام علیکم بگوید ده حسنه برای او نویسند
و اگر سلام علیکم و رحمة الله و برکاته گوید بیست حسنه برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که بلفظ
جمع با ایشان سخن باید گفت هر چند تنها باشد و کسی که عطسه کند میگوئی یرحمکم الله هر چند دیگری
نباشد با او و کسی که سلام بر کسی کند میگوید السلام علیکم و کسی که کسی را دعا کند میگوید عافاکم
الله پس هر چند یکی باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشند و در قصد مؤمنان غایبان هم داخل میشوان
کرد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که مکروه است که کسی بگوید حیاک الله مگر آنکه کسی بگوید حیاک الله
بالسلام و از حضرت صادق ع منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نباید کرد کسی که بجنازه
راه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی که در حمام باشد و حمل کرده اند بر صورتی که لنگ نبسته باشد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند
بر ایشان سلام مکن و بر حضرت رسول سلام کن و متوجه نماز شو و اگر بمجلسی داخل شوی که مردم سخن
گویند با ایشان سلام بکن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کسی که داخل خانه خود شود بر اهل خانه
سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد و خانه خالی باشد بگوید السلام علینا من ربنا و فرمود که
اگر کسی با تو بگوید حیاک الله بالسلام بالسلام بگو انت فحیاک الله بالسلام و احلک

دار المقام و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام
و مصافحه بکنید و چون از یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث دیگر
فرمود که کسی که داخل خانه خود شود سلام کند که سبب برکت میشود و ملائکه انس میگیرند در آن خانه
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون
مرد داخل شود السلام علیکم بگوید و در بعضی اخبار وارد شده است که چند کسند که با ایشان
سلام نباید کرد یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد و کسی که بر سر خوان
شراب نشسته باشد و شاعری که بر زنان محصنه عفیفه فحش گوید و کسی که خوشطبعی ایشان دشنام
مادر است و کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسی که سود
خورد و کسی که تنبور یا عود نوازد و مردی که مردم عمل لواطه کنند و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا
نکند و در روایت صحیح وارد شده است که سلام بر کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است و در حدیثی
وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورده و در حدیث که اینها محمول باشد بر آنکه سلام
کردن بر اینها فضیلت ندارد بسیار یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان
سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد وداع کند اهل آن مجلس را بسلام

که اگر بعد از آن حرف خیری بگویند در ثوابش شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بگویند گناهش بر
آنها خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کوچک تر بر بزرگتر
سلام میکند و کسی که گذرد بر کسی که نشسته باشد سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام
میکنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره باید بر پیاده سلام کند و استر سوار بر خر سوار سلام بکند
و اسب سوار بر استر سوار سلام کند و ایستاده بر نشسته سلام بکند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت
منقولست که چون جماعتی بگذرد و یکی سلام کند از دیگران مجزاست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند
یکی از آنها که جواب بگوید از دیگران مجزاست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بر زنان پیر سلام میکردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند
که میترسم خوشم آید از آواز آنها و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که سلام کردن طلب
میکنم و امثال آنها برای تعلیم دیگران میفرموده اند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بوده اند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ابتدا مکنید با اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس به السلام
چون ایشان سلام کنند علیکم بگوئید و در روایت دیگر فرمود که چون یهود و نصاری و مجوس یا مشرک
یا بت پرست بر تو سلام کنند بگو علیک و بدانکه از جملهٔ سلام رخصت است که چون خواهند داخل خانه

مجوسی

کسی شوند بیشتر سلام کنند که در بیرون سه مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند
و اگر نه برگردند جواب این سلام واجب نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن
سه مرتبه است در مرتبهٔ اول میشنوند و در مرتبهٔ دویم حذر میکنند و در مرتبهٔ سیم اگر میخواهند
رخصت میدهند و اگر نه ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده است که داخل مشوید در
خانهٔ غیری تا استیناس بکنید و سلام بر اهلش بکنید و استیناس گفتن و در زدن و سلام
کردن است **فصل دویم** در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه یعنی
دست در گردن کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که از تمامی تحیت و سلام کسی که در سفر باشد مصافحه کردنست و تمامی سلام کردن بر کسی که از
سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردنست و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت
من همکجاوهٔ حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند
چون هر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال از من
میپرسیدند مانند کسی که مدتی یکدیگر را ندیده باشند و با یکدیگر مصافحه میکردیم چون از کجاوه بیرون
می آمدیم اول آنحضرت پائین می آمدند پس هر دو بر زمین قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوال
میپرسیدند مانند کسی که مدتها یکدیگر را ندیده باشند من گفتم یا ابن رسول الله شما کاری چند میکنید که مردمی

ملاقات کنند و

که نزدیک ما هست شد چنین نمیکنند حضرت فرمودند که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه
دو مؤمن که با یکدیگر مصافحه کنند پیوسته گناه از ایشان میریزد چنانکه برگ از درخت میریزد و حق
تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر از ابو حمزه منقولست که گفت من
هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون بار را فرود آوردیم حضرت اندک راهی رفتند پس
آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدای تو شوم با شما بودم در کجاوه حضرت
فرمود که مگر نمیدانی که چون مؤمن اندک حرکتی بکند و بعد از آن دست برادر مؤمن خود را بگیرد حق تعالی
نظر لطف بسوی ایشان میکند و روی رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان میریزد که
فرو ریزد از ایشان تا آنکه از یکدیگر جدا میشوند هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث
حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حد مصافحه آنست که دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن
با هم مصافحه کنند سنت است حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آنست که دو مؤمن از یکدیگر پنهان
شوند اگرچه بدرختی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس ملاقات کنند باید که مصافحه کنند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر برمیدارد ثوابش بیشتر است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که حضرت رسول صلعم هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه او دست
میکشید و در روایت دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها را از سینها میبرد و فرمود که مصافحه کنند

با مؤمن که بهتر است از مصافحه کردن ملائکه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون دو
برادر مؤمن ملاقات نمایند مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون
جدا شوید هیچ گناهی بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه کنید هرچند او نخواهد که چنین امر
فرموده است که باعث رفع دشمنی او میشود و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که من در
کوفه بودم و شیعیان بسیار نزد من می آمدند و من از شهرت ترسیدم و غلام خود را
امر کردم که هر که مرا خواهد بگو اینجا نیست پس در آن سال بحج رفتم چون بخدمت حضرت صادق
علیه السلام رفتم آنحضرت را از خود متغیر دیدم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغییر شما شده است
از من فرمودند که آنچه باعث تغییر تو شده است از مؤمنان گفتم فدای تو شوم از شهرت ترسیدم
و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود ای اسحق ملال بهم مرسان از بسیاری
آمدن برادر مؤمن بدیدن تو که چون مؤمن با برادر مؤمن بر میخورد با او مرحبا میگوید خدا
از برای او تا قیامت مرحبا مینویسد پس چون با او مصافحه میکند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد
رحمت میفرستد که نود و نه تای آن از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد پس حق تعالی روی رحمت
میکند بسوی ایشان و هر یک که دیگری را دوست تر میدارد رحمت بسوی او بیشتر است پس چون
در کوفتن یکدیگر کنند رحمت ایشان را فرا میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر نشستند حق تعالی میفرماید

نداشته باشند با ایشان خطاب میرسد که آمرزیده شدید علما از یکدیگر پس چون از یکدیگر احوال گیرند و
سخن گویند ملائکه بیکدیگر میگویند که دور شوید که میخواهند با یکدیگر رازی گویند و خدا بر ایشان پوشانیده
است ای اسحق گفتم پس حرفی که میگویند ملائکه نمی نویسند حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر که
آب دیده مبارک بر روی و ریش شریف روان شد و فرمودند ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده است
که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگرچه ملائکه نمی نویسند نمی شنوند
اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و بر راز پنهان و آنچه در سینه ها نهان است نزد او آشکار
است میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا بترس چنانچه گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی
بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر میشوی و اگر میدانی که او ترا می بیند
گناه را از خلق پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس سهل تر شمرده و در حدیث دیگر فرمود
که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنهاست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر و امام
جعفر صادق علیهم السلام منقولست که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود حق
تعالی بهر گامی حسنه در نامه عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه برای او بلند کند پس چون در خانه
آن مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و دست در گردن
یکدیگر کنند حق تعالی روی رحمت خود را بر ایشان بگرداند و با ملائکه مباهات کند با ایشان و فرماید که

نظر کنید

نظر کنید بسوی این دو بنده مؤمن من که بدیدن یکدیگر رفتند از برای رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من
لازم است که بعد از این بر ایشان عذاب نکنم پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند
بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت و او را نگاه
دارند تا روز دیگر آن وقت و اگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر
حق او را شناسد و حرمت او را داند همین ثواب از برای او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شیعیان ما را نوری در پیشانی هست که بآن نور شما را در دنیا می شناسند چنانچه بیکدیگر
بر خورید آن موضع را از پیشانی هم ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر
و دست را مگر رسول خدا یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست حضرت رسول خدا باشد و محتمل است که
مخصوص ائمه معصومین باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان
برای آن میکنند که فرزند آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و اولی
آنست که بغیر از سر پیغمبر و امام نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که نباید
دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که کسی که
دست خویش خود را برای خویشی ببوسد برادر چیزی نیست و برادران مؤمن را پهلوهای روی ایشان را
ببوسند امام را میان دو چشم پیشانی را ببوسند و از حضرت صادق ع منقولست که دهان را نبوسیدن

نمی‌باشد مگر برای زن و فرزند خود **فصل ستیم** در آداب نشستن مجالس از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که وصیت فرمود بحضرت امیر المؤمنین ع که هشت کس اگر خوار شوند ملامت
نکنند مگر خود را کسی که حاضر شود در سفره که او را نخوانده باشند و کسی که تحکم کند بر صاحب خانه و کسی که طلب خیر
کند از دشمنان خود و کسی که توقع احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسی که خود را در آورد در میان رازی که میان
دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف کند بپادشاه و کسی که در مجالس در جائی بنشیند
که سزاوار آن نباشد و کسی که سخن گوید که گوش بسخن او نکنند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
کسی که مجموع این خصلت یا یکی از اینها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند احمق است اول آنکه هرچه

در مجلس نشستن

از او بپرسند جواب تواند گفت دویم آنکه چون دیگران عاجز شوند حق را بیان تواند
کرد سیم آنکه راه صلاح بود برای هر که صلاحش در آن باشد و تواند کرد و از حضرت صادق ع
منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که بنشیند مگر بعد از جماعتی که نشسته‌اند زیرا که پا بر گردن
مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقل است بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که از علامات فروتنی و تواضع آنست که آدمی راضی شود بمجلسی که پست‌تر باشد از مجلسی که سزاوار
اوست و بهر که برسد سلام کند و ترک جدال کند هرچند حق با او باشد و نخواهد او را بپرهیزکاری ستایش
کنند و ترک جدال کند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری در بالا اگر کسی از

اینها

اینها او را بطلبد و جا از برایش بگشاید برود که آن کرامتیست نسبت با او کرده است برادر او و اگر
کسی جا برای او نگشاید هر جا که گشاده‌تر است بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی بخانه شخصی
بیاید هر جا که صاحب خانه میفرماید آنجا بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه را بهتر میداند و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که زنهار بر سر راهها منشینید و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جا
بنشیند و جامه را از ران خود دور کند و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که راضی باشد
به نشستن در جائی که مناسب شرف او از آن بالاتر باشد پیوسته خدا و ملائکه با و صلوات فرستند
تا برخیزد و از حضرت صادق ع منقولست که در اکثر اوقات حضرت رسول صلی الله علیه و آله رو بقبله می
نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت رسول صلعم سه روش می‌نشستند گاهی زانو
را از زمین بر میداشتند و دستها را بر پایین زانو میگذاشتند و ساعد یک دست را بدست دیگر میگرفتند
و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یک پا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند
و در حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین ع نشسته بودند
و یک پا را بر بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم فدای تو شوم مردم این نشستن را خوب
نمیدانند و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای واماندگی
چنین نشسته‌ام و خدا را واماندگی نمی‌باشد و او را پینکی و خواب نمی‌باشد و او را جسم نیست و نشستن

او را نمیباشد و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق ع چنین نشسته بودند و پای راست را
بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که سزاوارست جماعتی که با یکدیگر نشینند در تابستان بقدر استخوان زراع که
تقریبا یک شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از
حضرت صادق ع منقولست که آدم مشمار کسی را که در جای تنگ چهار زانو نشیند و در چند
حدیث وارد شده است که احتیاط دیوار عربست و احتیاط آنست که پاها را جامه بپیچند
و بر روش نکنند و حدوه و دست را قفل کند بر زانو چنانچه گذشت یعنی ایشان در صحرا اما
که نزدیک بدیوار نباشند این بعوض تکیه بر دیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت
صادق ع پرسیدند که احتیاط چگونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در
حدیث دیگر فرمود که جایز نیست مرد را که احتیاط کند در برابر کعبه

فصل چهارم

در آداب ملاقات صاحب خانه با کسی که بخانه او می آید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه منقولست که
برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسی که بجهت دین مانند علم و صلاح و نیکی تعظیم
کنند و از حضرت رسول صلی [illegible] ست که حق کسی که داخل خانه میشود بر اهل خانه
آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه روند و فرمود که چون کسی داخل

خانه شود صاحب خانه حاکم است تا بیرون آید و آنچه گوید میباید صاحب خانه اطاعت کنند و
از حضرت صادق ع منقولست که کسی که تحفه برای مؤمنی بیاورد یا مثل آن بالشی یا متکائی
یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت مستند شود که او را مکافات دهد پس حق تعالی با دوحی
فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر به پیغمبری یا وصی پیغمبری چون روز قیامت
شود بهشت را خطاب رسد که امروز مکافات تحفه ایشان را بده پس غلامان و کنیزان از
بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر روی آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و نزد
ایشان بیاورند چون نظر کنند بجهنم و هول آن و نظر کنند به نعمتهای بهشت و آنچه در آنست
عقلشان پرواز کند و از آن طبقها نخورند پس منادی ندا کند از زیر عرش که حق تعالی
حرام کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در
حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المؤمنین ع آمدند آنحضرت از برای هر یک
از ایشان بالش انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین
که ابا نمیکند مگر خر از کرامت و بعد از آن فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود
گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که سه کسند که کسی [illegible]
بحق ایشان نیست مگر منافقی که در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسی که حامل لفظ یا معنی قرآن

باشد و امام عادل فرمود که از تعظیم خداست برون کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که کسی را که گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند که رد نمیکند کرامت را مگر خر
و در حدیث از حضرت امام رضا ع منقولست که از آنحضرت پرسیدند که کدامست این کرامت
که رد نمیباید کرد فرمود که مثل اینکه جا از برای او بگشایند یا بوی خوشی از برای او بگذرانند
یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که اکرام مکن کسی را بجبری که
بر او دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را
حق تعالی مثل عدد ایشان خدمتکاران در بهشت کرامت فرماید و حضرت صادق ع فرمود
که هر که برادر مؤمنی بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنانست که خدا را گرامی داشته است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر ملاطفتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حق تعالی
او را از خدمه بهشت کرامت کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که اکرام کند برادر مؤمنش را بیک
کلمه از روی لطف با او بگوید و غمی از دل او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول اکرام
باشد

فصل پنجم

در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن رواست و جماعتی که همنشینی و مصاحبت
ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که متابعت کن کسی را که ترا گریاند و او
خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا خندانند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله منقولست که نظر کنید که با که سخن میگویید و مصاحبت میکنید که هر که است در وقت مرگ
مصاحبانش را با او مینمایند اگر حال ایشان نیکست از مصاحبت ایشان شاد میشود و اگر حال ایشان بدست
غمگین میشود و حضرت صادق ع فرمود که بهترین برادران من کسیست که عیبهای مرا بمن هدیه دهد و فرمود
که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان نو که ایشان را عهدی و وفائی نیست
و بر حذر باش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیرالمؤمنین ع در وقت
وفات وصیت فرمود که زنهار که اجتناب کن از جاها که محل تهمت اند و از مجلسی که گمان بد بآن
میبرند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
سزاوارترین مردم بتهمت کسیست که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که هر که خود
را محل تهمت در آورد ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام موسی ع منقولست که بپرهیزید از
مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد زیرا که همه کس نمیدانند که
مادر اوست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی ع میفرمود که مصاحبت اخلاق بد سرایت
میکند باین کس و همنشین بد اینکس را هلاک میکند پس نظر کن که با که همنشینی میکنی و از حضرت
صادق ع منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابیست که برای نیکان نظر کنی و دوستی بدان با
نیکان فضیلتیست برای نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان

با بدان بخاریست بر آبدان و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که با پنج کس مصاحبت و همرهی و رفاقت
مکن زنهار با دروغگو مصاحبت مکن که او از بابت سرابست یعنی بدروغهای خود ترا فریب میدهد و دور
ترا بر تو نزدیک مینماید و نزدیک را در نظر تو دور مینماید و زنهار با فاسق مصاحبت مکن که او ترا به یک
طعام خوردن نزد دیگران میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که ترا با مال خود یاری نمیکند و در هنگامی که
نهایت احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد بتو نفع رساند ضرر میرساند و با کسی
که قطع رحم کند مصاحبت مکن با ایشان که حق تعالی در سه موضع قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت
صادق ع فرمود که سزاوار نیست مسلمان را که با فاجر و احمق و دروغگو هم نشینی و برادری کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس [illegible]ند که هم نشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دنیا و سخن
گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان و خویشان
نزدیک مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان دوری مکن که خار میشوی و نیکی با کسی که خواهان باشد
چنانچه میان گرگ و میش دوستی نیست میان نیکوکاران و بدکردار دوستی نباشد پس هر که نزدیک
قیر میرود میچسبد و هر که با بدکردار مصاحبت میکند از بدیهای او می آموزد و هر که مجادله با مردم میکند دشنام
میشنود و هر که در مجالس بد داخل میشود تهمت زده میشود و هر که با هم نشین بد می نشیند از بدی سالم
نمیماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد همیشه پشیمانی میکشد و از حضرت صادق ع منقولست که مصاحبت

وهم نشینی

و هم نشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید شد و حضرت رسول صلعم فرمود که
آدمی بر دین دوست و مصاحب خود میباشد فرمود که زنهار با احمق مصاحبت مکن که در هنگامی که
از او راضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که حکیم ترین مردم کسیست که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که برادر
مؤمن خود را بر امری که مکروه او باشد به بیند و تواند که او را برگرداند از آن امر برنگرداند خیانت
کرده است در برادری او و کسی که اجتناب نکند از مصاحبت احمق بزودی اخلاق او بر میدارد
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بدترین مصاحبان تو کسیست که معصیت خدا را در نظر تو زینت
دهد و فرمود که هم نشینی با بدان مورث گمان بد بر خوبان [illegible] د و در حدیث دیگر
از حضرت صادق ع منقولست که نظر کن هر که نفع دینی بتو نمیرساند [illegible] بود و [illegible] نفع
و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع میشود محبتی که با کسی داشته
باشی که بیوفا باشد و نیکی با کسی بکنی که شکر تو نکند و علمی که با کسی بیاموزی و گوش نه دهد و رازی که
با کسی بسپاری که نگاه ندارد و از حضرت امام موسی ع منقولست که در مزبلها با عالم صحبت
داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که حواریان بحضرت عیسی ع گفتند با که هم نشینی کنیم فرمود با کسی که خدا را

بیاد شما آورد و دیدن او در علم شما بیفزاید و سخن گفتن او شما را بسوی آخرت رغبت فرماید و در حدیث
دیگر فرمود با اهل دین نشستن شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که نشستن با کسی که
اعتماد بر او داشته باشم بهتر است نزد من از عبادت یکساله و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشینید
که بنده که اول می نشیند چنان میداند که خدا بر او نعمت بسیار دارد و هنوز برنخاسته است که چنان
گمان میکند که خدا هیچ نعمت بر او ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چهار چیز است
دل را میمیراند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمق مجادله کردن که او گوید و تو گوئی
بحق برنگردد و هم نشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که توانگری که خدا را
فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین ع منقول است که بفرزندان خود میفرمود که با اهل دین
و معرفت هم نشینی کنید اگر بدست شما نیاید تنهائی مونس تر و سالم تر است از مصاحب غیر ایشان
و اگر ناچار باشد از هم نشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید و ایشان در مجالس خود فحش نمیگویند
و از حضرت امام موسی ع منقول است که سزاوارتر است که آدمی مصاحبان بد را از خود دور گرداند که نزدیکی
با ایشان مانند نزدیکی با بدران است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت لقمان با پسر خود گفت که ای فرزند
بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا کنند با ایشان بنشین زیرا که
اگر عالمی علم تو نفع میدهد و از هم نشینی ایشان علم تو زیاد میشود و اگر جاهلی ترا علم می آموزانند شاید

که خدا

که خدا رحمتی بایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیرالمومنین ع منقول است که بر تو باد بحاضر
شدن در مجالسی که یاد خدا کنند و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوار است
که تردد کردن در خوانها یکی از ده وجه باشد اول رفتن بخوانه خدا برای ادای حج و عمره دوم در خوانه
پادشاهان دین که اطاعت ایشان با اطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب و نفع ایشان
عظیم است و ضرر مخالفت ایشان سخت است سیم در خوانه علما که از ایشان استفاده علوم دین و دنیا
نماید چهارم در خوانه اهل بخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم در خوانه
خردمندان مردم در حوادث دهر با ایشان محتاج میشوند و در حاجتها با ایشان پناه میبرند ششم در خوانه
اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج هفتم در کاه جمعی که نزد ایشان امید منفعت دارند و از تجربه
رای مستقیم ایشان و تقویه عظیم در امر مشورت کردن با ایشان هشتم در خوانه برادران مومن
بسبب مواصلت ایشان و واجب بودن حق ایشان لازم است نهم در خوانه دشمنانی که بعد از کوشش ساکن میشوند
که ضررهای ایشان بر رفق مدارا و دیدن عداوت ایشان دفع میشود دهم در خوانه جمعی که از دیدن
ایشان آداب حسنه استفاده میتوان کرد و انس بهم زبانی ایشان میتوان گرفت

فصل ششم

در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن از حضرت صادق ع منقول است که مسلمان را بر برادر
درش حق لازم است که چون که چون او را ملاقات کنند بر او سلام کنند و چون بیمار شود او را عیادت

در غایب خواه باشد خواه نباشد او را دعا کنید و باید اگر عطسه میکنید بگوید الحمد لله رب العالمین لا
شریک له دیگران با او بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یهدیکم الله و یصلح بالکم و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگرچه در میان فاصله باشد و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که دهان دره از شیطانست و عطسه از جانب خداوند عالمیان
است و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی نعمت بسیار بر بنده هست در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و
جوارح و بنده را فراموش میکنید که خدا را بآن نعمتها شکر میکند پس خدا امر میفرماید که باد در او که
در بدنش جولان میکند و از بینیش بیرون می آید پس بجهت مقرر کرده اند که در اینحال خدا
را حمد کند که این حمد تلافی شکر آن نعمتها میکند که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر ع فرموده
که نیکو چیزیست عطسه نفع میرساند ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست
که چون کسی عطسه کند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته و در حدیث حسن دیگر
فرموده که چون کسی عطسه کند با او بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و در حدیث
دیگر فرمود که کسی عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریک له و دیگری با او بگوید یرحمک الله و او در
جواب بگوید یغفر الله لک و لنا و از حضرت صادق ع منقولست که طفلی با انس نزد حضرت
رسول صلعم عطسه کرد گفت الحمد لله حضرت با او فرمود بارک الله فیک و در حدیث دیگر منقولست که

حضرت صادق ع عطسه کردند فرمودند الحمد لله رب العالمین پس انگشت را بر بینی گذاشتند گفتند
رغم الله انفی لله رغما داخرا و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که بعد از عطسه بگوید الحمد لله
رب العالمین علی کل حال درد گوش و دندان نیابد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که عطسه کسی را
بشنود حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد درد چشم و دندان باو نرسد و فرمود
که این را بگو اگرچه دریا در میان فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود برای دفع درد دندان و گوش که چون
عطسه کند کسی حمد خدا بکند و در حدیث دیگر منقولست که ترسائی عطسه کرد آنحضرت با او گفتند یرحمک الله
و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برای
علتی ملائکه از جانب او بگویند الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید ملائکه میگویند یغفر الله لک و فرمود
که عطسه کردن بیمار علامت عافیت اوست و راحت بدنست و از حضرت صادق ع منقولست که عطسه نفع
میبخشد به بدن مادام که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث
دیگر فرمود که هر که عطسه کند دست بر [illegible] و بگوید الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو
اهله و صلی الله علی محمد نبیه و آله و سلم از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون آید از ملخ
کوچکتر و از مگس بزرگتر و برود تا بزیر عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث
دیگر فرمود که کسی عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در چند

روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن آن واقع شود و علامت راستی آن سخن است
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که عطسه را سه مرتبه دعا بکو و چون زیاده از سه شود او را واگذار
و در روایت دیگر منقولست که چون کسی عطسه کند سزاوار آنست که انگشت شهاده بر روی بینی گذارد و
بگوید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغماً داخراً
صاغراً غیر مستنکفاً ولا مستحسراً و هر گاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یرحمک الله
و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و چون مرد مؤمن عطسه کند بگوید یرحمک الله و اگر زن باشد
بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد بگوید زرعک الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاک الله و اگر
کافر ذمی باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صلی الله علیک و در جواب میگوید یغفر
الله لنا ولکم و از حضرت صادق ع منقولست که بسیار عطسه کردن ایمن میگرداند از پنج درد اول
خوره دویم لقوه سیم نزول آب چشم چهارم صلابت و خشکی پنجم رگهای پیچ پیچ بیرون آمدن
از چشم و اگر خواهی که عطسه کم شود روغن مرزنگوش در بینی بچکاند بقدر یکدانک راوی گوید که
پنج روز بچکانیدم بر طرف شد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در بیت الخلا عطسه کند
حمد الهی را در خاطر خود بگذراند و محتمل است که مراد آهسته گفتن باشد و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمک الله او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم

و از حضرت امام رضا ع منقولست که صلوات بر محمد و آل او واجبست بعد عطسه کردن و نیز کشتن حیوانات و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مؤمن آب دهان را بجانب قبله نیندازد و اگر از راه فراموشی
بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر گاه کسی در نماز عطسه
کند الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی بشنود عطسه کسی را و در نماز باشد بگوید الحمد لله و صلی الله علی
محمد و آل محمد اگر چه در میان او و آن شخص دریا باشد که عطسه کرده است

فصل هفتم

در مزاح کردن و خندیدن و سر گوشی کردن و آداب صحبت داشتن و مجلس را پنهان داشتن و در حدیث صحیح از
حضرت صادق ع و از حضرت امام موسی ع منقولست که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تای ایشان با
یکدیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در میان سخن برادر مؤمن سخن گوید چنانست که خراشی در روی
او کرده است و در احادیث بسیار منقولست که مجالس امانتست یعنی آنچه گذشت باید در جای
دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان راضی اند و از حضرت رسول صلعم منقولست که احدی را
نیست که سخنی را که صاحبش پنهان دارد نقل کند مگر آنکه علمی باشد که اظهار آن لازم باشد یا ذکر
نیکی های آن شخص و نیز از آنحضرت منقولست که مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را
حلال کنند یا مالی را بناحق ببرند و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح

و خوش طبعی بنما و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی کردن شما را با یکدیگر هست
گفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مومن
میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلعم مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام
امام محمد باقر ع منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید
و از حضرت صادق ع منقولست که خندیدن مومن باید تبسم باشد و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن
دل را میمیراند و دین را میگدازد چنانکه آب نمک را میگدازد و فرمود که از جمله جهلست خندیدن بی آنکه
تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطانست و فرمود که بسیار خندیدن آب
رو را میبرد و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که زنهار مزاح مکنید که کینها بهم میرسد و دشنام
کوچکست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست چون خنده قهقهه بکنی بعد از آن بگو اللهم لا تمقتنی
و از حضرت صادق ع منقولست که مزاح کردن آبرو را میبرد و [illegible] مرد را منبسط میکند و
در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که حسنت را میبرد و خوش طبعی مکن که باعث جرات مردم میشود و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را میبرد و مروتت را سبک میکند
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و نمیخندید و حضرت عیسی ع میگریست و میخندید و آنچه عیسی ع میکرد
بهتر بود از آنچه یحیی ع میکرد و در حدیث دیگر منقولست که داود ع بحضرت سلیمان ع میگفت ای فرزند

زنهار که خنده بسیار مکن که بسیار خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که عجب دارم از کسی که ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق ع فرمود که کسی که بسیار خندد
از روی لعب و بازی در قیامت گریه اش بسیار باشد و هر که بسیار بگرید بر گناه خود در بهشت
خوشحالی و خنده اش بسیار باشد پس از این اخبار چنین ظاهر میشود که مومن میباید که عبوس و گرفته نباشد
و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و خوش طبعی کردن مذموم
است و فعل بیخردان و سفیهانست **فصل هشتم** در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب
مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو مجاورت کن با کسی که با تو مجاور است
کن تا مومن باشی و نیکو مصاحبت کن با کسی که با تو مصاحب است تا مسلمان باشی و از مفضل
منقولست که بخدمت حضرت صادق ع رفتم فرمود که کی مصاحبت تو بود در راه گفتم شخصی از برادران
مومن فرمود که چه شد گفتم تا داخل مدینه شدم جای او را ندانستم فرمود که مگر نمیدانی که کسی چهل
گام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی از حق او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلعم منقولست
که همین عیب بس است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم پوشد و مردم را سرزنش
کند بر چیزی که خود ترک آن نتوان کرد و آزار کند همنشین خود را [illegible] که نفعی باو ندهد و
حضرت امام محمد باقر ع فرمود که مردم یا مومنند یا جاهل بجز بری نباید کرد و اگر بقتل او خواهی بود

و از حضرت صادق ع منقولست که از ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند
با رفیقان خود و نیکو نمک‌خوارگی نکند با کسی که نمک خورد با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که با منافق بزبان خوش سازگاری بکن و محبت قلبی خود را خالص
گردان برای مؤمنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند مجالست نیکو بکن با او و حضرت رسول صلعم فرمود که نیکی
کن با مردم که ترا دوست بدارند در یک حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمان
خالص میگردانند اول آنکه چون با او برخورد بگشاده رویی و خوشحالی او را ملاقات کند دوم آنکه جا برای
او بگشاید چون نزد او بنشیند سیم آنکه بنامی که دوست تر میدارد او را بخواند و در حدیث دیگر فرمود که اظهار
دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی
را دوست داری خود را اظهار بکن با او که بیشتر باعث ثبات محبت او میشود در میان شما …
دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم قسمت میکردند نظر کردن خود را در میان اصحاب خود که بیکی …
و هرگز در میان اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون
کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون غایب باشد نامش را بگو و در میان مردم القاب …
است آقا و میرزا و آقا و نواب و امثال اینها و از حضرت رسول صلعم منقولست که چون کسی
برادر مؤمن خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدرش را و نام قبیله‌اش را بپرسد از او که این از حق